

دام بزرگ کلاهبرداران پیچیده در غرب کشور



صفحه ۲

بخش مهمی از میراث تاریخی ایران که در سال‌های پیش از انقلاب از ایران خارج شده بود، با رایزنی‌ها به کشور بازگشت

به جای پهلوی میراث کوروش برگشت!



صفحه ۸

تئانیاهو که همچنان درگیر اعتراضات داخلی است ناخواسته اعتراف کرد
ایران در برابر آنها به بازدارندگی کامل رسیده

نقاشی ۲۰۲۳

درباره حواشی ماجرای دانشکده علوم اجتماعی که ادامه دارد پای ایران وقانون بایستید

۱۲ | ۵,۱۴ | ۱

چرا داشتن سوبه‌های انتقادی دیوارنگاره‌ها باید تحمل شود؟
نقد درون‌گفتمانی روی ییلبور

سرقلی‌هایی به اسم فصلنامه علمی پژوهشی
۲۰ - یادداشت

سهیلا عباسپور
خبرنگار گروه اندیشه

این روزها که تب‌وتاب تحول و تغییر در مسیر علمی کشور و فرآیندهای مربوط به آن از سوی مسئولان مختلف وزارت علوم اوج گرفته و برخی اساتید معزز دانشگاه به موازات شور فضا از پایدها و نباید‌های تحول علمی می‌گویند، جالب و عجیب است که آمار مقالات منتشره کشور در فضایی که کشتی اندیشه و ایده پردازی سال‌هاست در ساحل عرصه علمی به گل نشسته، دستمایه نقد از سوی همین مسئولان عرصه علم قرار گرفته است. بی‌آنکه تلاشی جهت اصلاح این روند اشتباه انجام دهند و سعی در اصلاح قوانین دست‌وپاگیر کنند. طبیعی است هم دانشجویان و هم اساتید به خوبی آگاهند که عمده فصلنامه‌ها در دست افراد، دانشگاه‌ها و موسسات با مجوز رسمی از وزارت علوم محلی برای تولید فساد علمی، رانت و انواع باج‌ها در فضای غیرآزاد تولید دانش و علم هستند. آنجا که قانونی وضع شود و ارائه گواهی پذیرش یا انتشار مقاله را برای دفاع از رساله اجباری کند، اساتید را براساس شمار مقاله ارتقا دهند و رتبه بندی کنند و داوطلبان ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر را با کمیت آن بستند و نمره دهند. قاعدتاً تولید شدن اغلب آنها و حذف نسخه کاغذی، با پرداخت هزینه از سوی این حجم از نوشته تحت عنوان مقاله محلی ایده پردازی جدی و دغدغه‌مند نیست و نخواهد بود. این هم به شرط افزودن اسم اساتیدی که اغلب کوچک‌ترین زحماتی را مصرف‌آن مقاله نکرده، همان‌گونه که در نگارش رساله و پایان‌نامه آن راسبازی از ما شاهد بودیم. آیا تاکنون دیده‌اید سرفقلی در دکان علمی پژوهشی یا اساتدی به این روند فسادزا تولید و انتشار اجباری اعتراض رسمی کند؟ اما مهم‌تر از همه، فصلنامه‌های علمی پژوهشی رونق فاجعه‌بار داوری است که آن هم در بیشتر فصلنامه‌ها به تاژگی و علی‌رغم الکترونیکی بودن، ماه در نوبت داوری می‌ماند. آن هم داوری‌هایی اغلب سلیقه‌ای و بدون معیارهای مشخص علمی که برای هر فصلنامه‌ای از زمین تا آسمان قاعده و قانون آن متفاوت است و از هیچ قانون جامع و استانداردی در این زمینه پیروی نمی‌کند؛ و داوطلبانی که چسبنا خود ضعف علمی و نقص دانشی دارند و در این حال سالانه دست‌کم ۱۵ تا ۲۰ مقاله تولید کرده که مدخل مشارکت آنها نیز محل بحث است، سعی در فیصله یافتن ماجرا داشته‌اند. باید پای قانون ایستاد، همان‌گونه که باید پای ایران ماند.

رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:
رویکرد وزارت علوم در حمایت از نشریات علمی تبعیض‌آمیز است

درباره حواشی ماجرای دانشکده علوم اجتماعی که ادامه دارد
پای ایران وقانون بایستید
۱ - یادداشت

ایوب‌الفضل منظاری
مدیر گروه دانشگاه

با نقاب عدالت و عدالت‌خواهی به تقلیدی نمایشی از جریان چپ می‌پرداخت. او چه در جریان ارائه با شکل و شمایل خاص و چه حتی در نگارش پایان‌نامه با استفاده از کلمات ترک و کورد تلاش کرد تا هرآنچه را می‌تواند عرضه کند تا شاید این بار در صدایی آرام‌تر و با رنگ و لعابی علمی تجزیه‌طلبی را فریاد کند. این البته نه حرف یک خیزرنگار بلکه صحبت استاد داور همان جلسه است که در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفته بود: «این جلسه دفاع از حیث علمی، جلسه قابل قبولی نبود. نکاتم را هم در همان جلسه اعلام کردم. به خود خانم حسین‌زاده هم گفتم این پایان‌نامه بیش از اینکه متنی آکادمیک باشد، متنی ایدئولوژیک و بیانه‌ای سیاسی است. مساله اصلی در آن پایان‌نامه این است که آنچه ذیل تجزیه‌طلبی در تاریخ ایران رخ داده با مفاهیم نوین تطهیر شده است.»

همبستگی ستودنی اساتید در دفاع از ایران

پس از رسانه‌ای شدن جلسه واکنش‌های مختلفی نسبت به آن صورت گرفته است اما بدون شک یکی از مهم‌ترین آنها نامه ۵۵ عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است که در آن تأکید شده بود «ایران بزرگ، محصول همگرایی و زندگی مسالمت‌آمیز اقوام ایرانی است و ما جمهوری اسلامی را هویت جمعی ملت و طریقه عزت ایران می‌دانیم». امضاکنندگان این نامه «سلاطین مختلفی سیاسی حاضر در این دانشکده از اصلاح‌طلبانی چون حمیدرضا جلالی‌پور تا اصول‌گرایانی مثل حمید بازنسیان» اعلام کردند که «تلاش علوم اجتماعی نیز همواره در راستای اعتلای هویت ایرانی و اسلامی بوده است و حمایت از تجزیه‌طلبی و تروریسم، جایی در میان گفتار علمی ما ندارد». البته در این بین نام برخی اساتید مطرح این دانشکده چون تقی آزادارمی و شگردان یوسف‌آبادزی، که می‌توان از آنها به عنوان یک طیف شناخته‌شده در فضای دانشکده یاد کرد، دیده نمی‌شود.

تکلیف شبهات را روشن کنید

به جز وضعیت دانشجویی لیلا حسین‌زاده، نحوه هماهنگی جلسه دفاع از هم محل شبهه و سوال بوده و توضیحات مختلف منتشر شده از جانب دانشگاه که ابهامات را بیشتر کرده است، جبار رحمانی، استاد انسان‌شناسی که به عنوان استاد داور در جلسه حضور داشته می‌گوید حضور من در این جلسه طبق روال دانشگاه بود.

روند برگزاری جلسات دفاع در دانشگاه‌ها و مشخص شدن اسامی داوران اتفاقی نیست که به سادگی یا توسط دانشجوی بیفکر، برگزار می‌شود. چنین جلسه‌ای اتفاقی نیست که با یک حضور ساده در دانشکده به بهانه پیگیری امور آموزشی افتاده باشد یا صرفاً یک ارائه تمرینی یا هر چیزی شبیه به این. اتفاق مشخصی در فضای دانشگاه تهران افتاده و به نظر می‌رسد به جای فراکتی توضیحات همراه با مستندات و برخورد با مخاطبان باید در دستورکار دانشگاه قرار گیرد نه اینکه صرفاً با بیان تعلیق موقت در عضو هیات علمی که مدخل مشارکت آنها نیز محل بحث است، سعی در فیصله یافتن ماجرا داشته‌اند. باید پای قانون ایستاد، همان‌گونه که باید پای ایران ماند.

درباره حواشی ماجرای دانشکده علوم اجتماعی که ادامه دارد
پای ایران وقانون بایستید

نکته درباره آغاز سال تحصیلی
مهر ۱۴۰۲، دانشگاه زنده است
سرمقاله

حجت‌الاسلام مصطفی رستمی
رئیس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها

در آستانه بازگشایی سال تحصیلی نو در دانشگاه‌ها نقاط مثبت و امیدآفرین در خصوص آموزش عالی کشور روشن‌تر از همیشه است و البته این روشنائی نباید موجب شوک کاستی‌ها و عیوب را به چشم بینیم.

۱- اصل دانشگاه و برضابط بودن آن امروز امیدوارکننده است؛ هم از نظر کمی و هم از منظر کیفی دانشگاه ایرانی امروز سند افتخار است. کشورهای همسایه و رقیب منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای چند سالگی می‌شود شبیه همین کاری را که در ورزش و فوتبال انجام داده‌اند و بحث برانگیز شده است در حوزه علم انجام داده‌اند؛ پول‌پاشی، خرید مقاله و... هدفشان چه بوده است؟ به جایگاه ایران در حوزه علم برسند، فارغ از اینکه آنها در این مسیر موفق بوده‌اند یا نه، اصل اینکه نقطه رقابت در منطقه آنجاست که ایران قرار دارد قابل‌تامل و مذاقه است.

۲- کمیت حضور دانشجو در ایران نقطه امیدبخش و مهم دیگری است، در برخی نحل‌های علم مدیریت مهم‌ترین مزیت یک سازمان یا مجموعه برای پیشرفت را نیروی انسانی می‌دانند. حضور خیل عظیم دانشجویان متخصص ظرفیتی بزرگ برای توسعه است که کمتر کشوری در اختیار دارد. اینکه طراحی و نقشه ما برای توسعه چه نسبتی با این ظرفیت عظیم دارد، سوال مهمی است که در جای خود مسئولان باید به آن پاسخ دهند و استفاده نکردن از این ظرفیت به‌مثابه مسافرقتی با خود روی پورشه است. این ظرفیت عظیم با آمار و ارقام توسعه‌ای کشور همخوانی ندارد، اما اینها باعث نمی‌شود اصل این ظرفیت را ندیده بگیریم.

۳- در یک فضای پویا رشد اتفاق می‌افتد. کنشگری اجتماعی و سیاسی در دانشگاه لازمه یک دانشگاه پویاست، پذیرش تکرار در چهارچوب قانون، کنشگری آرمان‌گرایانه و متعهدانه، ترویج روح پرسشگری، ممنوع با اخلاق علمی موجب توسعه دانایی محور کشور می‌شود. رسیدن به چنین ترکیبی یعنی بازگشت به عقلانیت و دوری از زادبوم کالیسم. این همان چیزی است که دشمنان ایران نمی‌خواهند، رونق عقلانی دانشگاه ایرانی یعنی برهم خوردن نقشه دشمن.

۴- ریشه عمومی اساتیدی دانشگاهی کشور، متخصص توانمند، متعهد، مسلمان و ایران‌دوست است، رشد کمی و کیفی دانشگاه بدون داشتن چنین بدنه‌ای ممکن نبوده و نیست، تغییر و تحول در بدنه اساتیدی امری اجتناب‌ناپذیر است - البته همه آموشد‌ها در دانشگاه‌ها باید بر مدار قانون باشند - باید منطق و استدلالی قابل توضیح برای افکار عمومی داشته و از سلیقه‌گرایی و باندا بازی دور باشد. نکته دیگر این است که پیشرفت و موفقیت علمی اتفاقی نیست، بدنه هیات علمی کشور امروز سوال‌ها و دغدغه‌های معیشتی جدی دارند، حضور جدی رقبای منطقه‌ای در عرصه تولید دانش باید یک زنگ هشدار جدی برای ما باشد.

۵- همان‌طور که ایران ستیزی خط‌کشی و عملیاتی رسانه‌های معارض علیه ایران و دانشگاه ایرانی است، تقویت ایران در نظر و عمل باید ایده دانشگاه باشد در این وسط هر کوشش شبه علمی به نفع تجزیه‌طلبی و ضدیت با ایران باید محل ایراد جامعه دانشگاهی و روشنفکری ایران باشد، بروز اقداماتی از این دست هرچند محدود و حداقلی باید به شکل جدی محل‌تامل و زیرعلاصت سوال قرار گیرد که در کجای علوم انسانی مسیر را اشتباه آمده‌ایم که به این نقطه رسیده‌ایم؟

۶- همان‌گونه که راهپیمایی اربعین و حضور افشار گوناگون در آن مثال نقض مهمی بر تئوری جهانی‌سازی لذت‌گرایی و اومانیسم است، فعالیت‌های دانشجویی انقلابی و مذهبی اعم از هیات‌های پرشور، اردوهای جهادی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شکل‌ها و کانون‌ها و... نمادی روشنی از خلاف بودگی آن چیزی است که تغییر زیست جهان ایرانی به نفع سکولاریسم می‌خواهند. با شروع دانشگاه‌های این موج توفنده‌تر از قبل حرکت خواهد کرد. می‌بینیم که دانشگاه زنده است اما نه به آن سبب‌هایی که انگاره‌های هرج‌ومرج طلب چپ و راست تصویرسازی می‌کنند.

۷- دانشگاه باید مدار آزاد فکری، پذیرش تکرار، طرح و‌اگره‌های انتقادی متعهدانه باشد، رهبر انقلاب سال‌هاست این مطالبه را از دانشگاه داشته‌اند و این یک دین بزرگ بر گردن دانشگاه درقبال مردم و رهبر انقلاب است که باید در سال جدید گام‌های مؤثری برای ادای آن برداشته شود.

نقدی بر یک م‌ساده از قانون جدید مجلس با موضوع **حجاب و عفاف**

کمر به قتل پلتفرم‌های ایرانی بسته‌اید؟

مجید مهدی‌پور خبرنگار

قانون حمایت از عفاف و حجاب که چند روز پیش توسط مجلس شورای اسلامی برای اجرای آزمایشی سه‌ساله به تصویب رسید، در چند ماده به سکوهای انتشار محتوا در فضای مجازی اشاره کرده است. مرور این مواد و تطبیق دادن آن با برخی از واقعیات و آمارها سولاتی را به وجود می‌آورد.

متن ماده ۴۲ مصوب شده در مجلس شورای اسلامی را با هم مرور کنیم؛ همه سکوهای کاربرمحور موظفند سازوکارهای انسانی و هوشمند تعدیل محتوا را حسب مورد مطابق مصوبات شورای عالی فضای مجازی یا سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) پیاده‌سازی و اجرا کنند و از این طریق مانع انتشار محتوای مروج یا مبلغ فرهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی شوند و محتواهای مزبور را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت حذف کنند. درصورت اهمال در پیاده‌سازی و اجرای این سازوکارها ضابطان مطابق صلاحیت‌های قانونی خود حداکثر ظرف مدت بیست‌وپه‌چهار ساعت پس از کشف مکلفند پس از مستندسازی محتواهای ناقض قانون را حذف و پرونده را جهت تعیین تکلیف قضایی ارسال کنند. سکوی متخلف به جزای نقدی معادل سه تا ده درصد سود حاصل از درآمد سالانه و ممنوعیت از تبلیغات از یک‌تا سه ماه و حذف محتواهای ناقض قانون و حذف محتوای ناقض سادات از یک تا سه ماه و حذف محتوای ناقض قانون، محکوم می‌شود.

این ماده و چنین مضمونی در متن اولیه‌ای که از سوی قوه قضائیه به مجلس ارسال شده بود وجود نداشت و اضافه شدن آن را باید محصول کمیسیون قضایی مجلس دانست. اما چند نکته درخصوص این ماده نیازمند توجه است:

اول، در متن مصوبه در کنار شورای عالی فضای مجازی ساترا به عنوان نهاد نظر بر سکوهای انتشار محتوای کاربرمحور (UGC) در نظر گرفته شده است. این درحالی است که نقش دادن به ساترا در حوزه UGC می‌تواند محل سوال باشد. در ماجرای vOD ها سازمان صداوسیما توانست با استفاده از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی حرف خود را به کرسی بنشاند اما در حوزه UGC و نظارت بر پلتفرم‌های کاربرمحور، سازوکار قانونی مدونی وجود ندارد. توانایی سازوکارهای داخلی ساترا هم در این ماجرا محل تردید جدی است به خصوص اینکه در اساننامه نداشته ساترا هم چنین مسئولیتی را پیش‌بینی نکرده است. درواقع در وضعیت کنونی تنها در حوزه بخش زنده‌تصویری می‌توان ساترا را دارای وجهت قانونی برای اعمال نظر دانست که آن هم در میان دستگاه‌های حاکمیتی معارضاتی جدی دارد.

دوم، انتشار محتوا در پلتفرم، در حالت عمومی و خصوصی بر مبنای فتوای رهبری متفاوت است اما در این مصوبه هیچ تمایزی بین این دو نیست. رهبری در فروردین‌ماه سال ۹۷ در صحبتی که پیرامون حضور مردم در سکوهای پیام‌رسان داخلی داشتند به‌صراحت اعلام کردند «مسئولان باید امنیت و حریم داخلی مردم و کشور را حفظ کنند». تعرض به امنیت و حریم داخلی مردم «حرام شرعی» است و نباید انجام شود. «نکته مهم اینکه اینک هر چه خصوصی صرفا به معنای ارتباط فریده‌فرد (۲۲۲) نیست و می‌تواند شامل گروه‌ها، کانال‌ها و حلقه‌هایی با تعداد اعضای بیشتر هم بشود. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا دایره شمول قانون فعلی مجلس مثلامی‌تواند گروه‌های چندنفرو خانوادگی را هم در بر بگیرد؟ درصورت مثبت بودن آیا چنین چیزی شدنی است؟

سوم، براساس مواد ۳۷ و ۳۸ و ۳۹، انتشار محتوایی که مبلغ فرهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی یا بدپوششی تشخیص داده شود، عمل مجرمانه است و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده. نکته قابل تامل اینکه هم در این مواد و هم در ماده ۴۲ تفکیکی بین پلتفرم داخلی و خارجی در نظر گرفته نشده. حال اگر یادمان باشد که برخی مسئولان مدعی نامه‌نگاری با تویتتر و اینستاگرام برای برپایی دفتر رسمی در ایران هستند یا در جریان فراب‌گیری کم ذیل توافق ایران و چین قرار است که تیک‌تاک فعالیت خود را در ایران توسعه دهد، این قانون جالب‌تر هم می‌شود. درحقیقت اعمال این مواد روی پلتفرم‌های غیرایرانی شبیه به صورتی است و اگر قرار باشه که صرفا بر سکوهای داخلی اعمال بشود درنهایت معنی اش از بین بردن آنهاست، مگر سیاست کلی حمایت از پلتفرم‌های داخلی اعلام نشده است.

چهارم، براساس متن مصوب، سکوها ملزم به حذف محتوای نامناسب حداکثر تا دوازده ساعت پس از انتشار آن شده‌اند. سوال این است که عدد ۱۲ ساعت از کجا آمده؟ چرا نصفش نه؟ چرا ۲۴ ساعت نه؟ براساس اطلاع از سازوکارهای موجود در پلتفرم‌های ایرانی منتشرفکننده محتوا باید گفت این فرصت، با توجه به حجم محتوای منتشرشده روی این سکوها اساسا بی‌معنی است. دقت کنید که اینجا با پورن یا برهنگی طرف نیستیم که سازوکارهای بسیار کارآمدی مبتنی بر هوش مصنوعی برایشان توسعه پیدا کرده و نمونه‌های کارآمد داخلی و خارجی آنها وجود دارد، بلکه قانون بیانگر آن است که براساس تشخیص انسانی، محتوای مروج یا مبلغ بی‌حجابی یا بدپوششی باید حذف شود. کسی حامی برهنگی یا بدپوششی نیست اما لفظ مروج بدپوششی زیادی سلیقه‌ای نیست؟ نکته دیگر اینکه در مصوبه، زمان انتشار محتوا مبنای قرار گرفته درصورتی‌که می‌شد زمان گزارش تخلف از سوی کاربر را مینا قرار داد، خود این ماجرا زمینه را برای اجرایی نشدن مصوبه بیشتر فراهم می‌کند.

پنجم، روزانه چندده میلیون محتوا در مجموعه پلتفرم‌های ایرانی منتشر می‌شود. بر مبنای این قانون حتی اگر یک تخلف هم اثبات بشود، مرتبه اول تا ۱۰ درصد و مرتبه دوم تا ۱۵ درصد سود سالانه جریمه می‌شوند. کافی است تنها ۱۰ قطعه عکس یا حتی کمتر که به‌زعم یک قاضی مشکل‌دار هستند در میان میلیارد‌ها پست منتشرشده در پلتفرم‌های داخلی پیدا کنید، تا کل سود سالانه‌اش را به عنوان جریمه بگیرند! درواقع این بند بیش از هر چیزی ترجمه ایده‌ای است که اخیرا یکی از روزنامه‌ها مبنی بر مصادره سکوها مطرح کرده بود.

ششم، براساس متن مصوبه، ضابطان مجاز شده‌اند که پس از گذشت ۲۴ ساعت از انتشار محتوای نامناسب، آن را حذف کنند. این به

معنای آن است که مجموعه‌ای از نهاد‌های نظارتی، دسترسی‌های ویژه‌ای برای اعمال نظر خود – و نه حکم قانونی و رسمی قوه قضائیه و دادگاه- در حوزه محتوای پلتفرم‌ها داشته باشند که اولاد در تناقض با فتوای رهبری است و ثانیاً با هر شیوه‌ای از اداره پلتفرم‌ها تعرض جدی دارد و مخاطرات جدی برای امنیت کاربران به همراه دارد.

بخش مهمی از میراث تاریخی ایران که در سال‌های پیش از انقلاب از ایران خارج شده بود، با ایزینی‌ها به کشور بازگشت

به جای پهلوی، میراث کوروش برگشت!

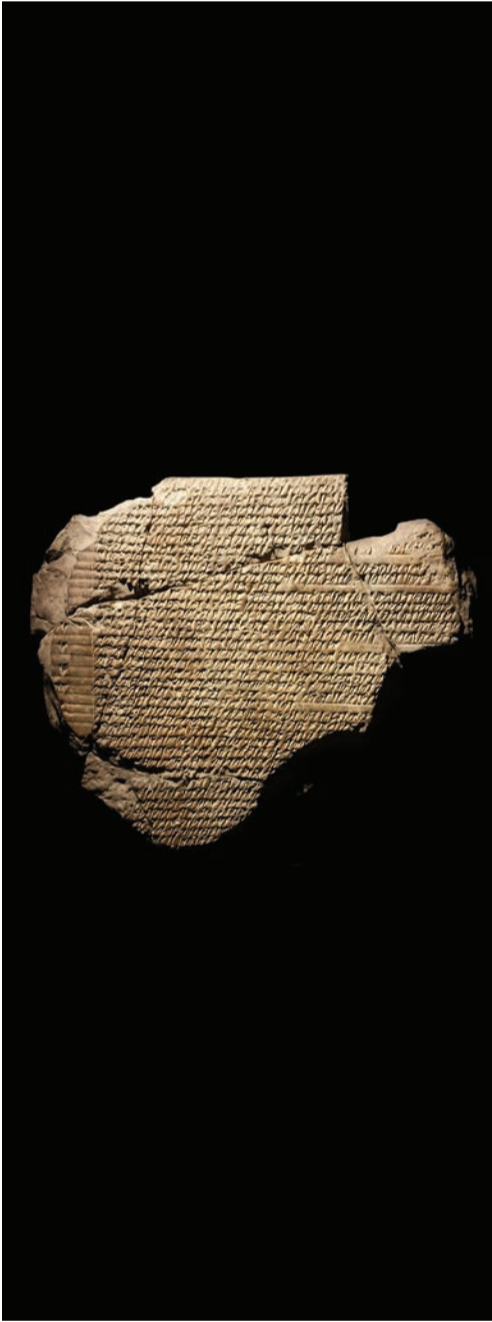
سبک درباری دارند. الواح بارو درباره خراج، جیره‌ها، حقوق و دستمزد است.

یعنی مسائل روزمره جامعه را کاملاً بررسی کرده و دربرمی‌گیرد. ما حتی در این الواح می‌توانیم نام گیاهان و غلات را هم ببینیم. اما اینجا با توجه به مهرهای موجود، مه‌ها بیشتر انعکاس دهنده گروه خاصی از اشخاص است.»

این الواح نشان دادند

که تخت جمشید مرکز سازمان اداری پارسه است

این اسناد رشته باستان‌شناسی معتقد است که الواح خزانه، ساختار درباری جوامع هخامنشی را نشان می‌دهد. اما به‌هرحال این پرسش وجود دارد که چرا این الواح مهم شده‌اند؟ او در پاسخ به این سوال می‌گوید: «همیشه در ذهن ما این است که تخت جمشید همیشه محلی برای نشان دادن قدرت و جلال پادشاهی درویش اول است اما این الواح نشان داد که تخت جمشید یک محل و سازمان اداری پارسه است و سرزشته‌های تمام امور مملکت نیز در همین تخت جمشید رقم می‌خورد؛ چراکه الواح کشف‌شده اسنادی متقن برای این سخن ما هستند. اگر دقت کنید، الواح به دو شکلند. یک دسته بالشتی شکل و چهارگوش هستند؛ این الواح بالشتی شکل ۸ سانتی مترند و در کف دست هم جای‌گیرند. این تابلت‌ها در انبارها و ادارات محلی زیرنظر سیستم مرکزی تهیه و مهر و موم می‌شد و کارمندان محلی نیز آنها را نسخه‌برداری کرده و برای ادارات مرکزی تخت جمشید ارسال و باگتانی می‌کردند. دسته دیگر، الواح راست‌گوشند که ابعاد بزرگ‌تری دارند و در خود تخت جمشید تهیه و نوشته می‌شد و تا ۲۷ سانتی متر هم ابعاد داشتند. روی این تابلت‌ها مهر و خط است. از آنجایی که در گذشته به جای امضا، افراد مهر داشتند مهر این الواح مهم است. مطالعه متن این تابلت‌ها، شرایط را برای شناسایی دارندگان مهرها و سبک و نوع نقوش استفاده شده در مهرها آسان کرد. این مهرها منبع بی‌نظیری هم برای بررسی جنبه‌های هنری در آن دوره و هم بررسی سیستم اداری و اقتصادی است. همچنین مطالعات این الواح گلی نشان می‌دهد تا چه میزان دقت و نظم در میان سیستم اداری حاکم است. زیرا در این الواح می‌بینیم که نام هر یک از افراد یا گروه‌هایی که به آنها پول پرداخت می‌شد، ذکر شده است. ما از الواح به یک سیستم اداری و حسابداری و مشتکافانه و دقیقی هم رسیدیم و درنهایت نظام دریافت و هزینه‌ها را در نوع خودش بسیار پیشرفته می‌دانیم.»



قرار بوده همان‌طور باشد که خانواده‌هایشان را زینت‌المجالس خود می‌کنیم و بسیاری از موارد را جایگاه آنها را در نظر نمی‌گیریم، یا عکس‌هایشان هم چنین کنیم؟ در مسابقات ورزشی رشته‌ای که ورزشکارانش به سبب نوع ورزش‌شان با ظاهری برهنه روی صحنه می‌روند چیدن تابلوی عکس شهدا آن هم پایین پایشان واقع‌ا چه لزومی دارد؟ آیا این ارج نهادن به نام شهداست؟ چه کسی این کلاژ بدترکیب را تدارک دیده است و خیال کرده دارد شهدا را اوج می‌نهد؟ چرا در حفظ و ارج نهادن میراث کشورمان انضباطی بی‌سلیقه و بدحواسیم؟ روابط عمومی اسبق فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام می‌گوید ورزشکاری که برای مسابقات آماده می‌شود و روی صحنه می‌آید حداقل یک هفته است آب نخورده و شاید با چند جرعه چای و قهوه خودش را تا روز مسابقه نگه داشته است. چنین ورزشکاری در روز مسابقه در بدترین وضعیت استرسی و روانی خود است که ممکن است بعد از هر نتیجه‌ای حسایی به هم بریزد و احتمالا بی‌ارزندگی نیز به همین دلایل نتوانسته بعد از رای داروان خودش را نگه دارد. اما آیا کسی این سوال را پرسیده است که چرا طراحی این برنامه باید به‌گونه‌ای باشد که عکس مهم‌ترین قهرمانان وطن یا یک یاد و حرکت و تکانی سقوط کند و چنین صحنه دلخراشی به‌وجود بی‌آورد؟ یا برگزارکننده مقصر نیست؟ مسابقات کشتی در چند روز اخیر همه را پای تلویزین میخکوب کرده است. اما این بار برنامه‌ای که قرار است مسابقات کشتی را پخش کند خواسته شهدای ورزشکار به‌خصوص در رشته کشتی را ارج‌نهد. برای همین نه در دکور

به جای ارج نهادن، نام شهدا را مصرف نکنیم

قرار بوده همان‌طور باشد که خانواده‌هایشان را زینت‌المجالس خود می‌کنیم و بسیاری از موارد را جایگاه آنها را در نظر نمی‌گیریم، یا عکس‌هایشان هم چنین کنیم؟ در مسابقات ورزشی رشته‌ای که ورزشکارانش به سبب نوع ورزش‌شان با ظاهری برهنه روی صحنه می‌روند چیدن تابلوی عکس شهدا آن هم پایین پایشان واقع‌ا چه لزومی دارد؟ آیا این ارج نهادن به نام شهداست؟ چه کسی این کلاژ بدترکیب را تدارک دیده است و خیال کرده دارد شهدا را اوج می‌نهد؟ چرا در حفظ و ارج نهادن میراث کشورمان انضباطی بی‌سلیقه و بدحواسیم؟ روابط عمومی اسبق فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام می‌گوید ورزشکاری که برای مسابقات آماده می‌شود و روی صحنه می‌آید حداقل یک هفته است آب نخورده و شاید با چند جرعه چای و قهوه خودش را تا روز مسابقه نگه داشته است. چنین ورزشکاری در روز مسابقه در بدترین وضعیت استرسی و روانی خود است که ممکن است بعد از هر نتیجه‌ای حسایی به هم بریزد و احتمالا بی‌ارزندگی نیز به همین دلایل نتوانسته بعد از رای داروان خودش را نگه دارد. اما آیا کسی این سوال را پرسیده است که چرا طراحی این برنامه باید به‌گونه‌ای باشد که عکس مهم‌ترین قهرمانان وطن یا یک یاد و حرکت و تکانی سقوط کند و چنین صحنه دلخراشی به‌وجود بی‌آورد؟ یا برگزارکننده مقصر نیست؟ مسابقات کشتی در چند روز اخیر همه را پای تلویزین میخکوب کرده است. اما این بار برنامه‌ای که قرار است مسابقات کشتی را پخش کند خواسته شهدای ورزشکار به‌خصوص در رشته کشتی را ارج‌نهد. برای همین نه در دکور

رای دادگاه ایالتی آمریکا به نفع ایران

طی یک قرارداد با موسسه شرق‌شناسی شیکاگو، این الواح گلی به مرکز این موسسه در شیکاگو ارسال می‌شود و در قرارداد با این موسسه ذکر شده که ایران این الواح گلی را برای رمزگشایی و خواندن به امانت به دانشگاه شیکاگو سپرده است. طبق اعلام موسسه قرار بود که این موسسه دوبار در سال از خزانه‌داری آمریکا، صدور مجوز انتقال الواح به ایران را درخواست کند. در آن زمان احتمال می‌دادند که سالانه بتوانند ۵ هزار لوح را به ایران بازگردانند. این روند در مقطعی به‌درستی انجام نشد و بازگشت الواح صورت نگرفت. پس از پایان هر خوشان، الواح به تفکیک زمان و میزان سلامت الواح دسته‌بندی و به ایران بازگشت داده می‌شدند. اولین محموله بازگردانده شده در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی صورت گرفت. چهارمین محموله که با کلی حواشی همراه بود، در سال ۱۳۹۸ پس از ۱۴ سال به ایران آمد.

در آن سال رئیس موسسه شرق‌شناسی شیکاگو گفته است که ۸ ماه بسته‌بندی این الواح طول کشیده است. اما چه اتفاقاتی در این بین باعث کندی در استرداد الواح هخامنشی به وطن شد؟ صفری می‌گوید که پس از انتقال الواح در سال ۱۹۳۶ و آغاز رمزگشایی الواح در سال ۱۹۳۷، با شروع جنگ جهانی دوم کار متوقف شد؛ «با آغاز جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۴۵ رمزگشایی متوقف شد و بازگشت الواح با تاخیر همراه شد. در این بازه هم چند کارشناس در سال ۱۹۴۵ روی الواح کار کردند. استاد بزرگ سومرشناسی به نام آنرولرد پوبل، دو شاگرد به نام جورج کامرون و ریچارد هلک تربیت کرده است. وقتی در سال ۱۹۴۵ مطالعه آغاز می‌شود، این دو فرد مطالعه را روی الواح تخت جمشید آغاز می‌کنند. جورج کامرون ۱۵۰ عدد از این گل‌نوشته‌ها را می‌خواند و توجهش را روی گل‌نوشته‌های خزانه متمرکز می‌کند. وقتی ریچارد هلک فوت می‌کند، در سه مرحله بخش کوچکی از این الواح به ایران بازگردانده می‌شود. در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی ۱۷۹ قطعه به ایران باز می‌گردد. همچنین در سال ۱۳۲۹ نیز ۳۷ هزار قطعه و در سال ۱۳۸۳، ۲۰۰ هزار قطعه برگشت داده می‌شود. وقتی قرار بر این بوده که محموله چهارم به ایران برگشت داده شود، پرونده‌ای باز می‌شود. در جریان عملیات انتحاری در سپتامبر ۱۹۹۷ در بیت‌المقدس، پنج نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی می‌شوند. در بین مصدومان این حادثه تعدادی از افراد علیه ایران شکایت می‌کنند و مدعی می‌شوند که ایران از این حمله انتحاری حمایت کرده است.

این پرونده با نام پرونده جنی روپین و شرکا معروف می‌شود. در آن زمان دادگاه بدوی بدون حضور ایران و وکلایش، به نفع شاکیان رای می‌دهد. پس از صدور رای، دادگاه دستور می‌دهد منابعی که برای پرداخت غرامت مدنظر دارند را معرفی کنند. غرامت ۷۱ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار بود. شاکیان نیز همین آثار باستانی کشورمان را برای فروش و دریافت غرامت معرفی می‌کنند. پس از این جریان کشورمان پیگیری حقوقی می‌کند. درنهایت در سال ۲۰۱۴ در دادگاه ایالتی درخواست دعوی می‌دهد و دادگاه اعلام می‌کند هیچ پایه و اساس حقوقی برای توقیف این الواح وجود ندارد و رای دادگاه به نفع کشورمان و موسسه شرق‌شناسی شیکاگو می‌شود. سرانجام در فوریه ۲۰۱۸ دادگاه عالی به اتفاق آرا تأکید می‌کند که این الواح اموال فرهنگی هستند و نمی‌توان اموال فرهنگی را توقیف کرد؛ چراکه این اموال برای پژوهش در اختیار موسسه شیکاگو قرار گرفته و نمی‌شود آثار را مصادره کرد. پس از رای دادگاه، موسسه شرق‌شناسی شیکاگو درخواست خروج ۱۸۷۳ گل‌نوشته را به خزانه آمریکا ارسال می‌کند. بررسی پیش از خروج این تعداد از گل‌نوشته‌ها مقداری طول می‌کشد اما درنهایت با خروج این فهرست موافقت می‌شود. بالاخره محموله چهارم نیز که ۱۸۷۳ عدد بود در ۸ مهرماه ۱۳۹۸ تحویل داده می‌شود. در بازگشت چهارمین محموله، رئیس موسسه شرق‌شناسی به چند پیشنهاد آمده و احتمال داده بود که ارسال باقی محموله الواح تخت جمشید تا آخر اردیبهشت ۱۳۹۹ طول خواهد کشید. در این بین اما گفته می‌شود که به دلیل همه‌گیری کرونا، کار متوقف شد ولی مسئولان میراث فرهنگی کشورمان می‌گویند که تملل اداره خزانه‌داری آمریکا برای خروج اموال دلیل‌کند شدن فرآیند بازگشت اموال به کشورمان شده است. پس از صدور برای خروج اموال توسط اداره خزانه‌داری آمریکا، قرار بر این شد که در یک کشور ثالث، اموال تحویل نمایندگی ایران شوند. در این بین کشورهای آلمان و فرانسه با کشورمان همکاری نمی‌کنند و بنابراین با توجه به تحریم و عدم همکاری کشورهای دیگر با ایران، تصمیم بر این می‌شود که الواح هخامنشی به نمایندگی ایران در نیویورک تحویل داده شود و تا فرارسیدن مجمع سالانه بین‌الملل، از طریق هواپیمای حامل رئیس‌جمهور الواح حمل شود. در آخر ۳۵۰۶ قطعه الواح هخامنشی به کشور آمد که ۲۶۷۰ قطعه لوح بزرگ به خط میخی عیلامی است و ۸۳۶ لوح کوچک به خط میخی و به زبان آرامی است. این الواح ۸ شهروبر به نمایندگی ایران در نیویورک تحویل داده شد.»

گزارش «فرهیختگان» از نشست «مرجعیت فناوری؛ از ایده تا عمل»

استانداردهای حوزه فناوری نیاز به بازنگری دارند

فرهیختگان

دانشگاه

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲ | شماره ۳۹۶۵ | WWW.FDN.IR

در بررسی کاربرد هوش مصنوعی در حوزه آموزش عالی دنیا مشخص شد
برآورد ۸۸ میلیارد دلاری
بازار آموزشی هوش مصنوعی تا ۲۰۳۲



مدیرکل کتابخانه‌ها، مجلات، انتشارات علمی و علم‌سنجی
ورئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

رویکرد وزارت علوم در حمایت از نشریات علمی تبعیض آمیز است

انتشار ۲۱ مجله اسکوپوسی و ۱۵ مجله ISI در دانشگاه آزاد

در تلاشیم با عراق و پاکستان مجله مشترک منتشر کنیم

تدوین آیین‌نامه آدرس‌دهی تولیدات علمی

براساس نظام‌نامه دانشی

آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی

به‌روزرسانی می‌شود



در بررسی کاربرد هوش مصنوعی در حوزه آموزش عالی دنیا مشخص شد

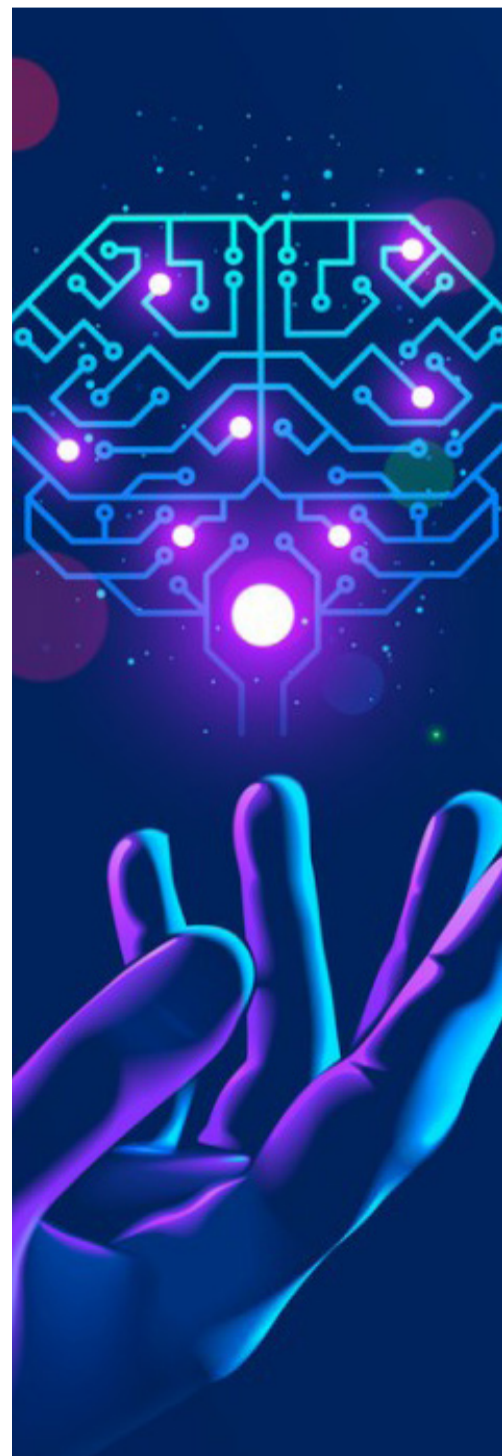
برآورد ۸۸ میلیارد دلاری بازار آموزشی هوش مصنوعی تا ۲۰۳۲



ندا اظهاری

هوش مصنوعی با سرعتی که درحال حاضر درحال پیشروی است گاهی آنقدر از کنترل خارج می‌شود که حتی دانشمندان هم به گرد پای آن هم نمی‌رسند. از معمول‌ترین بخش‌هایی که می‌توان از این فناوری نهایت استفاده را کرد، می‌توان به حوزه آموزش اشاره کرد. آموزش عالی به‌ویژه از دوران همه‌گیری کرونا به بعد بیش از پیش به فکر استفاده از فناوری‌های نوین و نوظهور در حوزه آموزش عالی دانشگاه‌ها افتاد و به این واسطه توانست تحولی را در سیستم آموزشی دنیا ایجاد کند به طوری که انتظار می‌رود با روند رو به رشدی که فناوری هوش مصنوعی در سال‌های اخیر طی کرده، بازار هوش مصنوعی در آموزش رشد قابل‌توجهی داشته باشد. به گزارش AlliedMarketResearch، بازار جهانی هوش مصنوعی در حوزه آموزش در سال ۲۰۲۲ قریب دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شد و پیش‌بینی می‌شود با میانگین رشد سالانه این فناوری بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۳۲ به بازار ۸۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برسد. در بازار هوش مصنوعی در حوزه آموزش، محصولات و خدمات مبتنی بر هوش مصنوعی فعالیت‌های مختلفی چون توزیع مواد، ارزیابی مهارت‌ها، ادغام دانشجویان و پلتفرم‌های آموزشی تطبیقی را به‌منظور بهبود یادگیری دانشجویان و استادان در دستور کار قرار داده‌اند. نرم‌افزار آموزشی و تعلیمی به‌طور روزافزونی از فناوری‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری عمیق، یادگیری ماشینی و پردازش زبان طبیعی برای بهبود عملکرد و تجزیه یادگیری استفاده می‌کند. فناوری‌های هوش مصنوعی مطابق با الگوهای آموزشی فعلی برای بهبود سیستم‌های آموزشی جهت انتقال و ارزیابی اطلاعات بهبود یافته ادغام می‌شوند. با کاهش هزینه‌ها، تقویت اثربخشی اجرایی و بهبود امنیت IT در دانشکده‌ها با شناسایی تهدیدها و خطرات می‌توان اقدامات سریع‌تری انجام داد؛ در این میان، معرفی هوش مصنوعی در بخش آموزش همچنین موسسات آموزشی را به‌طور قابل‌توجهی تحت تاثیر قرار داده است.

پیشرفت‌های فناورانه فرصت‌های تجاری را در بخش سرگرمی ایجاد کرده و راه را برای نوآوری، مدل‌های تجاری و خدمات جدید هموار کرده است. افزایش تعداد پروژه‌های آموزش هوشمند از دیگر عواملی است که تقاضا برای هوش مصنوعی را در نظام‌های آموزشی افزایش می‌دهد. علاوه بر این، افزایش پذیرش سیستم‌های مدیریتی به‌طور چشمگیری آموزش را با به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی متعدد برای بسیاری از شیوه‌های آموزشی کارآمدتر و پایدارتر می‌کند. علاوه بر این، آموزش شخصی و یادگیری تطبیقی، دستیاران مجازی و آموزش هوشمند و بهبود اجرایی در درجه اول باعث رشد هوش مصنوعی در بازار آموزشی می‌شوند. با وجود این، مسائل مربوط به حریم خصوصی و اخلاقی و مسائل دسترسی و نگرانی‌های مربوط به موضوع برابری تا حدی مانع از رشد بازار این فناوری می‌شود. در این میان، انتظار می‌رود افزایش انگیزه و مشارکت دانشجویان و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، فرصت‌های سودآوری را برای رشد بازار در طول دوره پیش‌بینی فراهم کند. بازار هوش مصنوعی در آموزش به چند بخش برنامه‌های کاربری، کاربر نهایی، مولفه، حالت دسترسی و فناوری تقسیم می‌شود. براساس حالت دسترسی، این فناوری به خدمات و راه‌حل‌ها تقسیم می‌شود. براساس فناوری هم به یادگیری ماشینی و یادگیری عمیق و پردازش زبان طبیعی تقسیم می‌شود. براساس کاربرد هم به پلتفرم یادگیری و تسهیل‌کننده‌های مجازی، تحویل محتوای هوشمند، مدیریت تقلب و ریسک، سیستم آموزشی هوشمند و... تفکیک می‌شود. براساس کاربر نهایی، این فناوری به آموزش عالی و یادگیری شرکتی تفکیک می‌شود. براساس منطقه هم در سراسر آمریکای شمالی، اروپا،



خبر حل مسائل صنعت و مهارت‌افزایی اولویت دانشگاه آزاد در سال تحصیلی جدید

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در پیامی آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ را به استادان گرانقدر، دانشجویان، دانش‌آموزان عزیز و کارکنان دلسوز خانواده بزرگ دانشگاه آزاد تبریک و تهنیت گفت. در پیام دکتر محمد مهدی پهرنچی آمده است: «با حمد و ستایش به محضر باری تعالی و درود بر پیامبر خاتم (ص) و اهل بیت کرامش که چراغ راه بشریتند، آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ را به استادان گرانقدر، دانشجویان، دانش‌آموزان عزیز و کارکنان دلسوز خانواده بزرگ دانشگاه آزاد تبریک و تهنیت می‌گویم. شروع سال تحصیلی با هفته دفاع مقدس مقارن شده است، ضمن گرامی‌داشت نام و یاد شهیدان هشت سال دوران دفاع مقدس و پیش‌رو بودن هفته وحدت امید دارم در سال جدید با الگوبرگیزی از زندگی، آموزه‌های اخلاقی و تربیتی پیامبر (ص)، سال تحصیلی جدید را در فضایی معنوی و پر نشاط آغاز کنیم و بکوشیم محیط دانشگاه در حوزه‌های مختلف پربارتر از گذشته باشد.»

در بخش دیگری از این پیام آمده است: «در سال تحصیلی جدید و با اتکا به سند تحول و تعالی دانشگاه که در گام دوم خود وارد دانشگاه نوآور، در خدمت مردم و با غلبه بر مشکلات پیش‌روی در جامعه است، تلاش می‌شود اقدامات تحولی در راستای تبدیل به دانشگاه کارآفرین و حرکت در مسیر حل مسائل صنعت، اشتغال همزمان دانشجویان با تحصیل، مهارت‌افزایی و تجاری‌سازی پروژه‌های تحقیقاتی عملیاتی شود. به‌واقع جامعه از دانشگاه، مفاهیم مهمی در حوزه اجتماعی، سبک زندگی، شبکه دانش، توانمندسازی اجتماعی، مهارت‌های نوین، انتقال دانش و... را دریافت می‌کند و این امر بیابانگر شأن و جایگاه دانشگاه است، بنابراین هدفمند کردن برنامه‌ها در دانشگاه براساس نیازها و ضرورت‌های جامعه حائز اهمیت است». در ادامه این پیام آمده است: «دانشگاه آزاد فرهنگ‌سازی و توسعه علمی را که رابطه مستقیمی با موضوعات اجتماعی، اقتصادی و فناوری دارد دنبال می‌کند و به همین جهت، تربیت قوه عاقله را به‌عنوان یک رسالت در دانشگاه تعریف کرده است و به ابعاد اخلاقی، هویتی و معنوی دانشجویان در کنار بعد تخصصی و علمی توجه دارد. بسیار خرسندم که مدیران و اعضای هیات علمی توانمند و فکور، نقش بسزایی در رویکرد تحولی دانشگاه ایفا می‌کنند و همگام با برنامه‌ها و سند تحول و تعالی اقدام کرده‌اند و امیدوارم نمره این زحمات تحقق دانشگاه مولد باشد و بتوانیم دانیس سازمانی و شبکه‌ای را در حوزه‌های مختلف این نهاد علمی و اجتماعی ایجاد کنیم. از همه استادان، پژوهشگران، معلمان، دانشجویان، کارکنان دلسوز و مسئولان واحدهای دانشگاهی می‌خواهم در سال تحصیلی پیش‌رو با جدیت در جهت تحقق شعار سال و توسعه کشور مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و تقویت حوزه‌های علمی و فناوری توجه ویژه‌ای داشته باشند.» دکتر پهرنچی در ادامه این پیام تاکید کرده است: «امیدوارم سال تحصیلی جدید همراه با تحقق برنامه‌های ارزشمند جامعه علمی کشور و به‌ویژه دانشگاه آزاد، امیدبخش به دستاوردهای علمی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی باشد.» رئیس دانشگاه آزاد اسلامی همچنین در پیام دیگری آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ را به معلمان و دانش‌آموزان و کارکنان مدارس خانواده بزرگ دانشگاه آزاد نیز تبریک گفت.

خبر انعقاد تفاهنامه بین دانشگاه آزاد خراسان رضوی و صندوق پژوهش و فناوری

تفاهنامه همکاری بین دانشگاه آزاد استان خراسان رضوی و صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی دانشگاه آزاد به‌منظور ایجاد زمینه‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری در بخش غیردولتی و حمایت و گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش‌بنیان منعقد شد. نشست کاروباره صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی دانشگاه آزاد با حضور عسگری غلامزاده مدیرعامل صندوق پژوهش و نوآوری غیردولتی دانشگاه آزاد، محسن مرادی رئیس دانشگاه آزاد خراسان رضوی و مشهد و برخی از مسئولان در واحد مشهد برگزار شد. غلامزاده در این نشست گفت: «این صندوق به‌منظور ایجاد زمینه‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی، حمایت کمی و کیفی از فعالیت‌های پژوهشی و فناوری و ارائه خدمات و تسهیلات به کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، خلاق، فناور و نوآور زیست‌بوم دانشگاه آزاد کل کشور در حال فعالیت است.» وی افزود: «تفاهنامه‌های همکاری با استان‌ها با سه رویکرد معرفی ماهیت و کارکرد صندوق، آشنایی با ظرفیت‌ها و بسترها و شناسایی معضلات و مشکلات استان‌ها منعقد می‌شود.» مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی دانشگاه آزاد اظهار کرد: «صندوق‌های پژوهش و فناوری وجه قانونی دارند و ماهیت حقوقی این موسسه شرکت سهامی خاص هستند. هدف این صندوق کمک به شرکت‌ها و صاحبان ایده برای تجاری‌سازی طرح‌های دانش‌بنیان، تسریع فرآیند تبدیل ایده به ثروت با حذف بروکراسی زائد، ایجاد کسب‌وکارهای جدید با ارزش افزوده بالا در حوزه‌های مختلف فناوری‌های پیشرفته است.» غلامزاده با اشاره به اینکه صندوق پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد محدودیت جغرافیایی ندارد، تاکید کرد: «این صندوق با بهره‌گیری از ظرفیت شبکه وسیعی از کارشناسان فنی و اساتید خبره در همه حوزه‌های فناوری فعالیت می‌کند و شرکت‌های فعال در زیست‌بوم نوآوری دانشگاه آزاد واحدهای دانشگاهی اعضای هیات علمی و سایر شرکت‌های دانش‌بنیان فناور و خلاق افسانه نقاط کشور هستند.» وی ادامه داد: «خدماتی که این صندوق ارائه می‌دهد شامل ارائه ضمانتنامه، ارائه تسهیلات، سرمایه‌گذاری، عاملیت مالی و عاملیت خدمات تخصصی است.» مدیرعامل صندوق پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد از حمایت همه‌جانبه صندوق از فعالیت‌های نوآورانه خبر داد و افزود: «بستر لازم برای حمایت مالی از این‌گونه فعالیت‌ها فراهم شده و هیچ محدودیتی برای استفاده از بودجه صندوق برای استان‌ها وجود ندارد.»

آسیا و اقیانوسیه و LAMEA شامل آمریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقا مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. فعالان بازار هوش مصنوعی در بازار این فناوری در حوزه آموزش در توسعه استراتژی‌های توسعه نقش کلیدی دارند که از آن جمله می‌توان به توسعه کسب‌وکار و راه‌اندازی محصولات جدید اشاره کرد که به رشد هوش مصنوعی در صنعت آموزش در سطح جهانی کمک می‌کند.

آسیا و اقیانوسیه؛ میزبان بالاترین رشد

براساس مولفه بخش راهکارها بر هوش مصنوعی در بازار آموزش در سال ۲۰۲۲ مسلط شد و انتظار می‌رود با توجه به افزایش استفاده و توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی در بخش آموزشی، سلطه خود را در سال‌های آینده حفظ کند. اگر بخواهیم بازار هوش مصنوعی را از منظر منطقه در نظر بگیریم، آمریکای شمالی در سال ۲۰۲۲ بیشترین سهم از بازار هوش مصنوعی در حوزه آموزش را از آن خود کرد و گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن دارند که با توجه به پیشرفت‌های فنی که چشم‌انداز صنعت فناوری داده را متحول کرده، همچنان سلطه خود را در سال‌های آینده هم حفظ کند. در این میان انتظار می‌رود منطقه آسیا و اقیانوسیه شاهد بالاترین میزان رشد به دلیل افزایش کارایی و کیفیت آموزش ارائه شده توسط هوش مصنوعی در صنعت آموزش باشد که مهم‌ترین دلیل آن بالا بودن جمعیت و تاکید روزافزون بر آموزش در منطقه آسیا و اقیانوسیه عنوان شده است.

هوش مصنوعی چگونه در آموزش تاثیر می‌گذارد؟

آموزش شخصی‌شده و یادگیری تطبیقی از عوامل محرک هوش مصنوعی، فناوری هوش مصنوعی به دلایل مختلفی بر حوزه آموزش اثرگذار است که یکی از آنها آموزش شخصی‌شده و یادگیری تطبیقی است. سیستم‌های هوش مصنوعی قادرند برای ارائه تجربیات یادگیری شخصی برای دانشجویان خاص، حجم عظیمی از داده‌ها را از جمله عملکرد دانشجویان، اولویت‌های یادگیری و سبک‌های یادگیری را تجزیه و تحلیل کنند. دانشجویان نیز می‌توانند با سرعت همیشگی خودشان یاد بگیرند و روی حوزه‌هایی که نیاز به پیشرفت دارند تمرکز کنند. این امر مشارکت، انگیزه و درک عمیق‌تری را ایجاد می‌کند که در نهایت نتایج یادگیری را بهبود می‌بخشد. دستیاران مجازی و آموزش هوشمند: ایجاد پلتفرم‌های آموزشی هوشمند و دستیاران مجازی یکی دیگر از محرک‌های هوش مصنوعی در بازار آموزش به‌شمار می‌رود. این ابزارهای مجهز به هوش مصنوعی به‌عنوان استادان خصوصی عمل کرده و براساس نیاز، به دانشجویان مشاوره و کمک می‌دهند. الگوریتم‌های هوش مصنوعی توسط سیستم‌های آموزشی هوشمند برای درک نقاط قوت و محدودیت‌های دانشجویان، تشخیص باورهای نادرست و ارائه آموزش و بازخورد تخصصی استفاده می‌شوند. با ارزیابی موفقیت دانشجویان، هوش مصنوعی می‌تواند سرعت یادگیری و محتوا را تنظیم کرده و در نتیجه فرآیند یادگیری کارآمدتر و جالب‌تر می‌شود. دستیاران مجازی از هوش مصنوعی می‌توانند دیگران را در یادگیری از دسترس سریع دانشجویان به دانش و جهت‌گیری استفاده می‌کنند. این فناوری‌ها قادر به پاسخگویی به پرسش‌ها و واضح کردن ایده‌ها هستند. یادگیری ممکن است با ادغام این دستیاران مجازی در سیستم‌های مدیریت یادگیری، پلتفرم‌های اینترنتی و حتی ابزارهای فیزیکی آسان‌تر شود که می‌توان از آن برای جذاب شدن فرآیند یادگیری برای دانشجویان استفاده کرد.

رویکرد وزارت علوم در حمایت از نشریات علمی تبعیض آمیز است

ابوالفضل مظاهری - سارا طاهری
گروه دانشگاه

سکوی نشر دانش دانشگاه آزاد اسلامی که آن را با عنوان سند معرفی می‌کنند در مراحل پایانی است تا بالاخره مدیریت بیش از ۴۵۰ نشریه علمی دانشگاه آزاد سروسامان بگیرد. این یکی از خبرهای مهمی است که مدیرکل کتابخانه‌ها، مجلات، انتشارات علمی و علم‌سنجی و رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرده است. حمید افتخاری که قریب به ۲۰ ماه است این مسئولیت را بر عهده دارد چندی پیش میهمان تحریریه «فرهیختگان» شد و به سوالات خبرنگاران گروه دانشگاه پاسخ

گفت. مدیریت نشریات علمی، حوزه علم‌سنجی و مسائل مربوط به نظام‌های رتبه‌بندی در کنار اداره فعالیت کتابخانه مرکزی و سایر کتابخانه‌های دانشگاه از جمله مهم‌ترین مأموریت‌های اوست و بر همین مبنا نیز آخرین تحولات و رویدادهای این حوزه‌ها را از او جویا شدیم. افتخاری می‌گوید در ماه گذشته ۱۱ مجله دانشگاه IF گرفته‌اند و از چهار به ۱۵ مجله رسیده‌ایم. او درخصوص حمایت از مجلات، سبک و سیاق آدرس دهی جدید اساتید و دانشجویان و وضعیت سامانه یکپارچه کتابخانه دانشگاه آزاد صحبت کرده و گریزی هم به حضور دانشگاه در رتبه‌بندی‌های علمی و مساله افت مقالات کشور داشته که در ادامه می‌خوانید.

دانشگاه روی این سامانه در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرند؟
بله، همین‌طور است.

در نحوه اعمال حمایت‌ها هم تأثیرگذار است؟

ما چون در سامانه سند، مجلات را به صورت یکپارچه می‌بینیم، طبیعتاً می‌توانیم سیاستگذاری هایمان را هم بهتر اعمال کنیم و هر کدام از مجلات مانند یک جزیره عمل نخواهند کرد. یکی از سیاست‌ها، بحث درآمدزایی مجلات است. ما با پتانسیل بزرگی که به صورت یکپارچه دیده خواهد شد، می‌توانیم از مجلات مان از زوایای مختلف درآمد ببینیم، از جمله اینکه از نویسنده، فروش مجلات، تبلیغات و... کسب درآمد کنیم. بنابراین در بحث مالی خیلی به ما کمک خواهد کرد. حوزه نشر علمی حوزه‌ای پولساز است و دانشگاه نباید برای آن هزینه کند. در دنیا اقتصاد بزرگی دارد و ما باید این اقتصاد را درک و از دل آن کسب درآمد کنیم. ما مشکل مالی از بابت هزینه‌کرد برای مجله یا حتی اینکه خودشان منفعت مالی داشته باشند، نباید داشته باشیم. در کنار این، در آخرین جلسه هیات‌رئیس که داشتیم، آخرین صحبتی که از سمت ریاست محترم دانشگاه مطرح شد، این بود که ما برای ارکان مجله درآمد خاص و ردیف‌های درآمدی خاص ببینیم.

یعنی از کاری که می‌کنند منتفع می‌شوند؟

بله، این موضوع را با مجموعه اداری-مالی دانشگاه یعنی مجموعه معاونت توسعه پیش می‌بریم تا ببینیم چقدر درآمد می‌توانیم متصور شویم و از محل آن درآمد و بودجه‌ای که دانشگاه می‌خواهد بگذارد، چقدر می‌توانیم به ارکان نشریه پرداخت کنیم و چقدر برای هزینه‌های جاری سامانه، ویراستاری، حروفچینی و بقیه موارد در نظر بگیریم. یکی از اتفاقات خوب چنانچه این سامانه به صورت یکپارچه پایدار اجرا شود، این است که می‌توانیم یک تیم خوب حروف‌چینی و ویراستاری در کنار دوستان بگذاریم که هیات تحریریه فقط دغدغه علمی داشته باشد، یعنی فقط دنبال این باشد که مجله را از نظر علمی ارتقا دهد. اینکه صفحه‌آرایی مقاله چگونه است و کیفیت لازم را دارد یا نه، نباید دغدغه مدیرمسئول باشد. او باید دنبال بحث علمی کار باشد و اینکه مقاله از نظر علمی کیفیت لازم را داراست یا نه. همه ناشران بین‌المللی هم این‌گونه کار می‌کنند و از این محل هم کسب درآمد می‌کنند.

چند نشریه دانشگاه آزاد ضریب تأثیر خوبی دارند، مثل نشریه واحد شهرقدس در حوزه نانو که تأثیرگذار بوده و در سطح کشور هم شناخته شده است. چگونه می‌توان تعداد و کیفیت این نشریات را افزایش و ارتقا داد؟

برای اینکه بتوانیم از نشریات مان حمایت خوبی انجام دهیم، مجلاتی که پتانسیل رشد داشته باشند، برایشان ناشر بین‌المللی در نظر می‌گیریم که قطعاً به رشد مجلات کمک می‌کنند. در حوزه نشر شما باید هم هیات تحریریه و هم تبلیغات خوبی داشته باشید که بتوانید هم مقالات خوب بگیرید و هم با ارجاعات خوبی که دیگران به مقالات شما می‌دهند، خودتان را رشد دهید، یعنی یک چرخه هم افزا خواهد بود که هرچه شما مقاله بهتری بگیرید، از آن طرف IF شما بالاتر خواهد رفت و به دنبال آن باز مقاله بهتری می‌توانید بگیرید. این مستلزم حمایت پیوسته است. اینکه یک تیم هیات تحریریه خوب پشت مجله باشد که انگیزه لازم را داشته باشند. ما برای مجلات خوب مان که می‌توانیم آنها را ذیل یک ناشر بین‌المللی ببریم، برنامه جداگانه داریم، برای بقیه مجلات هم در سامانه سند حتماً این موضوع را مدنظر قرار می‌دهیم.

درمورد بحث حمایت از نشریات، وزارت علوم امسال گفته که امسال از هر نشریه‌ای که نمایه بین‌المللی شود، ۳۰۰ میلیون تومان حمایت می‌کند. پارسل این عدد صد میلیون بود. ما با وزارت علوم رفتم صحبت کردیم و گفتند چون شما دولتی نیستید، نمی‌توانیم حمایتی از شما بکنیم. به نظر من اصلاً این حرف در شأن وزارت علوم نبود. افتخار این مجلات برای

اولویت‌های حوزه فعالیت شما در تابستان پرتحرک دانشگاه آزاد که دکتر طهرانچی روی آن تأکید داشت چه بود؟ اگر موافق باشید از مجلات شروع کنیم. مروری بر وضعیت امروز مجلات علمی دانشگاه داشته باشیم. پیش‌تر هم ایجاد سامانه نشریات دانشگاه آزاد را وعده داده بودید. این سامانه اکنون در چه شرایطی قرار دارد؟

در حال حاضر ۱۵ مجله دانشگاه آزاد را داریم که IF (impact factor) گرفته‌اند و ۲۱ مجله اسکوپوسی (Scopus) هستند که برای کشور باعث افتخار است. مجلات ISI ما IF خیلی خوبی دارند و برنامه‌های ویژه‌ای برای حمایت از این مجلات داریم. از جمله اینکه مجلات خوب مان را یک ناشر خارجی منتشر کند. یک تعداد را اشپرنیگر منتشر خواهد کرد و برای تعداد دیگر هم یک ناشر بین‌المللی خوب داریم پیدا می‌کنیم. به این تعداد قطعاً اضافه خواهد شد، یعنی با حمایت‌هایی که تلاش می‌کنیم از مجلات داشته باشیم، قطعاً در آینده رشد قابل توجهی خواهند داشت. ما از مجلاتی که ISI شده‌اند و از آنهایی که ظرفیت را از نظر موضوع و اسکوپ یا هیات تحریریه پای کار دارند، حمایت ویژه کرده و برای هر کدام یک ناشر خوب بین‌المللی انتخاب می‌کنیم. مجلات دیگرمان که فارسی‌زبان هستند یا اینکه انگلیسی‌زبان هستند اما هنوز به آن مرحله نرسیده‌اند؛ سامانه سند را داریم که سامانه یکپارچه دانشگاه آزاد است. برای سامانه سند اهداف خاصی را دنبال می‌کنیم.

سند همان سامانه‌ای است که قرار بود با جهاد دانشگاهی به صورت مشترک راه‌اندازی شود؟

بله. این همان سامانه است. الان مجلات مختلف جدید دانشگاه آزاد را روی سامانه سند نمایش می‌دهیم و قرار است این سامانه برای ما کارکردهای خاص خودش را داشته باشد. از طریق آن یک پایش مستمر، جدی و یکپارچه روی همه نشریات داشته باشیم و نگرانی از بابت تخلفات احتمالی در مجلات نداشته باشیم. چنین سیستمی را هیچ‌کدام از دانشگاه‌های ایران با این وسعت و قدرت برای پایش ندارند. در کنار این داریم ابزارهایی را برای کمک به هیات تحریریه در نظر می‌گیریم که اگر در یک موضوعی چند مجله دارید، شما بتوانید مقالات را بین اینها جابه‌جا کنید و توزیع یکنواخت‌تری داشته باشید. پس از استقرار کامل سامانه سند به دنبال این هستیم که دانشگاه آزاد با این سامانه خودش را به عنوان یک ناشر بین‌المللی مطرح کند و ما به عنوان یک ناشر معتبر شناخته شویم. طبیعتاً یک سری ملزومات نیاز دارد که داریم کارهایش را انجام می‌دهیم تا به این نقطه برسیم.

برای رونمایی از سامانه سند، برنامه خاصی دارید؟

خیر، ما فعلاً داریم یک سری کارهای زیرساختی انجام می‌دهیم، منتها به دلیل اینکه یک سری اشکالات فنی در سامانه وجود داشت، رونمایی نکردیم. اگر مسائل مرتفع شوند در آینده توسط ریاست دانشگاه رونمایی خواهد شد.

سامانه سند هم اکنون در بخش آمار ۴۵۳ نشریه را در خود جای داده است. این آمار درست است؟ و همه نشریات



دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲



شماره ۳۹۶۵



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

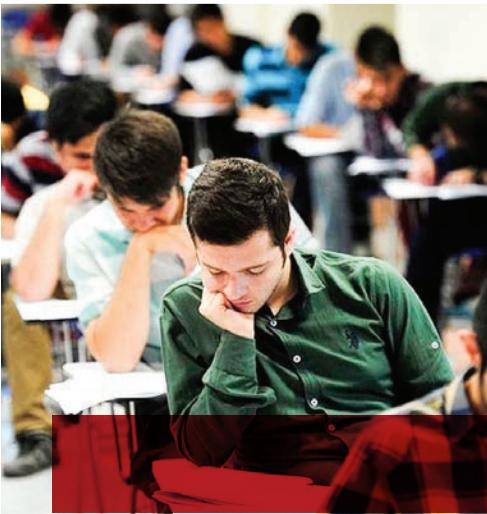
نیمکت

نتایج نهایی آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ هفته آینده اعلام می‌شود

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور گفت: «تلاش می‌شود نتایج نهایی آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ هفته آینده تا پیش از ۱۵ مهرماه اعلام شود.» عبدالرسول پورعباس در گفت‌وگو با مهر گفت: «باتوجه به اینکه برخی از داوطلبان سوابق تحصیلی خود را از آموزش و پرورش نگرفته بودند و تکمیل نکرده بودند، یک فرصت داده شد که پس از اینکه سوابق تحصیلی خود را بگیرند با توجه به نمره خود، فرم انتخاب رشته خود را تصحیح کنند.» وی افزود: «این موضوع به صورت پیامک به این دسته از داوطلبان اعلام شد و این گروه فرم انتخاب رشته خود را تکمیل کردند. بنابراین به تازگی این کار در این هفته به اتمام رسیده و انتخاب رشته این دسته از داوطلبان تصحیح شده است. رئیس سازمان سنجش آموزش کشور خاطرنشان کرد: «بنابراین تلاش می‌شود نتایج نهایی آزمون سراسری سال ۱۴۰۲ تا نیمه مهرماه و در هفته آینده اعلام شود.»

حداکثر افزایش شهریه دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جدید اعلام شد

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری حداکثر افزایش شهریه دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جدید را اعلام کرد. محمدعلی زلفی‌گل در گفت‌وگو با مهر درباره حداقل و حداکثر افزایش شهریه دانشجویان در سال تحصیلی جدید گفت: «حداقل و حداکثر شهریه برای هر دانشگاه و هر رشته‌ای متفاوت است.» وی ادامه داد: «هیات‌های امنای دانشگاه‌های مختلف بسته به شرایط محیطی و هزینه‌ها، شهریه را تعیین می‌کنند.» وزیر علوم افزود: «بعضی از دانشگاه‌ها برای اینکه داوطلب داشته باشند شهریه کمتری دریافت می‌کنند و این شهریه برای رشته‌های مختلف میزان جاذبه‌ای که دارد، هزینه آزمایشگاهی، نظری و عملی بودن دروس متفاوت است.» وی درباره اینکه در مجموع دانشگاه‌ها تا چند درصد می‌توانند افزایش شهریه داشته باشند، افزود: «افزایش شهریه تا ۲۰ درصد توسط هیات امنای دانشگاه‌ها تعیین می‌شود.»



ادامه در صفحه ۵

کشور است، نه مال دانشگاه. شما می خواهید از مجلات کشور حمایت کنید. جالب است شما می بینید خیلی راحت از مجلات دانشگاه‌های غیرانتفاعی حمایت می شود. از مجلات انجمن های علمی که کاملا خصوصی و غیردولتی هستند و به‌عنوان یک NGO فعالیت می‌کنند، حمایت می‌شود و وقتی بحث به دانشگاه آزاد اسلامی می‌رسد، این کار را نمی‌کنند. این تبعیض آزادنده است و ما بدون حمایتی از سمت دولت در این نقطه ایستاده‌ایم. تمام اتفاقاتی که برای مجلات ما افتاده ناشی از زحمات ارکان مجله بوده که با جان و دل و عشق کار کرده‌اند. ما داریم تلاش می‌کنیم حداقل دانشگاه آزاد با ظرفیت و پتانسیل‌ها و بضاعتی که دارد از اینها مجلات حمایت کند، چون اینها از یک سمت مرجعیت‌ساز علمی کشور می‌شوند و از سمت دیگر اینها اگر رشد کنند، قطعاً ما انحصارات علمی را می‌شکنیم و شما خواهید دید که چه اتفاقات خوبی خواهد افتاد.

نظام دانشی دانشگاه به‌خصوص از آغاز ۱۴۰۲ تا الان شکل و شمایل جدیدی به خودش گرفته است. این تغییرات جدید چه تأثیری بر حوزه فعالیت شما دارند؟
است؟

همان‌طور که می‌دانید کمتر از یک‌ماه پیش - حدود ۲۰ روز قبل - نظام‌نامه دانشی دانشگاه ابلاغ شد که نکات زیادی در آن وجود دارد. خیلی از اینها در کشور بی‌سابقه هستند و ما در خیلی از این زمینه‌ها پیشرو هستیم و البته این نظام‌نامه منطقی با اسناد بالادستی کشور است و خود وزارت علوم هم هنوز نتوانسته اینها را پیاده‌سازی کند. در این نظام‌نامه مهم‌ترین چیز، بحث دانشکدگان است که پرزنگ است و این در بحث آدرس‌دهی ما تأثیرگذار است. ما آیین‌نامه آدرس‌دهی اعضای هیات‌علمی دانشجویان مان را بر این اساس تدوین کردیم که به‌زودی ابلاغ خواهد شد. تأخیر در ابلاغ از این بابت بوده که خود دستورالعمل نظام‌نامه دانشی دانشگاه هنوز تکمیل نشده بود. در بحث نظام‌نامه دانشی از کمک این دانشکدگان در بحث مجلات می‌توانیم استفاده کنیم. الان دو تا از این دانشکدگان کاندیدا شده‌اند که با ما کار کنند. دانشکدگان زبان فارسی الان به صورت جدی پای کار است و گفته‌اند که هم در بحث ویراستاری کتاب و هم در ویراستاری پایان‌نامه و هم ویراستاری مجلات زبان فارسی می‌توانند به ما کمک کنند. این ظرفیت خیلی خوبی است و با یک مجموعه منسجم سروکار داریم و نیاز نیست در واحدها بگردید استاد زبان فارسی‌ای را پیدا کنید که علاقه‌مند به بحث ویراستاری کتاب و نشریه باشد و کمک کند.

در واقع شبکه اساتید و پتانسیل علمی در خدمت حوزه‌های مختلف دانشگاه خواهد بود؟

بله. در کنار این هم دوستان زبان و ادبیات انگلیسیی آمادگی دارند در بحث مجلات انگلیسی‌زبان ما کمک کنند. ضمناً دنبال این هستیم که خودمان را به‌عنوان یک نشر بین‌المللی در حوزه نشر مجلات و هم کتب علمی مطرح کنیم که حتماً فعال خواهیم شد و از ظرفیت این دوستان استفاده خواهیم کرد. اینها در راستای سند تحول و تعالی دانشگاه است که امیدواریم با کمک هم به نقطه قابل قبولی برسیم.

آدرس‌دهی با سبک جدید چه هدفی دارد؟ مدل جدید چه فرقی با مدل قبلی دارد؟ اگر به همان مدل قبلی می‌رفتم چه اشکالی پیدا می‌کرد؟
در مدل قبلی ما یک آشفتگی وجود داشت که از این جنس بود که هر واحدی برای خودش یک آدرس‌دهی داشت و دانشگاه آزاد به صورت یکپارچه دیده نمی‌شد. در همین آدرس‌دهی واحدها هم ما باز اختلاف داریم. در یک واحد ما یک هیات‌علمی یک آدرس‌دهی دارد و یک هیات‌علمی دیگر آدرس‌دهی‌اش فرق دارد. یکی ویرگول می‌گذارد، یکی نقطه می‌گذارد و یکی هیچ‌کدام را نمی‌گذارد، یکی اسم واحد را اول می‌گذارد و… این آشفتگی برای ما که می‌خواهیم اطلاعات دانشی دانشگاه را جمع کرده و نمایه کنیم و بینیم وضعیت‌مان به چه صورت است، کار را سخت می‌کند. در کنار این، بحث وضعیت علمی در مقایسه با دانشگاه‌های کشور و دانشگاه‌های دنیاست. ما باید آمار و اطلاعات‌مان درست باشد که بتوانیم به صورت یکپارچه بینیم و بگوییم نسبت به بقیه در چه وضعیتی هستیم. دانشگاه‌هایی که مثل دانشگاه آزاد باشند، در دنیا خیلی کم هستند. در اشل دانشگاه آزاد اسلامی که اصلاً نداریم. در حد ۴ واحد دانشگاهی به صورت انگشت‌شمار هست؛ لذا با مشکلات دانشگاه آزاد هیچ دانشگاهی دیگر نیست. از طرف دیگر در بحث دانشکدگان خود دانشکدگان رادر بحث آدرس‌دهی داریم وارد می‌کنیم، یعنی آدرس‌دهی مقالات هیات‌علمی‌های ما و دانشجویان دکترای ما که بخواهند مقاله بدهند، به این صورت می‌شود که اول اسم دانشکدگان یعنی school of، بعد اسم دپارتمان‌شان مثلاً فرض کنید NBIC (برای دانشکدگان علوم همگرا)، بعد دپارتمان مثلاًphysics برای هیات‌علمی‌ای که دراین دانشکدگان برای گروه فیزیک فعالیت می‌کند و بعد اسم واحد، شهر و zip code که ممکن است zip code را حذف کنیم، به خاطر اینکه احتمال دارد در آن اشتباهی صورت گیرد. در این مدلی که عرض کردم، ما برای همه مقالات یک حالت یکپارچگی داریم و اعضای هیات‌علمی همه یک‌جور آدرس‌دهی می‌کنند و یونیک است. اسم دانشکدگان ما کاملاً یونیک است و برای هر دانشکدگان یک اسم مشخص انگلیسی و فارسی داریم و تعدادشان هم ۲۱ مورد است و زیاد نیست. بعد از این من در یک فیلتر اسم یک دانشکدگان را که بگذارم، تمامی مقالات هیات‌علمی در آن حوزه به صورت یکجا قابل دیدن است، یعنی کمک می‌کند در حوزه‌های دانشی مختلف وضعیت را ببینیم به چه صورت است. از آن طرف دانشگاه آزاد و درواقع اعضای هیات‌علمی خودشان را با این عناوین tune می‌کنند؛ مثلاً اگر کسی می‌خواهد در حوزه هوش مصنوعی کار کند، باید در دانشکدگان هوش مصنوعی بنشیند اما اگر کسی در یک حوزه‌ای کار می‌کند که در هیچ‌کدام از دانشکدگان ما نیست، باید فیلد کاری‌اش را عوض کند و در ساختاری بنشیند که در

این دانشکدگان است؛ البته مدلی که ما برای این دانشکدگان تعریف کردیم یک حالت general دارد و حتماً هر کدام از اعضای هیات‌علمی در یکی از اینها می‌نشینند و لازم نیست نگران تغییر فیلدشان باشند، ولی به‌رحال باید دانشکدگان خود را انتخاب کنند و در آن حوزه ادامه فعالیت بدهند. این باعث می‌شود آشفتگی فعالیت علمی اعضای هیات‌علمی‌مان هم کمتر شود و همه بدانیم چه کار داریم می‌کنیم.

از سامانه علم‌سنجی دانشگاه بگویید و اینکه چه تحولاتی داشتید؛ البته به نظر می‌رسد هنوز آنچه‌ان که باید در جریان فعالیت دانشگاه مورد استفاده یا استناد قرار نگرفته. قرار بود اتصال آن به بقیه سامانه‌های دانشگاه انجام شود و درواقع در حوزه‌های مختلف اطلاعات اساتید به صورت به‌روز در اختیار بقیه قسمت‌های دانشگاه قرار گیرد.

اینکه سامانه‌ها به هم وصل شوند، بحث ما نیست و مرکز فناوری کارش را دنبال می‌کند. در کنارش شورای عالی فضای مجازی هم دارد یک سری استانداردها را برای ارتباط سامانه‌ها تدوین می‌کند. درحال حاضر سامانه علم‌سنجی ما به سامانه ساجد متصل است و از طرف سامانه ساجد می‌تواند به دیگر سامانه‌ها متصل شود و مشکلی از این بابت نداریم الان داریم با پژوهشیار این اتصال را برقرار می‌کنیم که اطلاعات پایان‌نامه‌های دانشجویان در صفحه علم‌سنجی اساتید بنشیند و بحث کتاب را داریم به آن اضافه می‌کنیم. یکی از مشکلات ما در سامانه علم‌سنجی که بین تمام دانشگاه‌هایی که این تیپ سامانه‌ها را راه‌اندازی کرده‌اند مشترک است، این است که اطلاعات مجلات فارسی را ندارند و عمده اعضای علوم‌انسانی ما در مجلات فارسی دارند کار می‌کنند. ما اطلاعات آنها را عملاً نداریم، گرچه یک سری خوداظهاری آنجا ارائه شده است و برخی خطا یا اشکالاتی دارند. با مجموعه‌های مختلفی رایزنی کرده‌ایم تا بتوانیم اطلاعات این دوستان را از آنجا پایش کرده و وارد سامانه علم‌سنجی بکنیم. طبیعتاً این کار زمان‌بر است اما اگر اتفاق بیفتد، بسیاری از فعالیت‌های اعضای علوم‌انسانی را می‌توانیم استخراج کنیم و در بحث ارتقا و خیلی چیزهای دیگر از این اطلاعات استفاده کنیم. درحال حاضر اطلاعات سامانه علم‌سنجی ما برای بحث ارتقا، ترفیع، پایه سالانه و… حوزه علوم‌انسانی، فنی-مهندسی، کشاورزی، علوم پایه و پزشکی دارد استفاده می‌شود.

برای اساتید حوزه علوم‌انسانی هم عرض کردم، خودشان خوداظهاری می‌آورند و به جلسات کمیسیون می‌برند و بررسی می‌کنند. یکی از اتفاقات خوبی که در بحث حوزه علم‌سنجی ما دارد می‌افتد، بحث کتاب است. ما طبق مذاکراتی که با خانه کتاب، کتابخانه ملی و جاهای مختلف انجام داده‌ایم، اگر اطلاعات کتاب‌شناسی اعضای هیات‌علمی را هر جا که کتابی چاپ کرده‌اند، بتوانیم با وب‌سرویس استخراج کنیم آن راه را هم می‌توانیم در ارزیابی‌هایمان برای ارتقا و باقی موارد مورد استفاده قرار دهیم که البته حوزه علوم‌انسانی خیلی در این موضوع درگیر است. بخش زیادی از اعضای هیات‌علمی ما در حوزه علوم‌انسانی هستند و این اساتید دستاوردهای علمی‌شان جایی پایش نمی‌شود، یعنی در سامانه‌های بین‌المللی هم اینها را نمی‌بینید. آنجا فقط مجلات انگلیسی‌زبان و از این جنس را می‌توانید ببینید. امیدواریم با مجموعه‌های مختلفی که صحبت کردیم این‌را داشته باشیم و به دنیا نشان دهیم که این دستاوردهای علمی ماست. باید روی این حوزه‌ها کار کرد. خیلی از مجلات چینی و روسی اسکوپوس هستند اما به زبان محلی‌شان منتشر می‌شوند، یعنی نمایه‌های بین‌المللی هم گرفته‌اند. درواقع فرهنگ و زبان خودشان را ترویج می‌کنند. ما هم با یک‌سری استانداردها و ملاحظات خاصی می‌توانیم این موضوعات را ببینیم.

تذکری در سایت وجود دارد که می‌گوید تا پایان فرآیند جمع‌آوری اطلاعات، آمار قابل استناد نیست!

البته این هشدار باید حذف شود، چون مربوط به قدیم است. این سامانه پیوسته درحال پایش است. هر ۲۰ روز یک‌بار اطلاعات اسکوپوس و هر ۳۰ روز یک‌بار هم پایگاه WOST (web of science) ما به‌روزرسانی می‌شود. فکر می‌کنم گوگل هم در همین رنج به‌روز می‌شود. بایستی این‌را مد نظر داشته باشیم که اطلاعات لایو نیست؛ مثلاً اگر یک هیات‌علمی مقاله‌ای را چاپ کرده، آن‌لین هم شده اما در علم‌سنجی‌اش نیامده. اگر ۲۰ روز صبر کند، حتماً از اسکوپوس می‌خواند و می‌آورد.

تعداد مقالات دانشگاه‌های مطرح کشور عمدتاً کاهش یافته است. علت این ماجرا چیست؟ به لحاظ آماری در سال گذشته ما شش هزار مقاله کمتر از دوره زمانی قبلی‌اش یعنی ۲۰۲۱ داشتیم و این سبب افت رتبه ما در web of science هم شد.

این را باید دوستان ما به‌صورت موضوعی درباره‌اش بحث کنند. حتماً اثرات بلندمدت کرونا در این زمینه‌ها هست. نکته دوم اینکه تعدادی از اعضای هیات‌علمی ما و دانشگاه‌های ما در بحث یک‌سال اخیر از کشور رفتند و طبیعتاً این مساله ضربه می‌زند. الان عمان، امارات و عربستان گرت‌های خیلی خوبی برای جذب نخبگان ما گذاشته‌اند. شما اگر یک پایش کوچک بکنید، برخی دانشگاه‌ها به این موضوع دچار شده‌اند که اعضای هیات‌علمی که اسنادتمام شده‌اند، چون دیگر نیازی به مقاله ندارند، مقالات‌شان را به اسم جای دیگری می‌دهند و درآمدشان خیلی بالا می‌رود. عده‌ها در بالای order ۱۰ هزار دلار در ماه است. این سه کشور چیزی به اسم گرت‌ن طلایی درست کردند و با آن یا می‌برند یا می‌گویند همان‌جا بنشین و برای این مقاله بده. این اتفاق بدی است، چون بخشی از هیات‌علمی ما که به زبان فارسی مقاله چاپ می‌کنند که در این آمارها نمی‌آید و البته تعدادشان هم زیاد است، یعنی گاهی تا ۷۰ درصد اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها در حوزه علوم‌انسانی هستند. در دانشگاه آزاد وزن این عدد حدود ۵۰ درصد است. از طرف دیگر اساتیدی که اسنادتمام شده‌اند، به آن شکل مقاله می‌دهند و طبیعتاً اینها روی روند این مساله تأثیر دارد. ما در جذب هیات‌علمی

توانمند هم مشکل داریم که بتوانیم از آنها انتظار مقاله داشته باشیم. بخشی از هیات‌علمی‌های ما و دانشگاه‌های دولتی هم متأسفانه دچار رکود علمی هستند و می‌بینید طرف ۱۰ سال است مقاله علمی نداده، یعنی مثلاً بیرون مشغول کار است و مقاله نمی‌دهد. مساله الف و ب که توسط دکتر طهرانچی در دانشگاه آزاد اجرا شد تحریکی بود برای برگرداندن این اتفاق؛ البته دیدیم که برخی گفتند ما حاضریم ب باشیم اما از این رویه برنگردیم و مشکلی ما به این قضیه نداریم؛ لذا این افت برای ما دور از انتظار نبود و این افت برای تمام کشور است. نکته دیگر بحث فشار تحریم‌هاست. خیلی از اعضای هیات‌علمی ما باید مقاله‌شان را به ۲۰ جا بفرستند یا accept بگیرند، یعنی بخشی از مجلات تا اسم ایران یا دانشگاه خاص را می‌بینند، reject می‌کنند. خود من بارها جواب دادم که ما به لحاظ sanction نمی‌توانیم مقاله شما را پردازش کنیم. این اتفاق خیلی بدی است، چون مثلاًشش ماه مقاله من را نگه می‌دارند و وقتی مدام پیگیری می‌کنم، آخر می‌گویند به خاطر تحریم‌ها نمی‌توانیم مقاله شما را چاپ کنیم. این موضوع قطعاً در روند علمی ما تأثیر گذاشته است. یکی از اتفاقاتی که باید برای شکستن فشار تحریم‌ها بیفتد، همین تقویت مجلات داخلی است که باید در سطح بین‌الملل تقویت شوند تا من بتوانم بگویم رتبه علمی من این نیست که شما می‌بینید، بلکه رتبه واقعی علمی من این است و شما قبلاًدرست پردازش نمی‌کردید. یکی از چیزهایی که در بحث رتبه علمی دانشگاه آزاد مطرح شده بود و آقایان دنبال می‌کردند، این بود که دانشگاه آزاد خودش در بعضی از نظام‌های رتبه‌بندی خودش وارد نشده، یعنی بنا به سیاست‌هایی تصمیم گرفت که وارد نشود و شما اشکالات این نظام‌های رتبه‌بندی را می‌بینید. یک دانشگاهی که همه می‌دانند از نظر علمی توانمند نیست، بالای می‌رود و دانشگاهی که می‌دانید از نظر علمی خیلی توانمند است، در رتبه‌های پایین قرار می‌گیرد. این نشان می‌دهد که نظام‌های رتبه‌بندی مشکلاتی دارند و با چه منطقی آن را می‌چینند؛ البته ما داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم که اگر بتوانیم در آن حوزه‌ها ورود کرده و کار کنیم. این موضوع برای ما مهم است که کجا و چطور نمایه شویم؛ لذا این بحث به‌طور جدی در دانشگاه آزاد در دنبال می‌شود.

در موضوع رتبه‌بندی دانشگاه‌ها صحبت از یک مدل رتبه‌بندی به‌خصوص با همکاری بعضی از کشورهاست. این موضوع امکان در دستور کار قرار دارد؟

بله، ما الان تیمی را جمع کرده‌ایم و دارند روی آن کار می‌کنند. یک بحث حضور دانشگاه آزاد اسلامی در نظام‌های رتبه‌بندی است. بعضی نظام‌ها را ما خودمان گفتیم که در آن ورود نمی‌کنیم و بعضی را هم بنابر ملاحظاتی داریم رویش کار می‌کنیم. درکنار این می‌خواهیم دانشگاه آزاد اسلامی نظام رتبه‌بندی خودش را داشته باشد و این کار دارد انجام می‌شود، منتها خود گویی و خود خندی معنی ندارد و نظام رتبه‌بندی ما باید جهان‌شمول شود و مقبولیت کشورهای دیگر را هم داشته باشد وگرنه الان نظام‌های رتبه‌بندی زیادی در دنیا هستند که بیشترشان را کسی قبول ندارند، چون کسی آنها را پایش نمی‌کند، لذا باید جو‌ری باشد که مقبولیت لازم را داشته باشد، مثلاً دانشگاه‌های نظام‌های نظام‌های را تدوین کرد و الان یکی از نظام‌هایی است که به آن توجه می‌کنند. شاخص‌های نظام‌های شاخص‌های با تایمز تفاوت دارد و آنچه را به‌نظرشان درست بوده به‌عنوان شاخص تعریف کرده‌اند. اکنون بعد از گذشت نزدیک ۲۰ سال نظام‌های شاخصی در دنیا مورد پذیرش قرار گرفته است. چالشی که پیش رو داریم این است که این نظام در داخل کشور و به اسم دانشگاه آزاد باشد یا آن را به یکی از کشورهای خارجی ببریم و به نگاه بین‌المللی آن بیشتر توجه کنیم؛ باید حتماً به این چالش فائق آمد. در نگاه دوم حتماً رشد خواهیم داشت اما دیگر نمی‌توان گفت مال دانشگاه آزاد است اما مدل اول به اسم دانشگاه آزاد و ایران است، ولی ممکن است بردی را که مدنظرمان است در آن ایجاد کنیم، لذا در این حوزه ایده‌های که مطرح‌شده این است که با کشورهای دست مشترکاً کار کنیم و ظرفیت‌های آنها را هم به خدمت بگیریم، چون آنها هرکدام این نظام خاص خودشان را دارند. الان ما نظام (Round University Ranking) RUR و نظام‌های شاخصی را داریم.

اخیراً حتی کشورهای عضو بریکس (BRICS) هم می‌خواهند نظامی مختص به خودشان داشته باشند.

اگر روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی را به چین اضافه کنید کشورهای بریکس می‌شوند. ما تا الان دنبال ایران، روسیه و چین بودیم که بتوانیم کار را پیش ببریم، البته باید ببینیم کار به کجا می‌رسد.

پیش‌تر ایده‌ای درخصوص نقل و انتقال کتاب کتابخانه‌های دانشگاه آزاد مطرح شده بود و به دنبال آن بود که شبکه کتابخانه‌ای در فضای دانشگاه آزاد داشته باشیم. این ایده دنبال شده است؟

مقدمه این موضوع سامانه یکپارچه کتابخانه دانشگاه آزاد است که در بروکراسی اداری دانشگاه این موضوع خیلی طولانی شد. اگر این اتفاق بیفتد، اولین قدم این خواهد بود که یک بستر یکپارچه برای کتاب‌ها داریم و می‌دانیم از فلان عنوان کتاب، کجا و چند جلد داریم. یکی از اتفاقات بدی که در دانشگاه آزاد می‌افتد، این است که از واحدهای مستقل خرید می‌کنند. ممکن است از یک عنوان کتاب هزار جلد خریده باشند.

مثل داستان تجهیزات آزمایشگاهی که هر واحدی از دیگری خیر نداشت و برای خودش اقدام می‌کرد.

این برای ما خیلی مهم است که بدانیم وضعیت‌مان به چه صورت است. این مساله به بحث خرید و تجهیز کتابخانه به ما کمک خواهد کرد. در این زمینه صحبت شده و مقدمات آن صورت گرفته که بتوانیم این کار را انجام دهیم. یکی از کارهایی که در آینده انجام خواهد شد، بحث تجهیز کتابخانه‌ها و تجمع بعضی از کتابخانه‌های دانشگاه آزاد مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم از تشکیل میز تخصصی هوش مصنوعی در معاونت آموزشی این وزارتخانه خبر داد و گفت: «برای سال تحصیلی جدید چند دانشگاه را به‌صورت آزمایشی (پایلوت) انتخاب و در آنها تعدادی کلاس‌های آموزش ترکیبی را با فناوری‌های جدید آموزشی برگزار می‌کنیم. اگر این روند موفق بود، آن را به دانشگاه‌های دیگر تسری می‌دهیم.» به گزارش اپرنا، هوش مصنوعی به عنوان هوشی که در انواع ماشین‌ها و ابزارآلات الکترونیک وجود دارد، در مقابل هوش انسان‌ها امروزه در بسیاری حوزه‌ها مطرح است. هوش مصنوعی از دهه ۵۰ میلادی یعنی زمانی که مطرح شد و جایگاه دانشگاهی یافت تا امروز فراز و فرودهای مختلفی را طی کرد، به فضاهای دانشگاهی راه یافت، عده‌ای با آن به دلایل مختلف موافقت و عده‌ای مخالفت کردند و برخی مانند هر فناوری جدید دیگری آن را شامل فرصت‌ها و تهدیدهای متنوع دانستند.

اجرای آزمایشی کلاس با فناوری جدید

در چند دانشگاه

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم از تشکیل میز تخصصی هوش مصنوعی در معاونت آموزشی این وزارتخانه خبر داد و گفت: «برای سال تحصیلی جدید چند دانشگاه را به‌صورت آزمایشی (پایلوت) انتخاب و در آنها تعدادی کلاس‌های آموزش ترکیبی را با فناوری‌های جدید آموزشی برگزار می‌کنیم. اگر این روند موفق بود، آن را به دانشگاه‌های دیگر تسری می‌دهیم.» به گزارش اپرنا، هوش مصنوعی به عنوان هوشی که در انواع ماشین‌ها و ابزارآلات الکترونیک وجود دارد، در مقابل هوش انسان‌ها امروزه در بسیاری حوزه‌ها مطرح است. هوش مصنوعی از دهه ۵۰ میلادی یعنی زمانی که مطرح شد و جایگاه دانشگاهی یافت تا امروز فراز و فرودهای مختلفی را طی کرد، به فضاهای دانشگاهی راه یافت، عده‌ای با آن به دلایل مختلف موافقت و عده‌ای مخالفت کردند و برخی مانند هر فناوری جدید دیگری آن را شامل فرصت‌ها و تهدیدهای متنوع دانستند.

است. اگر این اتفاق بیفتد و منابع ما در یک نقطه جمع شوند، آن وقت ارسال پستی راحت‌تر انجام خواهد شد، چون واحدی را که یک کتابخانه کوچک دارد کنار یک واحد دیگر می‌گذارید و اینها درمجموع پتانسیل خواهند داشت و ما می‌توانیم از آن ظرفیت استفاده کنیم. باید دید در آینده به کجا می‌رسیم.

آیا در حوزه کتابخانه برنامه دیگری غیر از این موضوع دارید؟

الان دو آیین‌نامه درحال تدوینند که مراحل نهایی‌اش این است؛ یکی آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی است که بسیار مهم است و حوزه‌های مختلف از پایان‌نامه و کتاب تا ثبت اختراع و ثبت patent بین‌المللی و حتی موضوعاتی مثل طراحی یک نرم‌افزار یا بازی را دربرمی‌گیرد، این حوزه خیلی گسترده است. آیین‌نامه مالکیت فکری‌ای در گذشته داشتیم که برای شروع خیلی در زمان خودش خوب و پیشرو بود اما الان لازم است به‌روزرسانی شود و داریم روی آن کار و تمام حوزه‌ها را درگیرش می‌کنیم. بعضی از دانشگاه‌ها این را دارند، ولی ما در این حوزه کاملاً مغفول واقع شده‌ایم. یکی از چالش‌هایی که قطعاً چنانچه اقدامی نکنیم در آینده خواهیم داشت و دچار مشکل می‌شویم، بحث پایان‌نامه است. دانشگاه‌های دولتی از طریق ایرانداک دارند پایان‌نامه‌هایشان را می‌فرستند. دانشگاه آزاد هنوز در حوزه فروش دستاوردهای علمی‌اش اقدامی نکرده است. اگر بخواهیم در این حوزه استارت بزنیم، باید آیین‌نامه مالکیت فکری‌مان باشد، یعنی دانشجو و استاد و دانشگاه بدانند که سهم‌شان از این مساله چقدر است که درآمدی از آن محل کسب شد. بین افراد به نسبتی که از قبل تعریف‌شده تقسیم شود. درحال حاضر ما این امر را نداریم و بدون آن مشکل خواهیم داشت. یک‌بار تیمی را از واحدهای مختلف جمع کردیم و همفکری داشتیم و آیین‌نامه اولیه‌ای تدوین شد و دوباره همفکری خواهیم کرد تا کار چکش بخورد و به بلوغ لازم برسد. در تدوین، تعاریف و قوانین بالادستی کشور را لحاظ کرده‌ایم تا آیین‌نامه‌ای قابل قبول باشد. آیین‌نامه دیگری که درحال به‌روزرسانی آن هستیم، آیین‌نامه تشویق مقاله و سرآمدی علمی است. این دو آیین‌نامه همزمان به‌روزرسانی خواهند شد و البته نزدیک دوسال است که در دانشگاه اجرا شده‌اند و اشکالاتی دارند. تلاش می‌کنیم یا این دو را یکی کنیم یا حتماً ارتباطاتی داشته باشند. در به‌روزرسانی ملاحظات مختلفی در نظر می‌گیریم، ازجمله اینکه دایره سرآمدی علمی را گسترده‌تر کنیم، مثلاً ابزارهایی را در نظر می‌گیریم که بتوانیم اعضای هیات‌علمی علوم‌انسانی را که در سرآمدان علمی ما نیستند هم پایش کنیم. الان بندی را برای حوزه علوم‌انسانی داریم که عملاًعضای علوم‌انسانی هیچ‌کدام آن بند را نمی‌توانند بیاورند و آن بحث کرسی‌های آزاداندیشی است. آن مدلی که در آیین‌نامه هست، خیلی پیچیده است و خیلی نمی‌توان به آن اتکا کرد. حسب دستور دکتر طهرانچی، درحال به‌روزرسانی آیین‌نامه هستیم و بحث تفکیک رشته‌ها را داریم، چون رشته‌ها در یک وزن نیستند اما آیین‌نامه اینها را در یک وزن می‌بیند. اینها را از لحاظ عدد و رقم هم داریم به‌روزرسانی می‌کنیم.

اگر موضوعی هست که از قلم‌افزاده، به‌خصوص آنهایی که در تابستان امسال پیگیری کرده باشید و در اولویت مجموعه شما بوده‌اند، بفرمایید.
مجلات مشترک را مد نظر داریم تا با همکاری کشورهای اطراف منتشر کنیم. درتلاشیم با عراق و پاکستان مجله مشترک راه‌اندازی کنیم.

حوزه‌های موضوعی آن مشخص است؟

با عراق در حوزه زبان و ادبیات عرب و بحث‌هایی که در این حوزه است، یعنی فقه و فلسفه و عناوینی از این جنس که بین ما و آنها مشترک است، استارت کار را زده‌ایم. طبیعتاً باید ببینیم بازخورد این اقدامات را به چه صورت است. در گام اول در موضوعاتی از این جنس که می‌توانیم کار کنیم، کار می‌کنیم و ان‌شاءالله یک دور که این چرخید و اطلاعاتش درآمد، وارد حوزه‌های دانشی مختلف می‌شویم. کشور عراق یا پاکستان مجلات علمی خوبی دارند و علاقه‌مندند که در سامانه سند ما منتشر شوند. آن را به نماینده پاکستان و دوستانی که از سمت سفارت و موسسه اقبال لاهوری آمده بودند درباره حوزه‌های علوم پایه و فنی – مهندسی پیشنهاد دادیم. آنها هم استقبال کردند و کارهایش دنبال می‌شود. احتمالاً در حوزه‌هایی که روی بورس هستند، مانند اتی، فیزیک و شیمی استارت کار را می‌زنیم.

دورنمایی دارید که بدانید کی به نتیجه می‌رسند؟

عراق خیلی نزدیک‌تر است، چون خیلی پیگیرتر هستند. تقریباً دو هفته یک‌بار نشست یا گفت‌وگویی با دوستان و رابطان عراقی داریم. قربات فرهنگی ما با آنها بیشتر است و رفت‌وآمد دانشجویان عراقی در ایران نیز همین‌طور.

حتی بحث حضور فیزیکی و پردیس دانشگاه در عراق به‌شدت دنبال می‌شود.

همه اینها باعث شده ما با عراق به صورت جدی‌تری جلو برویم. چشم‌انداز من این است که ما با عراق و حداقل دانشگاه بصره یا بابل یا بغداد دو مجله علمی مشترک داشته باشیم، البته تا کار انجام نشده، خیلی نمی‌توان درباره آن بحث کرد.

نکته پابانی.

حتماً عزیزان موضوع دانشکدگان و نظام‌نامه علمی‌ای را که برای دانشگاه تدوین می‌شود مطالعه کنند؛ این اتفاقات برای دانشگاه آزاد اسلامی زیربنایی هستند و قطعاًتحولاتی جدی برای بحث دانشی دانشگاه آزاد خواهد داشت و اگر باز در این حوزه‌ها بازخورد یا نقدی داشتند، حتماً ما یعنی اداره کل کتابخانه‌ها، علم‌سنجی و اسناد علمی دانشگاه آزاد استقبال می‌کنیم و آنها را مورد پایش قرار خواهیم داد. اگر نظراتی باشد که بتوانیم از آنها استفاده کنیم یقیناً مد نظر قرار خواهیم داد.

فرهنگیان

دانشگاه

<div><div>📅</div><div>دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲</div></div>
<div><div>☎️</div><div>شماره ۳۹۶۵</div></div>
<div><div>🌐</div><div>www.fdn.ir</div></div>
<div><div>📰</div><div>FARHIKHTEGADAILY</div></div>

دانشگاه فرهنگستان

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۵
<div><div><div> فهرست</div></div></div>
www.fdn.ir
<div><div><div> فهرست</div></div></div>
FARHIKHTEGANDAILY

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

دانشگاه فرهنگستان

گزارش «فرهیختگان» از نشست «مرجعیت فناوری؛ از ایده تا عمل»

استانداردهای حوزه فناوری نیاز به بازنگری دارند

تولیدکننده آن در دنیا هم بیشتر تضمین خواهد شد. از طرف دیگر چند سالی می‌شود موضوع مرجعیت علمی به یکی از مباحث داغ محافل علمی کشور تبدیل شده، موضوعی که

تحقق آن شرط و شرط مختلفی دارد و به صرف تولید مقاله در دنیای امروز نمی‌توان انتظار رسیدن به آن را داشت، تا جایی که می‌توان گفت رسیدن به مرجعیت فناوری و بسترسازی

مطالعات صورت‌گرفته درباره مرجعیت علمی، بیشتر تحلیل اسناد و کلمات بوده است

ما هنوز در کشور نه تصور دقیقی از چیستی مرجعیت علمی داریم – یعنی اینکه‌نه می‌دانیم‌با چه شاخص‌های قابل‌سنجش‌است – و نه درک‌درستی از چرایی آن در اختیار داریم. حتی این‌را هم نمی‌دانیم که این مرجعیت در کجای منظومه تمدنی ما قرار می‌گیرد یا اینکه‌چطور می‌توان به آن دست پیدا کرد؟ مطالعات مختلفی روی این‌حوزه انجام شده اما تصور می‌کنم مطالعات تا امروز بیشتر تحلیل اسناد و کلمات بوده‌اند. در یکی دو سال اخیر یک حرکت جدی روی این موضوع انجام شد و به خصوص خود موسسه نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای این موضوع را در دستورکار قرار داد و براساس همین مطالعات به نظر می‌رسد ما به نقطه عطفی برای حرکت در این حوزه نیازمند هستیم. نقطه‌ای که هم محل جمع‌آوری افکار در این حوزه باشد و هم یک نقطه شروع برای اینکه بتوانیم دستور کار مناسب برای این کار آغاز کنیم، مشخص‌کنند.

مساله دیگر اینکه در این حوزه ما در بحث مرجعیت فناوری با سه سطح روبه‌رو هستیم؛ یک بحث ارجاعات، دوم تجاری‌سازی و سوم هم تعیین استانداردها. طبیعتا بحث ارجاعات به مقالات است، البته نه از این بعد که بگوییم یک مقاله به‌طور مثال ۱۰۰ ارجاع گرفته، پس حتما مقاله مهمی است، چراکه وقتی ما شبکه ارجاعات را در یک فناوری خاص مورد بررسی قرار می‌دهیم، متوجه تغییر کانسپت دنیا در حوزه‌های مختلف می‌شویم. به‌طور مثال در بحث پتل‌های خورشیدی تا چند سال پیش فناوری‌هایی به‌عنوان محور قرار می‌گرفتند و تمام دنیا هم از آن استفاده می‌کردند، اما حالا چند سالی می‌شود که به‌طور کلی جنس فناوری در این حوزه تغییر کرده و بازیگران این‌حوزه هم تغییر کرده‌اند، یعنی مرجعیت این حوزه به چین در حال تغییر است؛ محصولات این حوزه را تا حدی ازران کرده‌اند که استفاده

گزارش «فرهیختگان» از نشست «مرجعیت فناوری؛ از ایده تا عمل»

استانداردهای حوزه فناوری نیاز به بازنگری دارند

تولیدکننده آن در دنیا هم بیشتر تضمین خواهد شد. از طرف دیگر چند سالی می‌شود موضوع مرجعیت علمی به یکی از مباحث داغ محافل علمی کشور تبدیل شده، موضوعی که تحقق آن شرط و شرط مختلفی دارد و به صرف تولید مقاله در دنیای امروز نمی‌توان انتظار رسیدن به آن را داشت، تا جایی که می‌توان گفت رسیدن به مرجعیت فناوری و بسترسازی

باید در توسعه فناوری‌های جدید و ایجاد استانداردهای عملی این حوزه بازنگری کنیم

مؤلفه سوم بحث تعیین استانداردها است؛ در اینجا یک بحث قدیمی درباره فناوری داریم که طبق آن فناوری یک موجود خودگردان است که خودش ایجاد شده و جوامع را به سمتی که می‌خواهد می‌برد و جوامع را می‌سازد اما امروز بحث فلسفه فناوری کمتر این مساله را می‌پذیرند؛ چراکه نگاه جدید معتقد است فناوری از دل جامعه و متناسب با نیاز جامعه ساخته می‌شود. در این شرایط می‌گویم باید فناوری‌هایی که از دل جامعه و تمدن ما جوشیده، اولویت داشته باشد یعنی ما باید در توسعه فناوری‌های جدید و ایجاد استانداردهای عملی جدید بازیگر باشیم، باید به این مساله فکر کرد که چطور می‌توان استانداردهای علمی و طرح‌های غالب فناوری را به جامعه بشری عرضه کرد. ما برخی کشورها را مثل ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم، چین در ۴۰ و ۳۰ سال گذشته و بنگلادش در حال حاضر را داریم که به‌عنوان کشورهای که سرمایه‌داران به سمت آنها تمایل دارند، شناخته می‌شوند؛ چراکه نیروی کار در آنجا ارزان است و معمولا هم سرمایه‌گذاران در آنجا حضور جدی دارند.

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

از آن حتی از انرژی‌های فسیلی هم ارزان‌تر تمام می‌شود. یعنی ما باید شبکه استنادات را بررسی کرده تا بدینم فناوری‌هایی که در مرکز توجه بوده و انتظار تجاری‌سازی آنها را داریم، کدام‌ها هستند. بحث دوم مقوله تجاری‌سازی است؛ چراکه انتظار داریم محصولات ما تجاری‌سازی هم شود. در اینجا باید به صحبت‌های مقام معظم رهبری اشاره کنم. ایشان گفتند خوب است که ما دنباله‌روی کرده و به دانش دیگر کشورها دسترسی پیدا می‌کنیم اما اگر تنها دنباله‌روی باشیم نمی‌توانیم جیت دهی کنیم. ما باید در اینجا صاحب سبک باشیم، یعنی اگر ما مرجع فناوری باشیم ولی زندگی مردم را بهتر نکنیم، هیچ فایده‌ای نخواهیم داشت در مقابل اگر الزاما قوت اقتصادی را معادل قوت فناوری می‌دانیم، نقد جدی به آن وارد است.

باید در توسعه فناوری‌های جدید و ایجاد استانداردهای عملی این حوزه بازنگری کنیم

مؤلفه سوم بحث تعیین استانداردها است؛ در اینجا یک بحث قدیمی درباره فناوری داریم که طبق آن فناوری یک موجود خودگردان است که خودش ایجاد شده و جوامع را به سمتی که می‌خواهد می‌برد و جوامع را می‌سازد اما امروز بحث فلسفه فناوری کمتر این مساله را می‌پذیرند؛ چراکه نگاه جدید معتقد است فناوری از دل جامعه و متناسب با نیاز جامعه ساخته می‌شود. در این شرایط می‌گویم باید فناوری‌هایی که از دل جامعه و تمدن ما جوشیده، اولویت داشته باشد یعنی ما باید در توسعه فناوری‌های جدید و ایجاد استانداردهای عملی جدید بازیگر باشیم، باید به این مساله فکر کرد که چطور می‌توان استانداردهای علمی و طرح‌های غالب فناوری را به جامعه بشری عرضه کرد. ما برخی کشورها را مثل ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم، چین در ۴۰ و ۳۰ سال گذشته و بنگلادش در حال حاضر را داریم که به‌عنوان کشورهای که سرمایه‌داران به سمت آنها تمایل دارند، شناخته می‌شوند؛ چراکه نیروی کار در آنجا ارزان است و معمولا هم سرمایه‌گذاران در آنجا حضور جدی دارند.

تحوالات فناوریانه امروز دنیا فوق‌العاده زیاد شده است

مساله‌ای که باید مدنظر قرار بگیرد اینکه تحولات فناوری فوق‌العاده

۲ نگاه رقیب در تعریف مرجعیت علمی در کشور وجود دارد

شاخص‌هایی مانند جی‌دی‌پی و جی‌دی‌پی سرانه را دنبال کنند، کار به جایی نمی‌برند و به همین دلیل انواع شاخص‌سازی‌ها ایجاد شد. با این تحلیل باید این مساله را هم عنوان کرد که طبیعتا شاخص‌ها باید امکان اندازه‌گیری داشته باشند، یعنی ما شاخص‌هایی را داشته باشیم که نتوان آن را اندازه‌گیری کرد و صرفا کیفی باشند، طبیعتا مشکلی را حل نخواهد کرد. در ایران هم سال ۸۴ و اواخر دولت هشتم، مجمع تشخیص مصلحت نظام سند چشم‌انداز را مطرح کرد. آن زمان با اختلاف ناچیزی با ترکیه در جایگاه دوم منطقه بودیم و عنوان کردیم تحقق اهداف این سند چشم‌اندا برای ۲۰ سال آینده، کار پیش‌پا افتاده‌ای است، اما اتفاقاتی رخ داد باعث شد تا اردوغان در دوران حکومت خود جی‌دی‌پی ترکیه را ۷ برابر برای ما نصف‌شود و حالا در منطقه بعد از ترکیه و عربستان قرار داریم. با شرایط تحریم دیگر کشورهای منطقه هم از ما جلو می‌زنند. در این شرایط

شرایط برای رسیدن به فناوری‌های روز از دل مباحث علمی روز یکی از پیش‌نیازهای امروز کشورها به‌شمار می‌رود. چگونگی رسیدن و تحقق این دو مرجعیت موضوعی نیست که بتوان یکباره به آن رسید. در همین راستا مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور با برگزاری نشست تحت عنوان «مرجعیت فناوری؛ از ایده تا عمل» با حضور سیدسروش قاضی‌نوری رئیس این

مطالعات صورت‌گرفته درباره مرجعیت علمی، بیشتر تحلیل اسناد و کلمات بوده است

از طرفی کشوری مانند سنگاپور یا عربستان راه داریم که به‌عنوان الگوهایی هستند که دیگر کشورها تمایل دارند شبیه به آنها باشند. یک الگوی دیگر که در چند دهه گذشته شاهد آن هستیم کشورهایمانند ایرلند و فنلاند هستند که تا قبل از توسعه‌شان، برای دنیا ناشناخته بودند. اما با ورود اتحادیه اروپا و استفاده از پنجره فرصتی که برای این کشورها باز شد توانستند در بازه زمانی هشت تا ده‌ساله، به شکل شگفت‌انگیز توسعه یابند. وجه مشترک همه این کشورها آن است که اصولا در آنها فناوری در صنعت به معنای عام آنها وبعد در اقتصاد و سیاست لحاظ شده است. در این کشورها سه مؤلفه را می‌توان دید که اول روابط سیاسی خوب است، البته در این میان حضور در اتحادیه‌های جهانی هم اهمیت ویژه‌ای دارد. نکته دوم ثبات سیاسی در داخل است چراکه این ثبات باعث می‌شود امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم شود. مؤلفه سوم بنیان‌های علم است، یعنی آنها زیرساخت‌های لازم را در حوزه آموزش و پژوهش فراهم کرده‌اند. البته شاید یکی بگوید که مواردی مانند دبی و بنگلادش چنین زیرساخت‌هایی نداشته‌اند ولی ما این زیرساخت‌ها را در کشورمان ایجاد کرده‌ایم. در حالی که نباید فراموش کرد الگوی آنها به درد ما نمی‌خورد؛ چراکه ما نیروی کار ارزان نداریم و بسترهای دیگرمان هم متفاوت است. درست است که ما با برنامه‌ریزی خاص در فناوری می‌توان پهباد ساخت اما این اتفاق به دلیل هزینه‌ای بود که برای این حوزه صورت گرفته، در حالی که در دیگر حوزه‌هایی که هزینه نشده این مساله را شاهد نیستیم. نکته دیگر اینکه ما از این حوزه‌ها درآمدی نداشته‌ایم و معتقدم برای رسیدن به فناوری در بخش‌های مختلف باید بخش‌هایی خارج از حوزه وزارت علوم و دیگر نهاد‌های این حوزه فکری برای آن کنند.

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

مساله دیگر بحث فناوری‌های قدیمی است. فکر می‌کنم در فناوری‌های

یعنی لیدر زنجیره تولید ارزش با توجه به فیلد کاری آنها متفاوت می‌شود. نکته مهم اینکه وقتی بحث اقتصادی و تکنولوژی مطرح می‌شود، باید بگوییم که وضعیت دنیا بر چه اساسی پیش می‌رود. نگاه کنید به‌طور مثال امروز گوگل هزار شرکت همکار دارد که شامل استارت‌آپ‌ها، کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و… می‌شود که استانداردار را از گوگل دریافت کرده و درباره آن کار می‌کنند. یعنی ثروتی که گوگل دارد این است که می‌داند چه کاری را به چه کسی بسپارد و همین مساله باعث شده تا گوگل سرمایه نامشهود زیادی داشته باشد. جالب اینجاست که در ده‌های گذشته تنها ۱۰ درصد از دارایی شرکت‌ها را دارایی‌ها نامشهود شامل می‌شد اما امروز این میزان به ۸۰ درصد رسیده است. مؤلفه‌ای که این امکان را فراهم کرده تا غول‌هایی مانند گوگل دیگران را وادار به تولیداتی کنند که آنها می‌خواهند. موضوع دیگری که باید مدنظر قرار بگیرد این است که نظام نوآوری شرکتی، از نظام نوآوری

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

زیاد است و ممکن است مرجعیت فناوری هم به سرعت دست کشورها دست به‌دست شود، یعنی عنوان مرجعیت هم یک زمان مشخصی دارد و ممکن است حتی واژه آن هم تغییر کند. درباره ریشه‌یابی این حوزه هم باید به این مساله توجه شود که تجمع شرکت‌های مرجع در کشورها باعث ایجاد مرجعیت فناوری می‌شود. درحالی‌که ما در ایران بتوانیم نهایتا دو یا سه شرکت مرجع و بزرگ مانند دیجی‌کالا را نام ببریم که در حوزه فناوری هستند، اما کشورهایی مانند ژاپن و کره که تعداد چنین شرکت‌هایی در آنها به ۴۰ تا ۵۰ می‌رسد یا کشورهایی مانند انگلیس و آلمان که تعداد چنین شرکت‌هایی در آنها بالاست، به مرجع دنیا تبدیل شده‌اند. مشکل ما این است که در کشور شرکت‌های خصولتی زیادی داریم که عملانمی‌توانند آن‌طورکه بخش خصوصی توسعه می‌یابد، توسعه پیدا کنند. مساله دیگر بحث توانمندی علمی است، هر چند ما در منطقه جایگاه ۱۵ دنیا را داریم و این هم مساله خوبی است، اما اینکه موسسات پژوهشی و دانشگاه‌های ما تا چه میزان در راستای رسیدن به مرجعیت علمی سرویس ارائه می‌کنند، مقوله مهم دیگری است که باید مدنظر قرار گیرد.

نکته‌ای که باید در اینجا مدنظر قرار گیرد اینکه ما در شرایط رکود و تورم به‌سر می‌بریم و آیا اصلا در این شرایط شرکت‌های بزرگ امکان اوج گرفتن دارند؟ یا

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

روزی آوردیم به دیگر شاخص‌ها تا این ضعف را ببخشیم که یکی از آنها مرجعیت علمی است. یعنی می‌گوییم درست است که پتانسیل‌های زیادی داریم و هر چند در عرصه اقتصاد با لغفل نشده، اما این شاخص‌ها به ما امید می‌دهد که با بالغ‌شدن آنها در دیگر عرصه‌ها مانند اقتصاد هم می‌درخشیم و به همین دلیل به سمت مرجعیت علمی می‌رویم. اما در تعریف مرجعیت علمی دو نگاه رقیب وجود دارد که یکی از آنها تعریف مرجعیت را به شاخص‌های علم‌سنجی محدود می‌کند که اندازه‌گیری این شاخص‌ها چون کیفی هستند، سخت می‌شود؛ در این دیدگاه که متمرکز کم است، چاره‌ای جزء استناد به همین شاخص‌ها نداریم. اما دیدگاه دوم که بنده آن را دیدگاه پراکنده می‌نامم، دیدگاهی است که حرف از علم نافذ، حل مشکل و کاربرد می‌زند و همان نگاه ضدمقاله‌ای است که در کشور وجود دارد. هنوز توانستیم بعد از این

مرکز، طاهره میرعمادی عضو هیات علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، سپهر قاضی‌نوری هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، بهروز سلطانی عضو هیات علمی دانشگاه کاشان، به بررسی شرایط کشور، الزامات تحقق این مرجعیت و چرایی اهمیت این موضوع پرداختند. مشروحی از این نشست را در ادامه می‌خوانید.

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

قدیمی کلافانوری و علم داستان جداگانه‌ای دارند و جای فناوری در بازار بوده، یعنی ۲۰ سال پیش فناوری را در بازار می‌توانستیم پیدا کنیم و دانش هم در حوزه بود؛ اما نکته‌ای که باید مدنظر قرار بگیرد اینکه به صورت تاریخی آثار و کاربرد فناوری و علم از یکدیگر جدا است. روزه روز در اکثر فناوری‌ها سهم دانش بیشتر شده است، اما امروز فناوری جدیدی را سراغ داریم که بدون علم و دانش علمی وجود دارد. من فکر می‌کنم مرجعیت علمی شرط لازمی برای مرجعیت فناوری خواهد بود، اما کافی نیست. اگر این را پذیرفتیم می‌توان به سراغ چگونگی تحقق آن رفت. در حقیقت در اینجا باید هر می‌را تصور کرد و راس آن را نیروی انسانی دانست. سه عنصر دیگر نیز شامل نظام علمی و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها هستند. بعد از آن نظام اقتصادی و وجود شرکت‌هایی که بازار را قوی کنند و عنصر دیگر عنصر زیرساخت‌ها است. یکی از این زیرساخت‌ها نظام تأمین مالی است و من فکر نمی‌کنم با این نحوه تأمین مالی در حوزه علم و فناوری شانس‌ی برای رسیدن به مرجعیت داشته باشیم. نظام به این صورت است که حقوق انسان‌ها را می‌دهد اما مبتنی بر مأموریت تأمین مالی صورت نمی‌گیرد. حرف آخر من درخصوص موضوع نیروی انسانی است. من معتقد هستم که هیچ تحولی در این عرصه‌ها بدون انسان‌ها اتفاق نمی‌افتد. بدون این موضوع ممکن نیست و باید فکر کنیم که این انسان‌ها حاضر و پای کار هستند و تصویر ذهنی غالب جوانان ما چیست؟ من نگرانم که نسل جدید ما تصویر مطلوبی نداشته باشد و نسل آینده ما به علم و فناوری تصویر خوبی نداشته و حاضر نباشد که پای این کار بایستد. دروندیشی درباره این موضوع و خلاصه این مطالب در کلمه امید خارصه می‌شود. اگر توانستیم برای نیروی انسانی امید ایجاد کنیم، قطعاً اثرگذار خواهد بود، اما اگر دانشجویی کمتری ما به این نتیجه رسید که به خاطر تفاوت ظاهری جایی در ایران ندارد این نگرش بد و خطرناکی خواهد بود. در نظام پیچیده جهانی کلید داستان امید است و این تصور باید در دل نیروی انسانی ما باشد.

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

کشوری بسیار جلوتر است. به‌طوری که مثلا علی بابا که یک شرکت بزرگ است، سهام‌داران اصلی آن از کشورهای مختلف است. این نشان می‌دهد سرمایه‌ای این شرکت به‌گونه‌ای جهانی شده که از کشورهای مختلف در آن حضور دارد. ما هم باید به این سمت برویم که یک شرکتی داشته باشیم که کشورهای دیگر در آن سرمایه‌گذاری کنند.

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

شرایط ما برای سرمایه‌گذاری در بحث‌های پژوهشی که ابتدای زنجیره خلق ارزش قرار دارد، چه میزان است؟ حتی در مباحث تولیدی مان تا چه میزان بخش خصوصی تمایل دارد که در حوزه تکنولوژی وارد شود؟ توانمندی‌های اجتماعی مان در چه شرایطی است؟ نکته دیگر اینکه امروز بحث مهاجرت استارت‌آپ‌ها از کشور مطرح است که باید به آن توجه شود. حتی در بحث توانمندی فرهنگی هم می‌بینیم که در کنار مهاجرت، دانشگاه‌هایمان در این فضا هنوز وارد نشده‌اند درحالی‌که باید این فضا را آنها تغییر دهند. همچنین فضای سیاسی هم ملاک است، وقتی ما فضای دوقطبی سیاسی داریم، طبیعتا مرجعیت علمی در آن شکل نمی‌گیرد؛ چراکه دوقطبی سیاسی به هر دلیلی ضد توسعه فناوری عمل می‌کند و اگر فناوری برای ما مهم باشد که قطعاً این‌طور است، باید فضای سیاسی را کنترل کرد. تصور می‌کنم مرجعیت فناوری عام و نه خاص، چه در منطقه یا جهان اسلام حداقل در بازه زمانی ۴۰ ساله معق می‌شود، اما مرجعیت در فناوری خاص که حوزه‌های مختلفی را هم شامل شده در افاق ۴۰ یا ۵۰ساله می‌تواند تحقق پیدا کند. اما مرجعیت عام جهانی به‌نظر چندان دست‌یافتنی نیست؛ چراکه وقتی به مرجعیت فناوری جهان‌اسلام البته اگر برسیم بعد می‌توان به آن رسید و باید واقعی به این حوزه نگاه کرد.

مرجعیت علمی شرط لازم اما ناکافی برای رسیدن به مرجعیت فناوری است

همه انتقادها یک شاخص مانند شاخص حل مشکل را جایگزین مقاله کنیم و چون چنین شاخصی وجود ندارد این دیدگاه پراکنده هیچ‌گاه نتوانسته جایگزین شود.

به‌نظر می‌رسد مرجعیت جایی معنا دارد که دیگران می‌توانند به ما رجوع

کنند، یعنی اگر بخواهیم در روستایی یا بر سر کوهی که هیچ‌کس حاضر نیست به آنجا برود تا به شما رجوع کنند، قرار بگیرد هیچ‌گاه مرجع نخواهید شد. یعنی اگر به دلیل تحریم هیچ ترددی از کشور صورت نمی‌گیرد، به کردیدر تبدیل نمی‌شویم، به همین دلیل تمام زنجیره‌های ارزش به دلیل تحریم‌ها با دنیا ارتباط نمی‌گیرد. در شرایطی که ما هستیم باید شاخص‌های جایگزینی داشته باشیم؛ چراکه اگر مثلا شاخص‌های مرتبط با زنجیره ارزش را لحاظ کنیم، چون هیچ‌گاه در این زنجیره در سطح جهان حضور نداریم، عملا کاربردی هم نخواهد داشت.

تحصیل بیش از ۳۴۰۰ دانش آموز استثنایی کشور در مدارس عادی چه نتایجی در پی خواهد داشت؟

ادغام دانش آموزان استثنایی سود یا زیان؟



فاطمه بریمانی‌ورزنی
نویسنده گروه نقد روز

تابه حال از دغدغه خانواده‌هایی که کودک مبتلا به اوتیسم دارند چیزی شنیده‌اید؟ مهم ترین دغدغه خانواده‌های دارای کودک ۶ و ۷ ساله وضعیت مدرسه و تحصیل فرزندشان است. حالا خیال کنید در همان سنین متفن نشود که فرزندتان مبتلا به اوتیسم است، آن وقت است که نگرانی‌ها چند برابر می‌شود. نمی‌گوییم دنیا روی سرشان خراب می‌شود، اما می‌گوییم دغدغه دوچندان است؛ اینکه فرزندتان از منظر کارکرد ذهنی با خواهر و برادر یا سایر بچه‌ها هم سطح است، اما به دلیل کم بینایی یا کم شنوایی باید راهی مدارس استثنایی شود. واقعا فکر می‌کنید در سایر کشورهای پیشرو هم این تفکیک‌ها به میزانی که در ایران صورت بندی شده‌اند، مطرح هستند؟ تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا توسعه یافته مانند ژاپن و ایالات متحده آمریکا حاکی از آن است که کمتر این تفکیک‌ها صورت می‌گیرد و کمتر وجه تمایزی میان دانش آموزان قائل هستند. اما ما در ایران نسبت به این مساله بی توجهیم. عموما با کوچک‌ترین تمایز، تمایز ظاهری، سرعت یادگیری، طبقه اقتصادی و... کودکان را جدا کرده و در مدارس متفاوت می‌فرستیم. اگر بخواهیم کودکان مبتلا به اوتیسمی که تنها ضعف جسمی - حرکتی دارند را در مداری عادی ثبت نام کرده و از آنها بخواهیم در میان کودکان معمولی تحصیل کنند، چه پیامدی خواهد داشت؟ در این خصوص و بررسی جنبه‌های مثبت و منفی جداسازی یا اجرای طرح فراگیری آموزش سعی کردیم نظرات موافق و مخالف این ماجرا را بررسی کنیم. آنچه که مسئولان می‌گویند می‌خواهند در مدارس محقق شود تا آنچه که کارشناسان آموزشی شاهد آن هستند.

اخیرا آمارهای از تحصیل کودکان مبتلا به اوتیسم در مدارس عادی منتشر شد که واکنش‌های زیادی را در پی داشت. حمید طرفی حسینی، رئیس سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی کشور طی مصاحبه‌ای اعلام کرد حدود ۳۴۹ کودک استثنایی در مقاطع تحصیلی متفاوت در مدارس عادی و با شرایط عادی تحصیل می‌کنند. این آمار از جهاتی می‌تواند مقبول و از جهاتی مذموم باشد. همه کودکان برای ثبت نام در مدارس از مرحله آزمون برای سنجش بینایی، شنوایی و سرعت یادگیری و... گذر می‌کنند، برخی از آنها در این مرحله مشخص می‌شود که مبتلا به اوتیسم هستند. مبتلایان به اوتیسم، انواع متعددی دارند و هیچ یک از آنان شبیه یکدیگر نیستند. اما اگر بخواهیم به دو گروه عمده تقسیم کنیم، باید بگوییم که برخی از کودکانی که در سنجش اوتیسم نام می‌گیرند، تنها مشکلات جسمی - حرکتی دارند و گروه دوم از منظر فرآیند یادگیری، کارکرد ذهنی و مهارت‌های ارتباطی دچار اختلال هستند. این وجوه تمایز دست‌مایه‌ای برای جداسازی این کودکان قرار می‌گیرد و خانواده‌ها ملزم می‌شوند کودکان خود را در مدارس استثنایی ثبت نام کنند. تکلیف دانش آموزانی که تنها مشکل جسمی - حرکتی دارند و از منظر ذهنی تفاوتی با کودکان عادی ندارند چیست؟ اینجاست که کار سخت می‌شود.

طرح آموزش فراگیر و مدارس پذیرا

آمارها نشان می‌دهند، حدود ۲ هزار و ۴۶۷ نفر از دانش آموزان محصل، استثنایی بوده و ۳۴۹ نفر از این کودکان در مدارس عادی تحصیل می‌کنند. سید جواد حسینی، رئیس سابق آموزش و پرورش کودکان استثنایی با اشاره به اینکه حدود ۱۸۰۰ مدرسه استثنایی برای کودکان مبتلا به اوتیسم فعالیت می‌کنند، به این مساله اشاره کرد که تا حد امکان تلاش می‌شود اگر اختلال این کودکان تنها مربوط به ضعف جسمانی است، از تحصیل در مدارس عادی محروم نشوند و این موضوع را از جهت‌گیری‌های سند تحول بنیادی آموزش و پرورش دانست و در این خصوص گفت: «ما در سند تحول بنیادی آموزش و پرورش طرح آموزش فراگیر را داریم. طبق این طرح تلاش می‌شود تا تحصیل به صورت فراگیر بوده و دانش آموزان از یکدیگر تفکیک نشوند. در خصوص کودکان استثنایی هم مواردی را شاهدیم که از منظر بهره‌های کاملاً نرمال هستند و می‌توانند در مدارس عادی و در میان دانش آموزان عادی تحصیل کنند. در حال حاضر حدود ۲۱ هزار مدرسه به عنوان مدرسه پذیرا داریم که در موارد متعدد دانش آموزانی که مبتلا به اوتیسم هستند با مشکلات جسمی - حرکتی دارند را ثبت نام کرده و با حمایت مدارس استثنایی آموزش می‌دهند.»

مساله آموزش فراگیر که به نظر در سند تحول بنیادی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفته است، در بسیاری از کشورهای پیشرو تصویب و اجرا شده است. تجربه ژاپن و ایالات متحده آمریکا از عدم تفکیک این دانش آموزان با یکدیگر نشان می‌دهد در صورتی که شرایط مهیا بوده و همه جوانب و چالش‌های آموزشی این طرح در نظر گرفته شود، برای سیستم آموزشی توسعه‌آمیز و مفید خواهد بود. محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس آموزشی هم در این رابطه با اشاره به تجربه ژاپن و آمریکا به اهمیت این موضوع اشاره کرد: «تقریباً در آموزش و پرورش‌های پیشرو، جداسازی به این معنا که در ایران وجود دارد، مطرح نیست. مثلاً در کشوری مانند ژاپن اینکه مدارس به مدارس عادی، استثنایی، تیزهوشان و سمپاد تبدیل شوند، به این صورت وجود ندارد. یک مدرسه دولتی وجود دارد و در موارد خیلی محدودی مدارس پولی وجود دارد که هم ساختار و هم علت ثبت نام بچه‌ها در آن متفاوت است و اصلا ریشه آن فرق دارد. در این راستا مدارس خصوصی هستند که دولت پول‌شان را می‌دهد اما مدرسه خصوصی به شمار می‌رود.» اما باید به این نکته توجه داشت که تنها اجرای طرح آموزش فراگیر در روند بهبود وضع کیفی آموزش و پرورش، چه برای کودکان عادی و چه برای دانش آموزان عادی مؤثر نخواهد بود، بلکه فراهم آوردن محیط و آموزش معلمان، به تعبیری آماده‌سازی مدارس از همه جهات برای بهبود وضع کیفی و کمی الزامی است. آمارها از تجربیات ایران از آن طرح حاکی از آن است که هنوز وضع مطلوبی که متصور بودیم اجرایی نشده و ادامه این روند و اجرای این طرح مستلزم توجه هرچه بیشتر جوانب و مدنظر قرار دادن آنهاست. البته به گفته حسینی هم این مساله در آمارها خود را نشان داده است: «با وجود اینکه این جهت‌گیری، جهت‌گیری خوبی است و باید فراگیر شود، اما مساله این است که مدارس عادی ماهیون پذیر نیستند. آمادگی برای آموزش و پرورش وجود نداشته و آن طوره که می‌خواهیم نتیجه دلخواه محقق نشده است. البته در خصوص اجرایی شدن این طرح، شیوه‌نامه‌های متعددی که در آن وظایف ارکان مختلف اعم از آموزش و پرورش، سازمان استثنایی، مدارس، معلمان، مشاوران و همه ارکان دیگر مشخص شده باشد، وجود دارد. اما آن طوره که باید اجرایی شده است. بخشی از این مساله هم مربوط به عدم پذیرش این مساله از جانب مدارس عادی است.»

جامعه‌ای که استثنایی‌ها را متمایز نمی‌کند

ایده اصلی طرح آموزش فراگیر به این جهت است که با دانش آموزان به شکل متفاوتی برخورد نشود؛ چراکه مدرسه اولین اجتماعی است که کودکان پس از فضای خانواده تجربه می‌کنند. پس باید اتمه‌ترین حالت به جامعه راتامن ۱۸ سالگی برای دانش آموز ترسیم کنند. حالا شما مدرسی را فرض کنید که در آن با کودکان به طور ویژه‌ای برخورد می‌کنند، در اختیار آنان خدمات و امکانات ویژه‌ای را قرار می‌دهند اما به محض فراغ التحصیل شدن، نه دانشگاه و نه جامعه با آنها ویژه برخورد نکرده و این شروع معضلات عمیق‌تر و بزرگ‌تری خواهد بود. شاید رئیس سابق مدارس استثنایی با این جمله که «باید دانش آموزی که نابیناست و پدر و مادر بیبنا دارد راز همدیگر جدا کنیم؟» این ادغام و عدم تفکیک را توضیح دهد. اتفاقاً اگر بخواهیم از این منظر بررسی کنیم، عدم تفکیک وضعیت مطلوبی است، هم برای دانش آموز استثنایی که در شرایط مصنوعی و آکادمی تحصیل کند، هم برای دانش آموزان عادی که نوع تعامل و ارتباط‌گیری با دوستان متفاوت از خودشان را تجربه کرده و آموزش ببینند. نیک‌نژاد هم در رابطه با تجربه موفق کشورهای پیشرو همین تحلیل را داشت و اتفاقاً تادو به مدارس غیردولتی هم در راستای دور از واقعیت بودن فضا و تفاوت آن با جامعه است. او در این خصوص گفت: «یکی از نقدهایی که ما به مدارس غیردولتی داریم این است که بچه‌ها در یک محیط مصنوعی بار می‌آیند؛ اینکه معلم مدرسه، مدیر مدرسه و معاون، برای این‌ها یک شرایط ویژه قائلند، چراکه مشتری محرو است و برای آنها احترام بیشتری قائل می‌شوند و حمایت‌های نابجا می‌کنند. این بچه‌ها خود به خود یاد می‌گیرند از این حمایت‌ها بهره‌برند و فردا در جامعه دیگر این فضا وجود ندارد. در جامعه واقعی کسی به خاطر پولدار بودن پدر کسی از او حمایت نمی‌کند. اما این در مدرسه وجود دارد. در مدرسه، هم بچه‌هایی که وضعیت عادی دارند نیاز به حضور بچه‌های متفاوت دارند و هم کودکان استثنایی نیاز به حضور و تحصیل در میان بچه‌های عادی را دارند. چرا؟ چون در جامعه عادی سر و کار همیشه ما با این طور آدم‌هاست. به طور عادی من وقتی با هم‌کلاس‌ام که نابیناست برخورد می‌کنم، این مساله ذهنی را برای من ایجاد می‌کند و مرا با این مساله درگیر می‌کند. امروز اگر معلم گفت ما این دانش آموز این جور برخورد کن یا به طور خاص مدل رفتاری با این کودک کم بینا یا نابینا را یاد داد، من اگر فردایی را با این وضع بدیم، مدل کمک کردن و رفتار با او را بلدیم. یعنی ارزش آموزش و پرورش در این است که یک فضای عادی و محیط تمرین اجتماعی خوب برای بچه فراهم کند. این جداسازی‌ها این فرصت را از بچه‌ها در دو طرف داستان می‌گیرد. اما روی دیگر این سکه چیست؟»

روی دیگر ماجرا؛ دانش آموزانی که به دنبال سوژه می‌گردند

همه‌ما در موارد متعددی فضای تحقیرآمیز مدرسه را هم تجربه کرده‌ایم. اینکه دانش آموزان به دنبال سوژه‌ای برای تلافیف فضا هستند. حالا شما این ایده را تعمیم دهید به کلاسی که در آن دانش آموزی کم بینا یا کم شنوای حضور دارد. نتیجه چیست؟ اگر تنها به مساله آموزش معتقد باشیم، بله شاید ایجاد دو تیمان یا باغماض چهارتا شود. اما اگر اسمش را گذاشتیم آموزش و پرورش پس فضایی که ترسیم کردیم از دنیای این روزها دور است. شما دانش آموز کم بینایی را در کلاس درس دوم ابتدایی تصور کنید. معلم از متن کتاب می‌خواند، دانش آموز جا می‌ماند، از اول و حالا کندتر از قبل، سطر را گم می‌کند، دفعه پنجم این اتفاق رخ می‌دهد و حالا صدای همسهم دانش آموزان بیشتر است. رنگ تفریح؛ شما مطمئنید که کودک اوتیسمی ما از نظر روحی تحت فشار قرار نمی‌گیرد؟ مقطع راهنمایی، مدرسه پسرانه، فضای کسالت‌بار مدرسه و دانش آموز کم شنوای، اینها را کنار هم بگذارید و ببینید واقعا اتفاقی که در مدرسه رخ می‌دهد چیست؟ پس مادر رویاهایمان سیر می‌کنیم و این عین نابرابری و ناعادالتی است. صرف توجه به بهره‌های یکسان دانش آموزان نمی‌تواند بهانه خوبی برای ادغام کودکان استثنایی با کودکان عادی باشد، چراکه هیچ‌گاه میان این دو طیف فضای مشترک مطلوبی شکل نمی‌گیرد و بی‌شک مهارت‌های ارتباطی متفاوتی دارند. آنها در تعامل با یکدیگر دچار چالش می‌شوند و آسیب‌های روحی روانی بیشتری برای دانش آموز استثنایی در بر خواهد داشت. تجربه زیسته معلمان آموزش و پرورش هم حاکی از همین ماجراست. نیک‌نژاد به عنوان معلمی که تجربه تدریس با دانش آموز کم بینا در مدرسه عادی را داشته درباره چالش‌های اینچنینی مدرسه این طوره می‌گوید: «فضای اجتماعی جامعه‌ما و سطح فرهنگ خانواده‌های ما به آن شکل نیست که این بچه‌ها را به راحتی بپذیرند، یعنی مدرسه از اینها پشتیبانی‌های لازم را نمی‌کند. به مشاوران و معاونان مدرسه با این موضوع آشنا هستند و نه اینکه بچه‌ها به یکدیگر کمک می‌کنند که چطور با این بچه‌ها برخورد کنند. پس این بچه‌ها به گونه‌ای آزار می‌بینند یا مورد تبعیض قرار می‌گیرند. به هرحال این طوره نیست که سایر دانش آموزان عادی مقصر باشند، آنها هم آشنا نیستند، نمی‌دانند چه کار کنند، فضای مدرسه هم فضای سنگین و آزاردهنده‌ای است و از هر سوژه‌ای می‌خواهند استفاده کنند و استراحت کنند. گاهی اوقات به شکل کامل‌گیرانسان و غیر اخلاقی چنین سوژه‌هایی دست بچه‌ها می‌آید و دانش آموزان استثنایی هم آزارهای کلی می‌بینند و آثار این آزارها احتمالا تا آخر عمرشان با آنها خواهد بود.»

چالش‌های آموزشی که با استثنایی‌ها داریم

هرچقدر هم که ادعا کنیم این فضای مدارس دولتی ادغامی، نزدیک‌ترین حالت به جامعه امروز برای کودکان و نوجوانان است، اما باز هم باید بپذیریم که حضور این دانش آموزان مخل فرآیند آموزشی در مدارس است. حالا خودتان را بگذارید جای خانواده دانش آموزان عادی، کودکی در کلاس درس فرزند شما حضور دارد که از منظر احساسی آسیب‌پذیرتر از فرزند شماست. دائماً وسط کلاس با گریه و غلبه هیجانات آنی حواس فرزند شما را پرت می‌کند و روحیه او را تضعیف می‌کند. واکنش‌تان چیست؟ رعایت عدالت در حق دانش آموز استثنایی، ناعادالتی برای سایر دانش آموزان عادی را در بر ندارد. حالا اگر این مشکل مربوط به اختلالات جسمی - حرکتی باشد، فرآیند را کندتر می‌کند. سیستم آموزشی ما به سمت کتاب‌محوری و برنامه‌زمانبندی شده پیش رفته و در همین راستا حضور دانش آموزی که فرآیند آموزشی را کندتر می‌کند آسیب جدی به فرآیند تحصیل وارد می‌کند. این دانش آموزان نیازمند به حمایت جدی‌تری هستند و لازم است تا مدارس در جهت این ادغام آماده‌سازی شوند. زمانی که ما با معضلاتی همچون کمبود معلم، ضعف سیستم آموزشی و ضعف در تعامل با کودکان استثنایی مواجه هستیم نمی‌توانیم توقع داشته باشیم تعداد مدارس پذیرا افزایش یابد یا به صورت داوطلبانه خود را درگیر این معضل کنند. نیک‌نژاد از ایجاد امکانات آموزشی در فرآیند کار با این دانش آموزان گفت: «من در کلاس خودم یک سری دانش آموز کم بینا و کم شنوا داشتم اما به هیچ توضیحی نداده بودند که سر کلاس برای این بچه چه کار باید بکنم. البته این دانش آموزان یک رابط آموزشی داشتند که هر چند وقت یکبار به مدرسه سر می‌زد و پیگیری‌های لازم را از خود دانش آموز انجام می‌داد. ولی من برای آموزش به این دانش آموزان بنا را بر تجربه

خود گذاشتم و طبیعتاً کار با آنها مشکل بود. تا آنجایی که می‌دانم، بچه‌های اوتیسمی نیازهای ویژه‌ای دارند و این نیازهای ویژه مستلزم حضور معلمی است که با روش‌های ویژه با آنان کار کند. این فضا مطلقاً در مدارس ما وجود ندارد. معلم‌ها هم همین معلم‌هایی هستند که مانند بسجی‌های دوره جنگ طی دوره‌های سه ماهه آموزش می‌بینند و راهی مدارس می‌شوند.»

معلمانی که هیچ آموزشی ندیده‌اند، معضل آفرینند

تجربه‌های زیسته و اتفاقی که در مدارس رخ می‌دهد، حاکی از آن است که عدم توانمندی معلمان در مدارس و عدم وجود آموزش‌های لازم برای ارتباط‌گیری و آموزش به کودکان استثنایی معضل آفرین است. به هرحال کودکان استثنایی به دلایل ساختار ذهنی یا به دلایل ناتوانی‌های جسمی سرعت یادگیریشان ممکن است کمتر یا حتی بیشتر از باقی دانش آموزان دیگر باشد. این مساله مستلزم این است که ساختار آموزشی، ترندها، روش‌ها و شیوه‌هایی را برای اینها در هر کلاس تدارک ببینند. در کشورهای پیشرو این طوره است که به محض ورود این دانش آموزان استثنایی به مدارس عادی، پشتیبان‌های آموزشی در مدرسه حضور پیدا می‌کنند. یعنی با معلم خودشان یک زمانی را در همان محدوده کاری مدرسه برای آنها وقت می‌گذارند یا کسی را خارج از کلاس و البته با راهنمایی و هدایت معلم در همان مدرسه استخدام می‌کنند و تاخیر یادگیری را با این موارد جبران می‌کنند. این موضوع را هم می‌توان ذیل ضعف‌ها و چالش‌های آموزشی این کودکان مطرح کرد. حالا با این وضع که مدارس ما با معضل کمبود معلم آموزش دیده مواجه هستند، چالش پیشرو جدی‌تر خواهد بود. این چالش را بگذارید کنار سیستم آموزشی متمرکز که از معلم‌ها توقع دارند تا طی بازه زمانی خاصی، محتوای مشخصی را آموزش دهند. محمدرضا نیک‌نژاد در این رابطه هم تجربه مشابهی داشت و این چالش را این طوره شرح داد: «دانش آموز کم بینایی من در کلاس باعث می‌شد من برای اینکه همانند آرام‌تر از متن بخوانم، از طرفی هم آموزش‌های لازم را ندیده بودم. از طرفی پشتیبان آموزشی وجود نداشت که این تاخیر را جبران کند. من تا اندازه‌ای سرعت آموزش را پایین آوردم اما بعد یکی دو هفته از برنامه کلی کلاس جا ماندم چون ساختار متمرکز است و من در واقع ملزم هستم که یک برنامه درسی محدود را در زمان محدودی ارائه دهم، نمی‌رسیدم که برای دانش آموز خاصم وقت بگذارم. بنابراین در آن سال نهایتاً یا من باید ضررش را بدهم، یا بچه‌های کلاس یا آن بچه ضررش را می‌دهد. حالا اینکه بچه‌های اوتیسمی را به مدرسه آوردن خوب است اما اینکه چه برنامه‌ای برای آنها دارند مساله مهم‌تری است. شاید بدو مدار هم اینجا راضی باشند ولی پیش‌بینی من با توجه به تجربه‌های داخلی و خارجی این است که آن بچه‌های استثنایی آسیب‌های بیشتری خواهند دید.»

البته سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در خصوص این چالش و کارهایی که باید انجام شود طوره دیگری تحلیل کرد: «ما ۲۱ هزار مدرسه پذیرا داریم. در جهت توانمندسازی این مدارس ۸۰۰ مدرسه استثنایی پشتیبان هستند. یعنی هر مدرسه استثنایی مسئولیت چند مدرسه عادی را برعهده گرفتند. علاوه بر آن سازمان نوسازی مدارس هم این مدارس را برای دانش آموزان مناسب‌سازی می‌کند. مثلاً از سال ۷۰ که این طرح تلقیق فرآیند ترسیم شده است، تا به الان حدود ۶۲ برابر افزایش دانش آموز داشتیم. حالا این فرآیند ثبت نام در مدارس عادی باید به گونه‌ای باشد که در آن مدارس مدیر مدرسه، معلم، حتی دانش آموزان و اولیا آگاهی لازم را داشته باشند. سازمان آموزش و پرورش استثنایی مسئول این کار است. آموزش‌هایی می‌دهد، معلمان رابطی را قرار می‌دهد تا به معلمان عادی آموزش دهند و کارهایی در جهت توانمندسازی آن مدرسه انجام می‌دهد.»

ما هم نتیجه‌ای مشابه کشورهای پیشرو خواهیم گرفت؟

این طرح آموزش فراگیر که در بسیاری از کشورها در حال اجراست، قطعاً موفقان و مخالفان خاص خودش را دارد. حالا ما با این مساله مواجه هستیم که این مساله در ایران تا چه حد می‌تواند ما را به فضای عدالت آموزشی نزدیک کند؟ شاید از جهتی عدالت را برای کودکان استثنایی فراهم کنیم تا از آموزش معمول و عادی و فضای شبه اجتماعی برخوردار شوند. اما به بهای آسیب‌های روانی و فشارهای ذهنی بیشتر. از طرفی ناعادالتی در حق کودکان غیراستثنایی است. اگر هم ادعا کنیم برای کودکان عادی فضایی شبه اجتماع فراهم می‌کنیم و به آنها آموزش‌هایی برای ارتباط‌گیری بهتر با دانش آموزان متفاوت را می‌دهیم، باید به مساله فرهنگ جامعه و اختلالی که در فرآیند آموزشی رخ می‌دهد هم حساسیت نشان دهیم. معلمان هم که در چند جهت دچار معضل شده و در فرآیند آموزشی، مدیریت کلاس و مدل ارتباطی با چالش‌های گوناگونی مواجه خواهند شد. اگر بخواهیم که از این طرح نتیجه مطلوب را بگیریم باید به مساله آماده‌سازی مدارس پذیرا بیشتر توجه کنیم و معلمان را با آمادگی بیشتری به کلاس‌ها بفرستیم. نیک‌نژاد درباره بهبود وضع این طرح می‌گوید: «عوامل زیادی برای ناکارآمدی آموزش و کیفیت آموزشی پایین مان داریم که ریشه‌های آن را باید شناسیم. انتظار درستی نیست. اگر به طور نسبی زمینه‌ای را فراهم کنیم که این بچه‌ها بتوانند حضور داشته باشند و در آموزش هم به طور نسبی موفق باشند، در آینده این بچه‌ها و بچه‌های دیگر مؤثر خواهد بود.» این کارشناس آموزشی پیرامون کارهایی که باید انجام شود این طوره ادامه داد: «اگر روزی قانونی برای ادغام این دانش آموزان در مدارس عادی تصویب می‌شود معلمان استثنایی که آموزش ویژه دیده‌اند، در چند مدرسه به عنوان کمک‌آموزش حضور پیدا کرده و معلمان را کمک کنند. معلمان استثنایی می‌توانند هم در خصوص چالش‌های پیش‌رو و هم چالش‌هایی که در لحظه ممکن است معلم عادی مواجه شده باشد آموزش‌هایی به کادر مدرسه بدهند. به توجه به اینکه تعداد دانش آموزان استثنایی در حال تحصیل سه هزار و ۴۶۷ نفر بوده و این تعداد از چندان هم کم نیست، با توجه به موارد ذکر شده، بهتر است تدبیری در رابطه با ادغام با عدم ادغام این دانش آموزان با دانش آموزان عادی اندیشیده شود. البته این مساله را نمی‌توان تنها به کودکان استثنایی مبتلا به اوتیسم تقلیل داد و ما استثنایی‌هایی داریم که استثنایی نیستند. برای جداسازی دانش آموزان نباید نگاه صفر و یکی داشت. حتی جداسازی دانش آموزان استثنایی به شکل مثبت یعنی نخبگان و تیزهوشان هم می‌تواند معضل آفرین باشد. چون همان‌ها هم به شکل کلی آموزش ما کمک می‌کنند و البته این تفکیک به ضرر خود آن بچه‌ها هم است وقتی شما این‌ها را جدا می‌کنید و به آنها می‌گویید تیزهوش تصور کنید برای برایشان ایجاد می‌شود که بعدها در جامعه از همان تیزهوش ضربه خواهند خورد. از این طرف هم بچه‌های معمولی را از حضور بچه‌های درس‌خوان، نخبه و باهوش محروم می‌کنیم. از همین جهت هم در کشوری مانند ژاپن ما این جداسازی‌ها را نداریم. اما ادغام کودکان چه استثنایی مثبت و چه منفی، معضلاتی در بر خواهد داشت که مفهوم عدالت را به چالش خواهد کشید.»



دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲



شماره ۳۹۶۵



WWW.FDN.IR



FARHIKTEGANDAILY

نقاشی



سیدمهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

«سگی که زیاد پارس می‌کند، گاز نمی‌گیرد.» این ضرب‌المثل حکایت لفاظی‌های بیش از یک دهه‌ای بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی علیه ایران است. او روز جمعه در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل، یک سخنرانی تکراری علیه ایران داشت و مثل همیشه از مقابله به تهدید ایران سخن به میان آورد. به نظر می‌رسد امسال نتانیا‌هو چندان امیدوی به همراهی غرب ندارد که بیش از تمرکز بر غرب، به‌صورت ویژه درباره عادی‌سازی روابط باکشورهای عربی و به‌ویژه عربستان سعودی سخن گفته است. نتانیا‌هو در بخشی از لفاظی خود در سالن نسبتاً خالی، برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای «یک تهدید جدی و باورپذیر هسته‌ای» علیه تهران را ضروری دانست. حجم این لفاظی‌ها به‌نحوی بود که بلافاصله دفت نخست‌وزیر رژیم موقت صهیونیستی، متنی را منتشر کرد و در آن دا عا کرد نتانیا‌هو هنگام خواندن متن سخنرانی‌اش به اشتباه کلمات را قرائت کرده و اینکه گفته ایران را باید «به یک حمله هسته‌ای واقعی تهدید» کرد. در واقع منظورش «تهدید واقعی نظامی» بوده است، نه هسته‌ای. آنچه نتانیا‌هو در مجمع عمومی سازمان ملل گفته، در واقع تکرار سخنانی است که چند سال پیش «شلدون ادلستون» یکی از حامیان مالی اصلی ترامپ در سال ۲۰۱۳، به پارک اوپاما رئیس جمهور وقت آمریکا پیشنهاد کرد. او گفته بود آمریکا مذاکرات هسته‌ای را با ایران کنار بگذارد و در عوض یک بمب اتمی در کویر ایران رها کند. در صورتی هم که ایران دست از برنامه هسته‌ای‌اش نکشد، این داده باید جهت شلیک بمب هسته‌ای را به سمت تهران، شهری با بیش از ۹ میلیون جمعیت چرخاند. بعدها نتانیا‌هو نیز در دیدار از تاسیسات هسته‌ای ساخت سلاح هسته‌ای رژیم، تلویحا ایران را به حمله هسته‌ای تهدید کرده بود. تهدیدات اخیر نخست‌وزیر رژیم اما حکایت از نکاتی دارند:

۱. تهدید هسته‌ای ایران، اعتراف به از بین رفتن کامل بازآزندگی‌های ماقبل هسته‌ای در برابر تهران است. با این حال نسبت به کارایی این بازآزندگی نیز تردیدهایی وجود دارد. بازآزندگی هسته‌ای در جلوگیری از حمله هسته‌ای به یک کشور دارای جنگ‌افزار هسته‌ای به‌کار می‌آید و نه برای جلوگیری از دستیابی کشورهای دیگر به این سلاح‌ها.
۲. حرف‌های نتانیا‌هو نوعی حیل‌گری برای ایجاد ایران‌هراسی در غرب است. غرب با وقوع جنگ اوکراین حساسیت پیشین را نسبت به غرب آسیا و ایران ندارد. به‌لحاظ اولویت‌ها نیز دیگر موضوع هسته‌ای فوریت اروپا نیست و آنها خواهان توقف کمک‌های تسلیحاتی اعدایی ایران به روسیه هستند.
۳. اخیرا و به‌دنبال تسلط راست‌گرایان افراطی بر دولت رژیم، تردیدهایی در غرب نسبت به امکانات هسته‌ای رژیم به‌وجود آمده است. در غرب این نگرانی وجود دارد که تسلیحات هسته‌ای زمانی تحت‌تاثیر نپ‌گویرو اسموتیج رهبران افراط‌گرای رژیم قرار گیرند. نتانیا‌هو با پرافروختن لزوم مقابله هسته‌ای با ایران به‌نوعی در پی ترمیم مشروعیت دچار فرسایش سلاح‌های هسته‌ای رژیم در چشمان غرب است.



نتانیا‌هو که همچنان درگیر اعتراضات داخلی است ناخواسته اعتراف کرد ایران دربرابر آنها به بازآزندگی کامل رسیده

۲۰۲۳

پاسخ با موشک اسرائیل‌زن

تهدیدات لفظی صهیونیست‌ها به‌ویژه نتانیا‌هو در تهران چندان جدی گرفته نمی‌شود اما این تهدیدات بدون پاسخ هم نمی‌ماند. حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه ضمن اشاره به «بحران‌های چندلایه» سرزمین‌های اشغالی «نوان نتانیا‌هو رژیم جعلی اسرائیل» را در اندازه همین «تهدید زبانی» خوانده و گفته که صهیونیست‌ها «اگر قادر به انجام کاری بودند از این ادبیات و روش استفاده نمی‌کردند.»

جدی نگرفتن لفاظی‌های نتانیا‌هو محدود به ایران نیست و در سرزمین‌های اشغالی نیز کسی او و تهدیداتش علیه تهران را خیلی جدی نمی‌گیرد. زمستان سال گذشته که نتانیا‌هو از آمادگی رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران سخن گفت، یائیر لاپید، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی تهدید‌های او را بلوف عنوان کرد و هشدار داد «روایحی که بنیامین نتانیا‌هو درباره آمادگی رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران می‌گوید» را «برملا» خواهد کرد. برخلاف مقامات صهیونیستی که علاقه‌مند به لفاظی علیه ایران هستند، مقامات ایرانی سعی می‌کنند روی زمین تبعات تهدید ایران را پاسخ دهند. کمتر از ۴۸ ساعت پس از تهدیدات لفظی نتانیا‌هو، سردار رضا طلایی‌نیک، سخنگوی وزارت دفاع از موشک‌های «حاج قاسم» گفت در ایران به آنها «موشک‌های اسرائیل‌زن» می‌گویند؛ چراکه نقطه هدف آنان در وهله اول «سرزمین‌های اشغالی» است. او در یادواره شهدای شهرستان کیوردآهنگ در همدان دلیل ساخت این نوع موشک را تناسب «سیستم تسلیحاتی» با «تهدید‌ها» خوانده است: «جایی که بعضی وقت‌ها از جیف می‌باند رژیم صهیونیستی است، لذا رسماً هم اعلام می‌کنیم که ما موشک‌های اسرائیل‌زن در اختیار داریم.»

تجمیع دستاوردهای ایران در دوره نتانیا‌هو

به‌جز یک وقفه یک‌سال‌ونیمه از سال ۲۰۰۹ تا به امروز، نتانیا‌هو همواره در قدرت حضور داشته است. پیش از آن قدرت رسیدن او نیز تل‌آویو، ایران را بزرگ‌ترین دشمن خود می‌خواند و سیاست خارجی‌اش را نیز حول تهدیدات ایران متمرکز کرده بود. این سیاست‌ها از سال ۲۰۰۶ منجر به چند نبرد نیز رژیم صهیونیستی و مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین شده است؛ نخستین آن جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ و درگیری‌های نظامی با حماس و جهاد اسلامی فلسطین بوده است. در دو دهه گذشته، تل‌آویو در هیچ‌یک از این جنگ‌ها پیروز میدان نبوده است؛ جنگ‌هایی که طرف مقابل از موشک‌ها و راکت‌های استفاده می‌کرد که با اوله‌های فاضلاب» ساخته شده‌اند. این توانمندی گروه‌های مقاومت قابل قیاس با توانمندی نظامی ایران نیست. اگر در سال‌های ابتدایی نخست‌وزیری نتانیا‌هو، بزرگ‌ترین تهدید ایران برای رژیم صهیونیستی موشک‌های بالستیک با دقت فزاینده با برد تا ۲۰۰۰ کیلومتر بوده است، اکنون انواع پهپادها با قابلیت حملات هوایی، مأموریت‌های انتحاری و شناسایی را نیز باید به آنها اضافه کرد. پهپاد‌هایی که معلوم نیست به‌جز تهران در زرادخانه کدام گروه مقاومت انبار شده است. تهران جدا از استقرار در سوریه، در همین بازه زمانی حضور نتانیا‌هو در قدرت آموزش ویژه‌ای نیز به نیروهای محور مقاومت داده است و در کنار آن در حوزه سایبری نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. به عبارت ساده‌تر، اوج پیشرفت‌های ایران در حوزه‌های هسته‌ای، نظامی و منطقه‌ای در برهه زمانی ارقم خورده که نتانیا‌هو در سرزمین‌های اشغالی قدرت را در دست داشته است.

جدا از توانمندی‌های نظامی ایران که هر کشوری را پیش از تقابل به فکر تبعات آن می‌اندازد، صهیونیست‌ها دیگر حمایت سابق غرب را پشت سر خود احساس نمی‌کنند. برخلاف نتانیا‌هو، کشورهای غربی به راهکارهای غیرنظامی در مواجهه با ایران فکر می‌کنند و از این روست که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در تلاش برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی برای نجات پیدا کردن از تنگناهایی است که با آن دست به گریبان است. آنها بیش از هر کشوری، تلاش می‌کنند روابط شان را با عربستان سعودی به سمت عادی‌سازی سوق دهند. صهیونیست‌ها معتقدند اگر روابط شان با ریاض بهبود پیدا کند، سایر کشورها نیز به این عادی‌سازی تن خواهند داد.

قوی‌ترین ایران در برابر ضعیف‌ترین رژیم

به همان میزان که ایران در دو دهه اخیر پیشرفت داشته است، رژیم صهیونیستی روندی نزولی را طی کرده است. جدا از شکست‌های پی‌درپی در منطقه، تل‌آویو با ماجراجویی وارد جنگ ۱۱ روزه با حماس شد تا با سقوط دولت و یک دوره بی‌ثباتی سیاسی ناشی از انتخابات‌های متوالی مواجه شود. پایان این بی‌ثباتی سیاسی، روی کار آمدن یک دولت راست افراطی در سرزمین‌های اشغالی و پیگیری برای تصویب قوانینی بود که منجر به اعتراضات متوالی و پی‌درپی در تل‌آویو شد. این اعتراضات از کف خیابان به ارتش صهیونیستی نیز توسعه پیدا کرد و بسیاری از نیروهای ذخیره ارتش صهیونیستی از ادامه خدمت انصراف

دادند. تنها در یک قصره و

در بازه یک هفته‌ای، ۱۵۰۰ آفسر شاغل در بخش پزشکی ارتش رژیم صهیونیستی و ۲۰ خلبان نیروی هوایی خدمت در ارتش را تعلیق کردند. باید به این بحران‌ها که منجر به تنش بین جامعه صهیونیستی است، عملیات‌های فلسطینی‌ها را نیز اضافه کرد. در چند سال اخیر سرزمین‌های ۱۹۴۸ و کرانه باختری، تبدیل به محور اصلی مقاومت علیه صهیونیست‌ها شده است. آن‌طور که رسانه‌ها نوشته‌اند قاچاق اسلحه در کرانه باختری تجارتی پرسود شده است؛ چراکه فلسطینی‌ها از آن برای مقابله با دشمن صهیونیستی استفاده می‌کنند. مقاومت در این مناطق باعث شده تا صهیونیست‌ها پس از هر عملیات، آماده پاسخ‌طرف مقابل باشند. مجموعه بحران‌های داخلی و همچنین عملیات‌های فلسطینیان در داخل و فشار مقاومت در خارج، رژیم را در وضعیت ناپایمانی قرار داده است؛ وضعیتی که در طول چند دهه عمر این رژیم موقت، بی‌سابقه بوده است.

فرق عادی‌سازی سعودی با دیگر اعراب؟

رژیم صهیونیستی در قالب توافق‌های رسمی یا دیدارهای دو جانبه دست به عادی‌سازی روابط خود با کشورهای عربی زده است. عادی‌سازی روابط با امارات و بحرین از طریق پیمان صلح موسوم به ابراهیم صورت گرفت که به دنبال آن، مراکش و سودان نیز به این پیمان پیوستند. پس از آن صهیونیست‌ها مدعی بودند دیدارهایی با سران اسلامی و عربی داشته‌اند. در یک مورد الی کوهرن، وزیر خارجه رژیم تلاش کرد با آشکار ساختن دیدار خود با نجلا مقفوش، وزیر خارجه دولت وفاق ملی لیبی، روند عادی‌سازی را که در چارچک بوده از این وضعیت خارج کند؛ با این حال لیبی بلافاصله اعدراضاتی شد که نقطه آغازن شامگاه آشکارسازی دیدار بود. مقفوش برکنار شد و نخست‌وزیر نیز در معرض برکناری قرار گرفت.

در سال‌های اخیر روند عادی‌سازی باکشورهایی صورت گرفته که نقشی مرکزی در جهان اسلام و عرب نداشته‌اند. در جهان اسلام کشورهای ایران، ترکیه، عربستان سعودی و مصر در دسته رهبری می‌گنجنند. اندونزی و پاکستان نیز به دلیل جمعیت بالا و برخی ویژگی‌ها مانند اقتصاد (اندونزی) و برخورداری از سلاح هسته‌ای (پاکستان) حائز اهمیتند.

از این میان ترکیه مدت‌هاست با رژیم دارای ارتباط است و پس از مدتی تنش در روابط سیاسی، در این حوزه روابط خود را با صهیونیست‌ها تازفتا داده است. مصر نیز روابطی چهار دهه‌ای با رژیم دارد اما روابط دو کشور در حوزه سیاسی اندک بوده و تنها به روابط امنیتی منحصر مانده است. ایران و عربستان برای مدت‌ها دو کشوری بودند که با تل‌آویو مخالفت کامل داشته‌اند. با این وجود عربستان در طرح صلح عربی خود در سال ۲۰۰۱ پذیرفت اگر در سرزمین‌های ۱۹۶۷ دولتی فلسطینی به پایبختی قدس تشکیل شود، رژیم را در محدوده مرزهای ۱۹۴۸ به رسمیت بشناسد. سعودی در سال‌های اخیر با اعلام مواضعی درخصوص احتمال ایجاد رابطه با صهیونیست‌ها، از موضع ۳۰۰۰ خود فراتر رفته‌اند. در همین حال آمریکا تلاش کرده، اندونزی و پاکستان را نیز به نوعی وارد جرگه عادی‌سازی کند؛ اقدامی که با راکشن توده‌های دولت و ملت و همچنین عناصر محکم موجود در ساختارهای دولتی این دو کشور مواجه شده است. در جریان تحولات جام‌جهانی نیز ۲۰ سال که قرار بود در اندونزی برگزار شود، دولت این کشور تمایلی به میزبانی از تیم صهیونیستی نداشت و همزمان دو تیم اندونزی و عراق خواهان هم‌گروه نشدن با این تیم شده بودند؛ تحولی که باعث سلب میزبانی این مسابقات از اندونزی شد.

بررسی دو دسته کشورهای دارای رهبری یا حائز اهمیت در جهان نشان می‌دهد در سطح متفاوتی از ۶ کشور موجود، ۵ کشور دارای روابط و ارتباطاتی با رژیمند. عادی‌سازی روابط عربستان با رژیم ضمن کشتادن و توسعه رابطه صهیونیست‌ها با رهبران جهان اسلام، می‌تواند رابطه اندونزی و پاکستان را با رژیم تسهیل کند. خطری که در رابطه کشورهای بحرین و امارات وجود نداشته و آنها فاقد ویژگی‌های رهبری بودند.

در سطحی فرتر از جهان اسلام، در جهان عرب نیز کشورهایی که تاکنون با رژیم دست به عادی‌سازی زده‌اند فاقد ویژگی‌های رهبری هستند. در اینجا هرچند جهان عرب بخشی از جهان اسلام است، برخلاف دیگر مناطق مسلمان نشین در شرق و جنوب آسیا و آسیای میانه، محیط پیرامونی رژیم را تشکیل می‌دهد. در جهان عرب کشورهای عربستان، مصر، الجزایر، عراق و سوریه مدعی رهبری‌اند. مصر پرجمعیت به دلیل اقتصاد فشل خود و برای دریافت کمک بیشتر از آمریکا و اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس به کشوری زبون تبدیل شده است. الجزایر نیز در سایه تحولات موسوم به بهار عربی به لاک دفاعی فرورفت و بعدها به صحنه اعتراضات خیابانی تبدیل شد. الجزایر در سال‌های اخیر با پیگیری و برنامه ریزی مقابله با غرب در شمال و غرب آفریقا و به‌ویژه فرانسه که در شورش‌های اخیر در غرب آفریقا مشهود است، اندکی موضع خود در جهان عرب را تقویت کرده است. عراق و سوریه به‌اما دو کشور جنگ‌زده‌اند که با وجود تلاش برای اثبات قدرت کم‌اکان یا ایجاد رهبری فاصله دارند. از این رو ریاض تنها قدرت عربی موجود است که از ان‌تخابات داخلی برکنار بوده و همچنان از ثروتی عظیم بهره می‌برد؛ هرچند جنگ با یمن ضرباتی به ثروت و حیثیت سعودی‌ها وارد آورده است.

بر همین اساس، عادی‌سازی روابط با عربستان که تنها کشور در دسته رهبران جهان عرب است -برخلاف جهان اسلام که عربستان دست‌کم دو کشور ایران و ترکیه را در کنار خود دارد- می‌تواند اثراتی عمیق در جهان عرب داشته باشد. با عادی‌سازی روابط سعودی‌ها با رژیم از یک سو دولت‌های دنباله‌رو عربستان به این جرگه پیوسته و از سوی دیگر چنین اقدامی برایشان کم‌هزینه‌تر خواهد گشت. به عبارتی دیگر رژیم با عادی‌سازی روابط با عربستان، با دو کشور -عربستان و ترکیه- از سه کشور داعیه‌دار رهبری در جهان اسلام رابطه داشته و می‌تواند رابطه خود با دو کشور حائز اهمیت جهان اسلام -اندونزی و پاکستان- را تسهیل کند. به لحاظ جهان عرب که محیط پیرامونی رژیم است، صهیونیست‌ها با تنها رهبر جهان عرب عادی‌سازی کرده و سپس شاهد پیوستن پیروان سعودی به این روند خواهند بود؛ همچنانکه این اقدام هزینه عادی‌سازی روابط را با هر کشور عرب دیگری کاهش خواهد داد.

به لحاظ منطقه‌ای نیز رژیم در کنار دو قدرت -سعودی و ترکیه- از سه قدرت منطقه‌ای قرار گرفته و با محورها و ساختارهای تحت رهبری آنها وارد تعامل خواهد گشت. رابطه با ترکیه به معنای مدیریت رابطه با اخوان المسلمین و ارتباط با سازمان کشورهای ترک‌زبان خواهد بود، سازمانی که اعضای آن جزئی از جهان اسلامند. رابطه با عربستان نیز به معنای بهبود رابطه با اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس است.

رابطه با سعودی مواهبی را در اختیار رژیم قرار می‌دهد که در رابطه با زنجیره دولت‌های عربی امارات، بحرین، مراکش و سودان قابل دستیابی نبودند.

آیا رابطه با عربستان کافی است؟

رابطه رژیم با جامعه بین‌الملل با نمونه‌های مشابه متفاوت است. اگر کره شمالی منزوی است و این انزوا به دشواری زندگی مردم این کشور منجر شده و خطراتی برای نظام سیاسی‌اش دارد، اما خطری موجودیتی برای این کشور نیست حتی اگر بر فرض کره شمالی از بین برود با تشکیل یک کره متحد، ملت کره از بین نخواهد رفت.

انزوای رژیم هرچند موجب دشواری زندگی شهروندان آن شده اما نکته اصلی آنجاست که احتمال دارد این خطرات نهایتاً به نابودی رژیم و آواره شدن مجدد صهیونیست‌ها در سراسر جهان منجر شود. هدف و نیت اصلی رژیم و آمریکا نیز انگذاری بر موجودیت رژیم است. بهبود وضعیت دیپلماتیک رژیم با دستاوردهای اقتصادی هرچند اهدافی فرعی به حساب می‌آیند اما در ترتیبات موجود در راستای حفظ موجودیت به کار گرفته می‌شوند. رژیم در ارتباط با غرب و اتصال اقتصادی و نظامی با آن از انزوای منطقه‌ای اثرپذیر نیست. این مسئله نشان می‌دهد چنین اهدافی، هدف اصلی پیمان ابراهیم و روند عادی‌سازی نیستند.

آمریکا و رژیم تلاش دارند با عادی‌سازی، امکانی برای حفظ موجودیت رژیم بیابند.

عادی‌سازی چگونه بر موجودیت رژیم اثرگذار است؟

۱. آمریکا قصد دارد مداخلت خود در منطقه را- که طی دهه‌های گذشته در سطح عملیاتی قرار داشته- کاهش دهد. از این رو واشنگتن درصد کاستن از اثرات خلأ حضور خود و پر کردن آن توسط متحدانش است. این مساله به‌طور ویژه‌ای برای رژیم ابراهیم دارد. واشنگتن قصد دارد از رهگذر فرآیند عادی‌سازی و واکنش‌های شدید و عملی محور مقاومت نسبت به آن، جبهه‌ای منطقه‌ای علیه این محور با حضور تمام متحدان خود با محوریت یا صرفاً حضور رژیم ایجاد کند. این محور ضمن مقابله با گسترش محور مقاومت به تداوم موجودیت رژیم نیز کمک می‌کند.

۲. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس میزبان میلیون‌ها نفر مهاجرند که برای کار به این کشورها وارد شده‌اند. عربستان سعودی خود به‌تنهایی میزبان ۱۳ میلیون خارجی از کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و مصر است. تنها تعداد بومی‌ها در این کشور به ۲۰۵ میلیون نفر می‌رسد. این نگرانی وجود دارد که رژیم قصد داشته باشد در اولویت بندی، جمعیت‌های فلسطینی ساکن در سرزمین‌های اشغالی را به این بهانه روانه کشورهای خارج فارس سازد. راست‌گرایان حاضر در دولت رژیم دیوید بن‌گورین موسس رژیم و اولین نخست‌وزیر آن راه به‌کارگیری در اخراج تمام فلسطینی‌ها از سرزمین‌های ۱۹۴۸ متهم می‌کنند. تعداد آنها امروزه به ۷.۸ تا ۱۰ میلیون نفر رسیده که تقریباً یک‌چهارم تا یک‌پنجم جمعیت ۹ میلیون نفری رژیم می‌شود.

صهیونیست‌ها در کنار این فلسطینیان که داخل مرزهای رسمی رژیم حضور دارند، با ۳ میلیون فلسطینی در کرانه باختری و ۲ میلیون دیگر در نوار غزه مواجهند. صهیونیست‌ها به‌ترتیب اولویت خواهان اخراج فلسطینیان ۱۹۴۸، کرانه باختری و سپس نوار غزه هستند. تا پیش از این صهیونیست‌ها از اقدام نظامی برای اخراج فلسطینی‌ها استفاده می‌کردند. با این حال تمام این اهداف به شکست انجامیده است و راهکار نظامی برای آواره‌سازی دیگر جوابگو نیست.

روند عادی‌سازی بر خطر اصلی چه تاثیری دارد؟

در فضایی فرضی اگر روابط رژیم با عربستان به‌سرعت عادی شود و دولت‌های دیگری به این روند بپیوندند و همزمان محوری علیه ایران تشکیل دهند، آیا این تحولات منجر به تداوم موجودیت رژیم می‌شوند؟ از بخش‌های قبل مشخص شد روند عادی‌سازی به خودی خود دارای اهمیت نیست؛ زیرا کشورهای حاضر در آن، در صرف مقابله با رژیم قرار نداشته‌اند تا در توافق با آنها خیال صهیونیست‌ها از جنگ راحت شود؛ هدف مهار ایران و آواره‌سازی مردم فلسطین در شکلی جدید است. تاریخ معاصر نشان می‌دهد فلسطینی‌ها بدون حمایت ایران و پشتیبانی جدی اعراب در مقابل رژیم صف‌آرایی داشته‌اند و با وقوع انقلاب اسلامی، محوری برای مبارزه با صهیونیست‌ها در منطقه تشکیل شده است. این محور در دهه ۲۰۱۰ تقریباً به‌طورکامل با غرب، اعراب و ترکیه و در جنگ بود و در نهایت به پیروزی رسید. با این نتیجه تصور پیروزی یک محور تضعیف‌شده از دشمنان در برابر محور مقاومت تقویت شده بسیار بعید است.

موانع عادی‌سازی با عربستان

۱. به گزارش آکسیوس آمریکا، ۲۷ مسئول سابق و کارشناس در زمینه هسته‌ای و امور خارومیانه از احزاب و دموکرات و جمهوریخواه آمریکا در نامه‌ای به جو بایدن، رئیس جمهور این کشور اعلام کرده‌اند: غنی‌سازی اورانیوم در خاک عربستان می‌تواند ریاض را در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای قرار دهد. این واقعیتی است که باید مسئولان سیاسی آمریکا مانع آن شوند.»

عربستان برای عادی‌سازی سه درخواست داشته است؛ تضمین امنیت عربستان توسط آمریکا به‌طور رسمی، دریافت فناوری غنی‌سازی هسته‌ای و سوم فروش تسلیحات پیشرفته، مانند جنگنده‌های اف-۳۵ فروش آن به اعراب ممنوع است. در کنار بروز مخالفت‌هایی در آمریکا، در داخل رژیم نیز بسیاری ازجمله اپوزیسیون مخالف ارثه امتیاز هسته‌ای به صهیونیست‌ها هستند.

۲. اینتسار بن‌گوریر، وزیر امنیت ملی رژیم اعلام کرده در صورت ارائه امتیاز به عربستان برای عادی‌سازی، جریان متبوع وی از دولت خارج خواهد شد. این تهدید در صورت وقوع وضعیت رژیم را که از اواخر ۲۰۱۸ با انحلال پیاپی دولت‌ها مواجه بوده، بار دیگر در بی‌ثباتی سیاسی غرق خواهد ساخت.

۳. عادی‌سازی رابطه با عربستان یک هدی بزرگ به دولت و شخص نتانیا‌هو خواهد بود آن هم درحالی‌که آنها روابط متشنجی با دولت دموکرات‌ها در واشنگتن دارند. از همین رو دموکرات‌ها قصد ندارند چنین امتیازی را به‌راحتی در اختیار نتانیا‌هو قرار دهند، مگر آنکه مسیرش را اصلاح کند. آمریکا برای تسهیل عادی‌سازی و البته ضربه به دولت راست‌گرای رژیم عادی‌سازی را ممنوط به ارائه امتیازی به فلسطینیان کرده است. اگر نتانیا‌هو این موضوع را بپذیرد با خطر شورش راست‌گرایان افراطی دولت و سقوط کابینه به شکل فوری روبه‌رو خواهد شد. اگر هم وی از ارائه امتیاز خودداری کند در میان مدت با فشارهای فزاینده خارجی (آمریکا) و داخلی (اپوزیسیون) برای ارائه آن و تکمیل فرآیند مهم عادی‌سازی، مواجه می‌شود که می‌تواند دولت را منزوی‌تر یا حتی ساقط سازد.

۴. وضعیت دشوار داخلی نسبت فلسطینان و کشتارشان مانند هجوم‌های ماه‌های اخیر به کرانه باختری و به‌طور ویژه جنین می‌تواند فشاری سنگین در برابر کشورهای حاضر در روند عادی‌سازی ایجاد کند.



کار استقلال با اسپانسر قبلی بالا گرفت
**آبی‌ها برای ۲۰ میلیارد خود
 شکایت می‌کنند؟**

یحیی ملی پوشان امید تیمش را فراخواند
**امیری به قطر نمی‌رود
 جانشین سرلک فردا مشخص می‌شود**

بازدید مجدد وزیر ورزش از زمین آزادی
تکاپو برای جلوگیری از تکرار آبروریزی

شهرام هروی: تمام هم و غم ما این است روز مسابقه روز ما باشد
**امیدوارم عادت نتایج خوب
 در هانگژو تکرار شود**



مربی پرسپولیس برای نشان دادن مخالفتش در روز اول با هوپی را به تمرین راه نداد؟

پیام منفی یحیی به خرید درویش

سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال علیه لیگ برتر

لطف یا خیانت؟

این شرایط به سود فوتبال نیست



نیلوفر مژه‌هی خبرنگار

لیگ برتر باز هم به بهانه‌ای نپذیرفتی تعطیل شد تا انتظار یک رقابت فرسایشی در آخرین هفته‌های لیگ برتر را بکشیم. سازمان لیگ در آخرین اطلاعیه خود نوشته است: «نظر به دستور صادره از فدراسیون فوتبال و کمیته تیم‌های ملی با موضوع فشردگی و تداخل برنامه مسابقات نمایندگان کشوره‌مان و سایر تیم‌های دارای سهمیه در تیم ملی امید در لیگ قهرمانان آسیا و رقابت‌های هانگزو، به این وسیله اعلام می‌گردد کلیه مسابقات هفته ششم لیگ برتر که قرار بود در تاریخ ۲ و ۵ مهرماه برگزار شود، تا زمان حضور تیم ملی در رقابت‌های مورد نظر معلق می‌گردد. بدیهی است برنامه مسابقات متعاقبا اعلام خواهد شد.»

این یعنی تیم ملی بر لیگ ارجحیت دارد و این نقض اصول حرفه‌ای فوتبال است. احتمالا مسئولان فوتبال ایران نمی‌دانند که تیم ملی قدرتمند حاصل لیگی پویا است. وقتی سهیل مهدی در اظهاراتش در برنامه زنده تلویزیونی به‌وضوح می‌گوید خط قرمزشان تیم ملی است یعنی آب پاکی را روی دست همه باشگاه‌ها می‌ریزد. البته نمی‌توان به آنها خرده گرفت. وقتی سازمان لیگ که باید نهادی مستقل باشد، زیرمجموعه فدراسیون فوتبال است، طبیعی است که به جای حمایت از باشگاه‌های شاغل در لیگ، طرف تیم ملی را بگیرد و آن را در اولویت قرار دهد.

چرا لیگ ما پویا نیست؟

آیا می‌دانید پویا یعنی چه؟ پویا یعنی دارای استعداد ای توان دگرگونی در جهت برتری و پیشرفت. پس اگر می‌خواهیم لیگی پویا داشته باشیم با تعطیلات مکرر نمی‌توانیم. وقتی نتوانیم لیگی پویا برگزار کنیم پس در جهت پیشرفت حرکت نمی‌کنیم. آقای مهدی که از تیم ملی به‌عنوان خط قرمز سازمان لیگ نام می‌برد حتما می‌داند که تیم ملی موفق، در نتیجه لیگی پویا شکل می‌گیرد. بدون شک لیگی فرسایشی نمی‌تواند به تیم ملی کمک کند. اصل موفقیت در ورزش جهان و حتی فوتبال را بدینساز می‌زند که این مهم در راستای تعطیلات مکرر به ناپودی کشیده می‌شود.

به زاین نگاه کنید. لیگی معتبر و پویا ساخت که اتفاقا کشوری مثل عربستان از آنها الگوبرداری کرده است. آنها برای آن که بتوانند بازیکنان مطرح را برای حضور در لیگ‌شان راضی نگه دارند مجبور به رعایت اصول حرفه‌ای شدند و الگوبرداری کردند. وقتی همه بازی می‌کنند، لیگ ما به چه دلیل تعطیل شده؟ به خاطر اصرار کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال بدون صلاحدید باشگاه‌ها و به خاطر لیگ قهرمانان آسیا و تیم ملی امید! مگر دیگر تیم‌ها در لیگ‌های مختلف آسیایی مسابقات داخلی را تعطیل کردند یا مگر تیم ملی امید ندارند. النصر بعد از بازی با پرسپولیس، جمعه در لیگ عربستان با الاهلی بازی کرد و صدرنشین را شکست داد. آنها شنبه قبلش هم در لیگ بازی کرده بودند، یعنی در ۷ روز سه بار در لیگ و آسیا بازی کردند. مگر آنها تیم ملی ندارند؟ اتفاقا دارند و در این سال‌ها به خوبی هم تجهیز شده است. اصلا ما چرا باید بازیکنان بزرگسال مان را به تیم امید بدهیم. عربستان هم در

هانگزو تیم دارد، ولی لیگ این کشور به‌طور منظم برگزار می‌شود و با تیمی جوان در این مسابقات شرکت کرده. آنها قوانین عجیب‌وغریب ندارند و مانع برگزاری بازی‌ها نمی‌شوند، درحالی که لیگ ما به خاطر شرکت تیم ملی امید در رقابت‌هایی تعطیل است که حتی اگر صاحب مدال شود نیز برای فیفا و AFC اهمیت خاصی ندارد. برای فدراسیون، باشگاه‌ها و لیگ برتر هیچ اهمیتی ندارد، چون می‌توانست تیم جوانی به چین بفرستد تا لیگ بیشتر از این لطمه نخورد. اما انگار اصلا مهم نیست که لیگ برتر با سکنه چهل یا پنجاه روزه روبه‌رو بود. طبیعی است که چنین لیگ فرسایشی اجازه تزریق بازیکنان مطرح به فوتبال ایران را نمی‌دهد. درحالی‌که ما با داشتن یک لیگ پویا می‌توانیم بازیکنان خارجی را برای حضور در لیگ‌مان راضی کنیم.

طبیعی است سازمان لیگ وابسته به فدراسیون بگوید خط قرمزشان تیم ملی است؛ چراکه وقتی باشگاه‌هایی با زیرساخت ضعیف، منابع مالی محدود و منابع درآمدی نا کافی در اختیار دارند باید هم برای سرپوش گذشتن به ضعف هایشان تیم ملی را در اولویت قرار دهند تا نتیجه و بازدهی منفی هر ساله‌شان را به گردن یک چیز بینندازند. آنها باید ضعف خود در باشگاه‌داری به‌عنوان سازمان لیگ را به نوعی برای افکار عمومی و رجال سیاسی و حتی وزارت ورزش توجیه کنند. از این‌رو تیمی از دل لیگ را گلچین کرده و در اردوها و کمپ‌ها تمرین داده، بدنسازی می‌کنند و پریشان بازی تدارکاتی می‌گذارند که سرپوشی بر ضعف‌هایشان باشد. پس بهترین کار این است که برای سرپوش گذاشتن بر همه ضعف‌های فوتبال، تیم ملی را در اولویت قرار دهند و همه چیز را فدای تیم ملی کنند تا جوابی قانع‌کننده برای لیگ سطح پایین‌شان داشته باشند. درحالی‌که اگر لیگی پویا داشته باشیم هم به نفع تیم‌های ملی است و هم جذب اسپانسر راحت‌تر می‌شود و به درآمدزایی باشگاه‌ها کمک می‌کند. هر اسپانسری با هر سطح مالی و اجتماعی اگر بداند قرار است هر هفته برندش توسط یک تیم به معرض نمایش گذاشته شود و در تلویزیون پخش شود قطعا راغب به سرمایه‌گذاری خواهد شد اما وقتی نمی‌داند کدام مسابقه و چه زمانی قرار است برند او را تبلیغ کند و آیا اصلا آن مسابقه برگزار می‌شود یا نه، چرا باید اصلا در فوتبال سرمایه‌گذاری کند؟



نیم فصل عجیب ما

به گفته سهیل مهدی نیم فصل و زمان استراحت تیم‌های لیگ ایران قرار است همزمان با جام ملت‌های آسیا برگزار شود. جام ملت‌های آسیا ۱۲ دی ماه آغاز خواهد شد. البته اگر در این میان، کادرفنی تیم ملی برنامه‌ای برای برپایی اردوی داخلی تا پیش از جام ملت‌ها نداشته باشد. از این‌رو قطعاً لیگ بیست و سوم تا پیش از جام ملت‌های آسیا به نیم فصل نمی‌رسد. با این حال چند سالی است که سازمان لیگ به دلیل همین بی‌بازمگی‌ها، نیم فصل را در زمان‌های غیرواقعی برگزار می‌کند. شاید در ظاهر این مهم ایرادی نداشته باشد اما قطعاً یک کار غیر حرفه‌ای و غیراصولی است. نیم فصل زمانی است که تقریبا نیمی از مسابقات به پایان رسیده و قرار است تیم‌ها از وضعیت خود در تقابل با همه حریفان به ارزیابی برسند. قرار است عبار فنی خود را ارزیابی کرده و با توجه به آنالیزی که از تیم خود داشتند برای نیم فصل دوم برنامه ریزی کنند. جذب بازیکن، جذب مربی، تأمین زیرساخت و جبران کمبودها و امکانات، همه از فعالیت‌های مهم تیم فصل است که در نتیجه انجام مسابقات یک نیم فصل کامل قابل ارزیابی می‌شود. این‌را بایدگزارید در کنار دیگر فاکتورهای حیاتی نیم فصل. نیم فصل زمان مناسب برای هماهنگی بازیکنان جدید و قدیم است. زمان درست برای هماهنگی بازیکنان جدید با بازیکنان قدیمی که باید به صورت علمی در دو هفته صورت گیرد. حالاگر زمان استراحت یا همان نیم فصل به تاریخ دیگری موکل شود بازیکنان در کوران مسابقات به استراحت می‌روند. حالا فکر کنید وقتی که زمان نقل و انتقالات زمستانی با نیم فصل یکی نباشد چه اتفاقی رخ می‌دهد. شما با بازیکنانی که قرار است در نیم فصل از لیست خارج شوند به استراحت رفتید و فرصت دو هفته‌ای هماهنگی با بازیکنان جدید را هم ندادید چون قرار است یک ماه بعد که نقل و انتقالات زمستانی در میانه مسابقات شروع می‌شود بازیکن جدید بگیرند! در نتیجه با بازیکنانی که برنامه‌ای پریشان نداشتید به استراحت رفتید و با بازیکنی که قرار است جذب تیمت شود، فقط به دلیل برنامه‌ریزی غلط سازمان لیگ از چند هفته بعد وارد مسابقات می‌شوید.

آقایان قطعا می‌دانند نیم فصل برای تقویت تیم‌هاست و با این جابه‌جایی‌ها معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد. اما اگر این‌طور نبوده و هدف و برنامه‌ای پشت تعطیلات نیم فصل نیست چه لزومی به اجرای آن است. تیم‌های توانمند هر وقت خواستند استراحت کنند، هر زمان دوست داشتند بازیکن بگیرند و تیم خود را تقویت کنند چون برنامه‌ای برای هد فمند و پویا کردن لیگ وجود ندارد. حالا فکر کنید در این نیم فصل من درآوردی آقایان، تیم ملی هم بازی دارد و این بازیکنان در آن مقطع که قرار است به تعطیلات بروند به تیم ملی می‌روند و آنها که در لیگ هستند بدون هیچ هدفی در خانه می‌نشینند تا تعطیلات تمام شود.

کار سختی نیست، کافی است دلایل برگزاری مراحل مختلف لیگ یک را بدینانید. آن وقت است که به اهمیت نظم در لیگک پی می‌برید. این کاری که برای تیم ملی انجام می‌دهید و به فولی خط قرمزتان است، به واقع لطف نیست بلکه خیانت به تیم ملی است.

بازدید مجدد وزیر ورزش از زمین آزادی

تکاپو برای جلوگیری از تکرار مجدد

زمین ورزشگاه آزادی در جریان دیدار پرسپولیس برابر النصر در هفته نخست مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا اصلاح شرایط خوبی نداشت و همین موضوع سبب شد تا انتقادات زیادی از مسئولان ورزشگاه، شرکت توسعه و تجهیز وزارت ورزش انجام شود. در شرایطی که از مدت‌ها قبل مشخص بود که قرار است این ورزشگاه میزبان این تورنمنت مهم باشد اما در کمال تعجب اتفاقاتی در روز مسابقه رقم خورد که اصلا در شأن ورزش و فوتبال ما نیست. حالا پس از این بازی و در فاصله حدود یک هفته باقی مانده تا هفته دوم لیگ قهرمانان آسیا کیومرث هاشمی، وزیر ورزش دیروز برای چندمین بار از این زمین بازدید کرد. پایگاه خبری وزارت ورزش در این مورد نوشت: «در پی دستور ویژه وزیر ورزش و جوانان برای رسیدگی به وضعیت چمن ورزشگاه آزادی و اقدامات انجام شده در روزهای اخیر، کیومرث هاشمی پیش از ظهر یکشنبه از آخرین روند تیمی چمن استادیوم این مجموعه بازدید کرد و دستورات لازم را برای انجام هرچه سریع‌تر رسیدگی به آن تا پیش از دیدار نماینده ایران در هفته دوم لیگ قهرمانان صادر کرد.»

مربی پرسپولیس برای نشان دادن مخالفتش در روز اول با هوایی را به تمرین راه نداد؟

پیام منفی یحیی به خرید درویش

پرسپولیس در تابستان زمان زیادی را صرف جذب مهاجم خارجی کرد و در نهایت مدیریت این باشگاه بار د کردن گزینه‌های مختلف مدنظر کادرفنی به بهانه‌های مختلف از جمله مالی، تصمیم گرفت نبیل باهوویی را در روز آخر تکمیل لیست آسیایی‌اش جذب کند. اما با حضور باهوویی در ایران به یکباره از سویی باشگاه اعلام شد که این بازیکن دچار سرماخوردگی شده و باید استراحت کند. این استراحت روز گذشته به پایان رسید و باهوویی در باشگاه دیده شد. البته مسئولان این باشگاه مدعی هستند که قرارداد با این بازیکن از قبل امضا شده بود و او فقط برای گرفتن عکس به باشگاه آمد. باهوویی موقع خروج از باشگاه حاضر به گفت‌وگو با خبرنگاران نشد تا مشخص نشود که او واقعا بیمار بوده یا نه. دیروز یکی از مسئولان این باشگاه تماس گرفتیم تا از زمان حضور مهاجم سوادلی در تمرینات سرخپوشان باخبر شویم که این فرد مسئول گفت باهوویی باشگاه را به مقصد ورزشگاه شهید کاظمی ترک کرد تا اولین تمرینش را با تیم انجام دهد. با شروع تمرین سرخپوشان خبری از نبیل نشد. در همین راستا مدیر برنامه‌های این بازیکن در ایران به «فرهیختگان» گفت: «به خواسته سرمربی تیم و نظر باشگاه و همچنین خود ما قرار شد که نبیل یک روز دیگر هم استراحت کند و از فردا (امروز) در تمرینات حاضر شود از این جهت که بیماری او ویروس‌سی بوده و باید رعایت همه مسائل را کرد. اما از قرار معلوم یحیی گل محمدی همچنان تمایل ندارد خرید باشگاه را در تمرینات تیمش ببیند و اینکه او چه زمانی مجبور از نبیل صادر کند باید منتظر ماند.»

کار استقلال با اسپانسر قبلی بالا گرفت آبی‌ها برای ۲۰ میلیارد خود شکایت می‌کنند؟

تیم فوتبال استقلال درحالی طی روزهای گذشته از اسپانسر اصلی خود رونمایی کرد که این تیم چهار هفته ابتدایی رقابت‌های لیگ برتر را با یک اسپانسر فرعی سپری کرد. چون از ابتدا اطمینانی به شرکتی که ابتدای رقابت‌های لیگ حمایت مالی باشگاه استقلال را به عهده گرفته بود وجود نداشت آبی‌ها تصمیم گرفتند تا به صورت موقت و فقط برای چهار بازی ابتدایی فصل، کار را با این اسپانسر سپری کرده و سپس در مورد تداوم همکاری با آنها در ادامه تصمیم بگیرند. این اسپانسر که متعهد شده بود برای چهار بازی ابتدایی فصل ۲۰ میلیارد تومان به استقلال بپردازد و به همین منظور دو چک به مبلغ ۱۲٫۵ و هفت و نیم میلیارد به سر رسید تاریخ‌های بیستم و سی‌ام شهریورماه در وجه باشگاه استقلال صادر کرده، این درحالی است که با سپری شدن این دو تاریخ، حالا این شرکت وعده داده تا این دو چک در تاریخ هفتم مهرماه پاس شود. به نظر می‌رسد استقلالی‌ها خیلی امیدوی به وصول مطالبات خود ندارند با این حال با توجه به ضمانت‌های سفت و سختی که باشگاه استقلال از این شرکت به دست دارد، می‌تواند با کشتاندن کار به مراجع ذی صلاح به انداز ۲۰ میلیارد تومان از این شرکت خسارت دریافت کند.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی شبنم پورحمیدی فرزند رحیم به شناسنامه ۵۹۱۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی حقوق صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۱۹۹۳۷۵۹ مورخ ۱۳/۰۸/۹۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نمایید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب احمد جوادى فرزند علی به شماره شناسنامه ۰۳۱۱۹۶۶۵۲۸ صادره از کرج مقطع کاردانی رشته مهندسی کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۲۲۶۳۳۲۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شوداصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک دانسانمه محمد لک فرزند ولی الله دارای شناسنامه به شماره ۱۳ صادره اراک رشته کاردانی متالورژی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه-کیلومتر ۴ جاده نوزعلیبیک - شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب میثم شمس‌الدین فرزند آصفعلی به شماره شناسنامه ۰۵۸۳۰۰۱۵۲۶۹ صادره از رایبر در مقطع کاردانی رشته الکتروتکنیک صادره از واحد دانشگاهی آزاد جیرفت با شماره ۲۳۴۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت- میدان دانشگاه- دانشگاه آزاد جیرفت ارسال نمایید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب اکبر شاهرخی فرزند کرامت به شماره

شناسنامه ۳ صادره از جیرفت در مقطع کارشناسی رشته علوم قضایی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد جیرفت مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک (گواهی موقت و دانشنامه) را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت خیابان دانشجو دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی آرزو ملائکه فرزند جعفر به شناسنامه ۱۳۲۶ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی آموزش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۲۲۲۸ مورخ ۱۳/۰۷/۰۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی مهسا مریدزاده فرزند فتح‌الله به شماره شناسنامه ۹۹۷ صادره از ماهشهر در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی حقوق قضایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۱۱۴۶ مورخ ۱۳/۰۷/۱۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی عمید عباسی فرزند حمید به شناسنامه ۲۶۳۴۵ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مدیریت تربیت بدنی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۶۲۸۰ مورخ ۱۳/۰۷/۱۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

تربیت دوم

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در نظر دارد محل رستوران مجتمع دانشگاهی را از طریق مزایده عمومی با شرایط مشروحه زیر به شرکت‌ها یا اشخاص واجد صلاحیت واگذار نماید.

- محل دریافت اسناد مزایده، رودهن سه راهی مهرآباد مجتمع دانشگاهی ساختمان اداری، اداره حقوقی
- واریز مبلغ ۷۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۸۰۸۶۰۴۲۰۸۱۵۸ نزد بانک صادرات شعبه رودهن به نام دانشگاه بابت خرید اسناد مزایده
- مهلت تحویل اسناد ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی می‌باشد.
- ارائه ضمانتنامه معتبر شرکت در مزایده به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۲۵۰ ریال در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
- شرکت در مزایده به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار می‌باشد.
- دانشگاه در رد یا قبول هر یک از شرکت‌کنندگان یا تمامی آنها مختار است.
- کلیه پیشنهادهای مهم و مشروط و فاقد ضمانتنامه مردود خواهد بود.
- سایر شرایط در اسناد مزایده درج گردیده است. برای کسب اطلاع بیشتر با شماره ۰۹۱۹-۱۱۵۲۴۷-۰۶۳۲ و ۰۲۱۶۵۰۶۳۲ تماس حاصل نموده یا به سایت www.fiau.ac.ir مراجعه نمایید.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR

farhikhteganonline

امیری به قطر نمی‌رود، جانشین سرلک فردا مشخص می‌شود



حمیدرضا اسکندری خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس بعد از شکست تلخی که مقابل النصر در اولین گام خود در مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا داشت، تمرینات تیمش را به مدت دو روز تعطیل کرد و از روز شنبه برای مصاف با الدحیل استارت زد. این درحالی است که مهدی احمدی، محمد عمری و یاسین سلمانی سه ملی پوش امید پرسپولیس در چین به سر می‌برند، مهدی ترابی و وحید امیری هم به دلیل مصدومیت در تمرینات گروهی شرکت ندارند و نبیل باهویمی هم عصر روز گذشته مجوز حضور در تمرینات سرخپوشان را گرفت.

شاگردان یحیی گل محمدی قرار است فردا سه شنبه برای اینکه از فرم مسابقه خارج نشوند در یک بازی دوستانه به مصاف نساجی قائمشهر بروند. البته بازیکنان نبرده هیچ یک در این بازی پرسپولیس را همراهی نخواهند کرد. دیدار به میزبانی پرسپولیس و در ورزشگاه شهید کاظمی برگزار خواهد شد. در این میان نساجی ۱۱ مهرماه در ورزشگاه آزادی میزبان الهلال عربستان خواهد بود، با این تفاوت که این تیم اولین بازی خود را در همدان پیروزی پشت سر گذاشت.

بازی با النصر فراموش شد

بازی پرسپولیس و النصر از پرحاشیه‌ترین مسابقات چندسال اخیر سرخپوشان بود. از چند روز قبل از این بازی حواشی مربوط به آن آغاز شد و با ورود کریستیانو رونالدو و یارانش به ایران این حواشی به اوج خود رسید. جالب اینکه تا سه چهار روز بعد از این مسابقه همچنان شاهد حواشی زیادی بودیم، از جمله پیراهن امضا شده رونالدو که یکباره سر از باشگاه پرسپولیس درآورد و جنجال زیادی به پا کرد. اما در همین راستا یحیی گل محمدی بعد از استارت دوباره تیمش برای بازی با الدحیل از شاگردانش خواست تمام حواشی مربوط به بازی با النصر را فراموش کنند و فقط از اشتباهات فی خود در این بازی درس بگیرند. او همچنین به شاگردان خود یادآور شد که راه بسیار سختی را در ادامه مسیرشان در لیگ قهرمانان پیش رو دارند و برای صعود از گروه باید تلاش خود را دوباره کنند.

دو یا سه جلسه تمرین در قطر

بازی با الدحیل از هر نظر برای پرسپولیس حساس است. از آنجا که سرخپوشان بازی اول خود در لیگ قهرمانان را باخته‌اند برای جبران باید الدحیل را در قطر از پیش رو بردارند. از این رو گل محمدی خواسته تیمش سه روز قبل از بازی عازم دوحه شود و از امکانات خوب آنجا خود را برای آمادگی هر چه بهتر مقابل الدحیل استفاده کنند. این دیدار دو شنبه ۱۰ مهرماه برگزار خواهد شد و یحیی خواسته تیمش جمعه به دوحه برود تا بتواند دو سه جلسه‌ای را در آنجا تمرین کند. باشگاه پرسپولیس هنوز نتوانسته شرایط لازم را برای سفر تیمش در روز جمعه فراهم کند اما در تلاش است این اتفاق رخ دهد. پرسپولیس اگر نتواند جمعه به

قطر برود شنبه این اتفاق رخ خواهد داد. با نظر یحیی تمامی بازیکنان در این سفر تیم را همراهی خواهند کرد.

امیری نباید به قطر برود

یکی از اتفاقات بد بازی پرسپولیس و النصر تشدید مصدومیت وحید امیری از ناحیه همسترینگ بود. او که به خاطر درد در این ناحیه در دو بازی دوستانه ایران با بلغارستان و آنگولا به میدان نرفت با درد جزئی که داشت مقابل النصر از ابتدا در ترکیب اصلی قرار گرفت. اما فشار زیاد این مسابقه و کیفیت بد چمن ورزشگاه آزادی باعث شد مصدومیت وحید تشدید شود و حالا او احتمالاتاً پایان مهرماه نتواند برای پرسپولیس به میدان برود. امیری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تیمش تمایل دارد که پرسپولیس را در سفر به قطر همراهی کند و به نوعی بخشی از دوره درمانی اش را در دوحه پشت سر بگذارد که هنوز با خواسته او موافقت نشده است. در این مورد با خبر شدیم که کادر پزشکی سرخپوشان چندان موافق حضور امیری در قطر نیستند و اعتقاد دارند که او باید در تهران بماند و به فیزیوتراپی اش ادامه دهد تا وقتی در دوران درمانی اش ایجاد نشود.

ترابی در دوحه پا به توپ می‌شود

پرسپولیس در بازی با النصر، غیر از امیری دو بازیکن مصدوم دیگر هم داشت. مهدی ترابی در همان دقیقاً اولیه این مسابقه گرفتاری یکی از چاله‌های زمین چمن ورزشگاه آزادی شد و خیلی زود جای خود را به شهاب زاهدی داد. خوشبختانه رباط موج و دچار پارگی نشده و با رسیدگی به موقع شرایطش رو به بهبودی است. در مورد ترابی با خبر شدیم که اگر طی یکی، دو روز آینده پا به توپ نشود این اتفاق حتما در دوحه رخ خواهد داد. با این تفصیل ترابی مشکلی برای همراهی تیمش در بازی با الدحیل ندارد. همچنین دانیال اسماعیلی فر که در بازی با النصر از ناحیه همسترینگ آسیب دیده بود بعد از چند جلسه فیزیوتراپی از روز شنبه در تمرینات گروهی سرخپوشان حاضر شد.

بازگشت امیدهای پرسپولیس

تیم امید با پیروزی مقابل مغولستان توانست به عنوان تیم اول گروهش راهی مرحله بعد شود و روز چهارشنبه این هفته اولین بازی اش در مرحله حذفی را پشت سر خواهد گذاشت. شاگردان رضا عنایتی در صورت پیروزی در این مرحله یکشنبه هفته آینده و یک روز قبل از بازی پرسپولیس و الدحیل باید بازی یک چهارم نهایی احتمالی خود را انجام دهند. اما یحیی گل محمدی تأکید کرده که ملی پوشان امید تیمش بعد از بازی روز چهارشنبه این تیم فارغ از هر نتیجه‌ای که به دست می‌آید باید از چین راهی دوحه شوند. در واقع اگر تیم امید بازی مرحله یک هشتم خود را برده، سه ملی پوش امید پرسپولیس بعد از ریکاوری با ملی پوشان از چین مستقیم راهی دوحه خواهند شد تا بعد از استراحتی کوتاه خود را آماده بازی با الدحیل کنند. با توجه به مصدومیت وحید امیری، یحیی احتمالاً روی یاسین سلمانی

به عنوان بازیکن جانشین او حساب ویژه باز کرده است. ضمن اینکه عمری هم در بازی با النصر جز ۱۱ مرد ثابت تیمش بود. البته این احتمال وجود دارد که مهدی احمدی در اردوی تیم امید در چین بماند؛ چرا که او جزء نفرات ثابت پرسپولیس به حساب نمی‌آید و در صورت ماندن در چین در آنجا بیشتر شانس بازی دارد.

یحیی به دنبال جانشین برای سرلک

الدحیل بدون شک از نظر قدرت تیمی دست‌کمی از تیم النصر ندارد و در سال‌های اخیر همواره جزء بهترین تیم‌های لیگ ستارگان قطر بوده است. از این رو بازی پرسپولیس با الدحیل هم به اندازه بازی با النصر حساس و سخت است. در این میان میلاد سرلک با کارت قرمز که در بازی با النصر گرفت غیبتش در دوحه قطعی است و یحیی باید برای او یک جانشین مطمئن پیدا کند. سرلک نقش مهمی را در ترکیب سرخپوشان ایفا می‌کند و در واقع ارتباط اصلی بین خط دفاع و هافبک تیمش را او برعهده دارد. از این رو کار یحیی برای پیدا کردن بازیکنی با خصوصیات او در تیمش سخت است. مسعود ریگی یکی از هافبک‌های دفاعی سرخپوشان در بازی با الدحیل خواهد بود اما بازیکن کناری او از بین سینا اسدبیگی، سروش رفیعی و گئورگی گولسیانی انتخاب خواهد شد. سروش هافبکی متمایل به جلو است و اگر قرار باشد یحیی او را جای سرلک به میدان بفرستد به نوعی ریسک کرده است. اسدبیگی هم اگرچه خصوصیات دفاعی خوبی دارد اما تجربه بین المللی ندارد و ممکن است در دوحه تحت تأثیر جو بازی قرار بگیرد. در این میان گولسیانی در بازی‌های بزرگ همیشه نشان داده که مهره قابل اطمینان است اما او چندان تمایلی برای بازگشت به پست قدیمی خود هافبک دفاعی ندارد و باید دید که نظرش تغییر کرده است یا نه. احتمالاً در بازی دوستانه فردای پرسپولیس و نساجی مشخص خواهد شد که یحیی برای جانشینی سرلک کدام یکی از این نفرات را بیشتر مدنظر دارد.



شبه ۳ مهر ۱۴۰۲
۳۵
www.farhikhtegandaily.com
FARHIKHTEGANDAILY

شهرام هروری در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: تمام هم و غم ما این است روز مسابقه روز ما باشد

امیدوارم عادت نتایج خوب در هانگژو تکرار شود

تجربه حضور در بازی‌های آسیایی به نفرات ما کمک خواهد کرد



مهدی منصرف خبرنگار

و تنها مهدی خدا بخشی برای اولین بار در این رویداد شرکت خواهد کرد. آسیایی ملی پوشان به جو مسابقات چقدر از لحاظ روانی برای موفقیت به ما کمک خواهد کرد؟

بازی‌های آسیایی به دلیل اینکه کانون توجه مردم و مسئولان کشور است از شرایط خاص خود برخوردار است. ما با حضور در مسابقات جهانی و قهرمانی آسیا تا این حد در کانون توجه قرار نمی‌گیریم. اما بازی‌های المپیک و آسیایی شرایط خاصی دارد و همه روی آن توجه ویژه دارند. روز مسابقه شما وقتی از دهکده مسابقات خارج شوید همه می‌پرسند چه اتفاقی خواهد افتاد و نتیجه چه خواهد شد و در بازگشت نیز همه منتظر نتیجه هستند. کل کشور درگیر بازی‌های اخبار بازی‌های آسیایی و المپیک می‌شوند. بازیکنانی که این تجربه را داشته باشند راحت‌تر با شرایط کنار خواهند آمد. اما بازیکنانی داشتیم که در اولین حضور نیز موفق بودند. مسلماً تجربه حضور در بازی‌های آسیایی به مهدی زاده، عسگری و گنج‌زاده کمک خواهد کرد، اما مهدی خدا بخشی نیز بازیکنی تجربه‌ای نیست و از سال ۹۴ در تیم ملی حضور دارد و ان شاء الله او نیز اعزام خواهد شد تا بهترین مدال را کسب کند.

مدال‌های طلای کاراته در دوره‌های اخیر تأثیر بسیار زیادی در بهبود جایگاه کاروان کشورمان داشته است. این توقعات آیا آکارا برای شما سخت نمی‌کند؟

توقع وقتی ایجاد می‌شود این خوشحالی را دارد که توانایی شما مورد حساب قرار گرفته است. وقتی از شما توقع دارند یعنی توانایی شما را قبول دارند. باعث خوشحالی است که از کاراته ایران توقع وجود دارد و کاراته نیز همیشه در بازی‌های آسیایی یکی از رشته‌های پرطرفدار است. البته در کنار توقع باید توجه باشد و این دو مکمل هم هستند. این دوره که گذشت، اما امیدوارم در دوره‌های آینده اتفاقات خوبی بیفتد و تیم کاراته از همه نظر با بهترین شرایط در مسابقات شرکت کند. در حال حاضر همه چیز گذشته است و فقط فکر و دکم نتیجه خوب است و امیدوارم عادت نتایج خوب توسط کاراته نیز این بار تکرار شود.

در دوره گذشته تیم ملی با هدایت شما از چهار فرصت مدال آوری موفق به کسب دو مدال طلا، یک نقره و یک برنز شد و این در حالی است که اگر نشاد اوری صورت نگرفته بود توانایی خوش رنگ شدن مدال مهدی زاده و پورشیب نیز وجود داشت. چقدر امیدوار هستید نتایج دوره گذشته تکرار شود؟

مسلماً به تکرار نتایج دوره گذشته امیدوار هستیم و می‌خواهیم با توجه به پتانسیل و ویژگی تیم پر قدرت ظاهر شویم. طلا در بازی‌های آسیایی رنگ و بوی دیگری دارد و بیشتر جلوه می‌کند. امیدوارم بتوانیم چهار مدال کسب کنیم و بیشتر آن نیز مدال طلا باشد.

ناداوری همواره یکی از مشکلات و دغدغه‌های کاراته ما بوده است و در برخی موارد برای توزیع مدال بین برخی کشورها حق ورزشکاران ما خورده شده است. در این خصوص تمهیداتی اندیشیده‌اید؟

بازی‌های آسیایی هانگژو

شیرینی مدال تنیس روی میز پس از ۶۵ سال

تیم ملی تنیس روی میز ایران، در مرحله یک چهارم نهایی رقابت‌های بازی‌های آسیایی هانگژو عصر دیروز به مصاف ژاپن، تیم دوم نیکینگ جهانی رفت و مقابل حریف قدرتمند خود ۳ بر صفر پیروز شد. نوشاد عالمیان، نیما عالمیان و امیرحسین هدایی در این رقابت موفق شدند با نتایج مشابه ۲ بر ۳ حریفان ژاپنی خود را شکست دهند و تاریخ‌سازي کنند. ایران با این برد، مدال برنز خود را قطعی کرد. تیم ملی ایران آخرین بار در بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ موفق به کسب مدال شده بود و حالا پس از ۶۵ سال باز هم روی سکوی این بازی‌ها قرار خواهد گرفت. تیم ملی امروز در مرحله نیمه نهایی به مصاف کره جنوبی می‌رود.

بانوان؛ نخستین مدال آوران کاروان ایران

در نخستین روز از بازی‌های آسیایی هانگژو، فینال ۸ روبینگ دونفره سنگین وزن زنان برگزار شد و نمایندگان ایران مدال نقره گرفتند. قایق ایران با ترکیب مهسا جاوید و زینب نوروزی، زمان ۷ دقیقه و ۱۷ ثانیه و ۸ صدم ثانیه را ثبت کرد و دوم شد و به مدال نقره رسید. قایق چین اول شد و مدال طلا گرفت. قایقرانی توانست اولین مدال ایران در بازی‌های آسیایی هانگژو را بگیرد و ایران در حال حاضر صاحب یک نقره شده است.

سیفی به دنبال چهارمین طلای بازی‌های آسیایی

در ادامه رقابت‌های مرحله یک هشتم نهایی ساندای بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ هانگژو، محسن محمدسیفی پراخترازمین و یوشوکارا ایران در بازی‌های آسیایی، موفق شد در یک مسابقه پرحاشیه برابر حریف کره‌ای به پیروزی رسیده و راهی دور بعد شود. محسن محمدسیفی، سانداکاروزن ۷۰ کیلوگرم تیم ملی ایران که سه طلای بازی‌های آسیایی را در کارنامه دارد، در نخستین مبارزه خود به مصاف «سانگ گیچئون» از کره جنوبی رفت و مقتدرانه به پیروزی ۲ بر صفر دست یافت. در این دیدار پس از اینکه محسن محمدسیفی راند نخست این مبارزه را برد، کره‌ای‌ها تقاضای اعتراض کردند که در اقدامی عجیب این بازیکنی دقیقاً زیادی طول کشید. نهایتاً پس از نزدیک به ۱۰ دقیقه، هیات ژوری رای به پیروزی نماینده پرافتخار ایران در راند نخست این مبارزه داد تا محمدسیفی پس از برد در راند دوم نیز راهی مرحله یک چهارم نهایی وزن خود شود. پیش از محمدسیفی نیز شجاع پناهی در وزن ۶۰ کیلوگرم مردان و الهه منصوریان در وزن ۵۲ کیلوگرم زنان، برابر رقیبای خود به پیروزی دست یافته بودند.

شاگردان عنایتی صدرنشین شدند

تیم ملی فوتبال امید ایران که صعودش به مرحله یک هشتم نهایی بازی‌های آسیایی هانگژو چین را منسجم کرده بود، دیروز در آخرین دیدار مرحله گروهی خود به مصاف امید مغولستان رفت و با نتیجه ۳ بر صفر به برتری دست یافت. مهدی ممسی‌زاده (یک)، محمد عمری (۴+۱) و آریا برزگر (۵۷) برای ایران گلزنی کردند. تیم ایران با هفت امتیاز و به دلیل تفاضل گل بهتر نسبت به عربستان به عنوان صدرنشین گروه B راهی مرحله بعد شد. شاگردان عنایتی روز چهارشنبه در یک هشتم نهایی رودرویی تایلند قرار می‌گیرند. یکی از اتفاقات بازی، مصدومیت سامان فلاح مدافع ایران بود که به دلیل تکل خشن خولیاتار، هافبک مغولستان به شدت مصدوم شد به گونه‌ای که قادر به ارائه بازی نبود و تعویض شد. داوور مسابقه نیز بازیکن مغولستان را با کارت قرمز جریمه کرد. شاگردان عنایتی در اولین بازی گروه B مقابل عربستان به تساوی بدون گل دست یافته و سپس ویتنام را با چهار گل شکست داده بودند.

دفاع از «دفاع مقدس»

محمد مهدی زرافشان

مناسبت‌های تقویمی تلنگری است برای توجه به یک موضوع و جلوگیری از فراموشی در روزمرگی. اما باید دانست که این مناسبت‌ها فصل برداشت اقدامات این حوزه در طول سال است وگرنه برای مسئولان و مجریان، در این تقویم پرنماسبت، تبدیل به قالبی بدون محتوا، تکراری ملال‌آور و پوستر و بنری تکراری می‌شود (و ای بسا که در مواردی شده باشد).

این روزها به صورت اتفاقی مشغول تماشای یک مینی‌سریال با داستان گروهی از سربازان آمریکایی در جنگ جهانی دوم هستم. روایت و جلوه‌های ویژه آنچنان جذاب و واقعی است که تماشا‌های هر قسمت آن نفس‌گیر است و مخاطب جهانی، چون نگارنده، که هیچ همزمانی، پیش‌زمینه ذهنی و قرابت جغرافیایی و فرهنگی با این نبرد ندارد، با آن همدات‌پنداری می‌کند و برخی صحنه‌های آن در ذهن باقی می‌ماند. چه جالب که این اثر اقتباسی از یک کتاب با همین موضوع است که ۵۰ سال پس از رخداد نوشته شده و ۱۰ سال بعد تبدیل به سریال شده است. مکتوب کردن وقایع و تبدیل تاریخ شفاهی به کتاب، این میراث را برای آیندگان حفظ خواهد کرد تا علاوه بر مباحثات تاریخی، بتوانند آن را در ظرف‌های هنری روز بازآفرینی کنند.

باز هم در همین ایام تلویزیون (برای بار نمی‌دانم چندم) فیلم سینمایی «حمله به اج-۳» را از آرشیو خارج کرده و پخش می‌کند. با وجود خستگی آن را تماشا می‌کنم. کنجکاو شده‌ام که در مورد این عملیات نظامی حیرت‌آور چه محصولات فرهنگی-هنری‌ای تولید شده است؟ نتیجه غم‌انگیز است؛ این فیلم، که آن هم به پیشنهاد شهید منصور سناری، فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش، ساخته شده و یک کتاب! وقتی تولیدات در یک موضوع به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد، انتظار قالب‌های دیگر را گروه‌های سنی هدف متنوع سخنی گزاف است. با خودم فیلم‌ها و سریال‌هایی که در این سال‌ها دیدن آن به یک جریان و نقل‌مجالس تبدیل شده را مرور می‌کنم. تبلیغات رسانه‌ای محصول و وضعی که دچار آن هستیم موجب شده آثار بعضا موفق هم به دلیل این نقیصه به گوش و چشم مخاطب نیاید و به دست او نرسد. به گمان عده‌ای شاید جنگ با شلیک آخرین گلوله پایان می‌یابد، اما آیا دشمنی که با خرج بودجه‌های هنگفت و گرفتن جان سربازان خود و نیروها و مردم کشور دیگر، این بازی خطرناک (و البته پرخطرانه) را آغاز کرده، در آرامش آتش‌پس دست روی دست می‌گذارد و بی‌کار می‌نشیند؟ تلاش هر یک از طرفین درگیری در روایت متن و حاشیه، درک و دریافت معاصران و آیندگان از آن مقطع تاریخی را شکل خواهد داد. قضاوت ما از جنگ‌های سرزمین مان و عهدنامه‌ها مگر چیزی جز این است؟

حال ما چه کرده‌ایم برای آنچه آن را «دفاع مقدس» می‌نامیم؟ حدود ۲۹۰۰ زورنبرد برای کشوری که تازه یک «انقلاب» را پشت سر گذاشته است، تعداد شهدا، جانبازان، اسرا، مفقودان و خانواده‌های چشم‌به‌راه، کم‌قصد برای روایت دارد؛ در دو سال گذشته با همکاران در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به دیدن ۱۶ خانواده ایثارگر در جای جای ایران عزیز رفته‌ایم؛ از مسیحی و ارمنی گرفته تا دانش‌آموز و فرمانده. آن قدر این اعتقاد و روحیه گیراست که برای دقایقی عطری از آن دوران را به مشام شش‌نونده می‌رساند. تازه آنها شهیدانی بودند که کتابی از زندگی و خاطرات‌شان به چاپ رسیده است. سایر روایت‌های شنیده و ثبت نشده و در معرض فراموشی چه حرف‌هایی برای امروز و فردا دارد؟ این سفره آنقدر متنوع و متنشر است که برای هر سلیقه و ذائقه‌ای خوراک خود را دارد. به نظر می‌رسد باید حرف زدن از این رخداد را، هرچند دیر، آغاز کرد. از پرسش‌های ساده‌ای چون اینکه چرا ما شروع جنگ تحمیلی، و نه پایان جنگ یا آتش‌پس را برای گرامیداشت «دفاع مقدس» انتخاب کرده‌ایم تا سوالات جدی‌تر، هرچند که زبان نسل جدید و نوجوانان تغییر کرده و ما نیز تلاشی برای حفظ خط‌گفت‌وگو نکرده‌ایم و البته‌ایات سیاسی-اجتماعی چند سال اخیر سخن گفتن از بعضی موضوعات را دشوارتر کرده اما باید بدون لکت‌ن گفت و نوشت که دفاع عاقلانه و هنرمندانه از دفاع مقدس خود می‌تواند مقدس باشد.



چرا داشتن سوبه‌های انتقادی دیوارنگاره‌ها باید تحمل شود؟

نقد درون‌گفتمانی روی بیلبورد



گرفته‌شود، اما می‌توان با روش‌های موثر، با آن دسته از مراکز مالی که برای مردم مشکل به‌وجود می‌آورند، برخورد کرد.» تقریبا پنج‌سال از این صحبت‌ها گذشته و اتفاقی از سوی دولت‌ها برای عملی کردن آن اتفاق نیفتاده است. حرفی که در سال ۱۳۹۷، رهبر انقلاب گفتند و تقریبا هیچ‌کسی به این حرف توجه نکرد. این بیلبورد بعد از چند روز پایین کشیده شد. دلیل آن هم گفته‌نشد و فقط از فشار بیرونی برای برداشتن بیلبورد گفتند. در گزارش امروز به این بیلبورد و حواشی آن پرداختیم و از این گفتیم که اگر تاب این انتقاده‌ها در بین مسئولان نباشد چطور می‌توان مشکلات را حل کرد. اثر هنری وقتی در فضای اجتماعی قرار می‌گیرد، زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که انتقادی باشد و تکرار کند تا بتوان کاری انجام داد.



مشکلاتی نظیر مسائل سپرده‌گذاران برخی بانک‌ها و موسسات مالی شود. نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب می‌شود بانک‌ها به این وضع نرسند. وقتی هم که به این وضع رسیدند بالاخره باید برخورد کرد. چرا بانک‌ها مشکل نقدینگی پیدا می‌کنند برای اینکه شعبه زیاد می‌کنند. برای اینکه آسایشگاه برای افراد خودشان می‌سازند. بنده یک وقتی در تهران از جایی عبور می‌کردم، دویاری طولانی بود که هرچی می‌رفتم ادامه داشت؛ پرسیدم این تشکیلات عظیم برای چیست؟ گفتند مال فلان بانک است، بانک غلط می‌کند که چنین کاری کند. حالا اینکه تشکیلاتی است که لابد برای تفریح و این حرف‌هاست. بانک‌ها بنگاهداری می‌کنند. جلوی بنگاهداری بانک‌ها را بگیرید. بانک برای بنگاه‌داری نیست. البته باید از اول جلوی مشکلات



عاطفه غفاری خبرنگار گروه فرهنگ

۲۷ شهریورماه بیلبورد خیابان ولیعصر (عج) تغییر کرد؛ بیلبوردی جدید که این بار سراغ بانک‌ها رفته بود و از نقش بنگاهداری‌شان گفته بود. این دیوارنگاره برگرفته ازجمله مقام‌معظم‌رهبری در دیدار با اعضای هیات دولت در شهریور۹۷ است. در این دیدار، رهبری با انتقاد از «مدیریت و کنترل قوی بانک مرکزی بر دیگر بانک‌ها»، در رابطه با مدیریت اقتصادی کشور توصیه می‌کنند. ایشان با انتقاد از ادامه بنگاهداری بانک‌ها و کارهای هزینه‌آور دیگر نظیر افزایش شعبه‌های بانکی گفتند: «بانک مرکزی باید با نظارت کامل و دقیق مانع بروز

دیوارنگاره؛ ابزاری برای انتقاد

دیوارنگاره‌هایی از آنکه تصویری برای زیباسازی یک‌شهر باشند، کارکرد ویژه‌ای برای انتقال پیام، فکر و اندیشه هستند. برخی دیوارنگاری‌ها ساده‌اند و با چند ساده شکل گرفته‌اند، برخی دیگر هم در حد روایتی و نقاشی‌های حرفه‌ای پیش‌رفته‌اند که دیوارنگاری‌های میدان ولیعصر (عج) تهران جزء همین دسته است. البته جالب است بدانید دیوارنگاری در جهان عمر طولانی دارد و در دوران یونان باستان، امپراتوری روم و ایران چنین نمونه‌هایی داشته‌اند؛ نمونه‌هایی که امروزه با نام دیوارنگاره درده هنر مدرن طبقه‌بندی و به‌عنوان هنر عمومی از آنها یاد می‌شوند. این دیوارنگاره‌ها تصور رایجی را که می‌گفت آثار هنری تنها در گالری‌های موزه‌ای قرار می‌یابند، شکسته‌اند و نشان می‌دهند که می‌توان روی دیوارهای شهر هم آثار هنری را خلق کرد و از طریق آنها با مخاطب سخن گفت.

حالا چندسالی است به میدان ولیعصر (عج) تهران که بررسی قبل از هر چیز دیوارنگاره بزرگی گوشه میدان نظرت را جلب می‌کند؛ دیوارنگاره‌هایی که از سوی خانه طراحان انقلاب اسلامی به یکی از میادین اصلی پایتخت می‌آید و هرچند حاشیه و انتقاد هم کم‌نداشته‌اند اما می‌توان آنها را از بهترین و اثرگذارترین دیوارنگاری‌های این سال‌ها دانست. در دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر (عج) می‌توان این انتقال پیام به مخاطب را به خوبی مشاهده کرد؛ طرح‌هایی که بنابر اتفاقات روز سوزه‌هایشان دقیق انتخاب می‌شود و به همین علت هم به مسائل سیاسی و اجتماعی روز که بخش عمده‌ای از جامعه درگیر آن هستند، می‌پردازد. موضوعاتی که البته دایره محدودی هم ندارد و از حضور تیم ملی فوتبال در جام جهانی و دیگر ورزش‌ها در المپیک را دوربری‌گیرد تا موضوع اجتماعی کم‌به‌هم‌توان و مسائل سیاسی مهم، هرچند گاهی برخی دیوارنگاره‌ها با حاشیه‌هایی هم روبه‌رو شده بود. این دیوارنگاره حاشیه‌کم‌نداشته است. از تصویر زنان که سال گذشته بر این دیوارنگاره نقش بست تا تصویر جام جهانی و حالا هم این بیلبورد که کمتر از یک هفته به پایین کشیده شد و نتوانستند این انتقاد را بپذیرند.

کمی‌از این بیلبورد و چگونگی شکل‌گیری آن بگویم؛ بیلبوردی که با عنوان «بانک ملاک» نام‌گذاری شده بود و طراحی آن توسط محسن کربلایی‌زاده انجام شده و علی‌خلیج هم طراح نوشتار آن است. از حدود دوماه پیش که این طرح آماده می‌شود، به‌گفته مسئولان سازمان اوج منتظر فرصتی برای رونمایی بودند تا این موضوع اجتماعی را هم برای مردم و کسانی که این بیلبورد را می‌بینند جابیندازند. اما هستند کسانی که نمی‌توانند انتقاد را تاب بیاورند و نتیجه این می‌شود که بیلبورد برداشته می‌شود بدون اینکه توضیحی داده شود.

علی‌باپردی، مسئول آتلیه گرافیک خانه طراحان انقلاب اسلامی وابسته به سازمان فرهنگی رسانه‌ای اوج در گفت‌وگویی که هفته گذشته با ایسنا داشته است، توضیحاتی را در مورد این بیلبورد ارائه کرد و درباره چگونگی شکل‌گیری ایده دیوارنگاره بانک ملاک گفت: «از دوماه پیش تصمیم بر آن شد که در زمینه مسکن، دیوارنگاره‌ای طراحی و روی دیوار میدان ولیعصر (عج) نصب شود، چون به‌هرحال موضوع مسکن، دغدغه بسیاری از مردم است و گرانی که در زمینه مسکن به‌وجود آمده اتفاقی است که اقساار گوناگون جامعه را با خود درگیر

حاشیه‌ها برای بیلبورد اخیر

دقیقا همان روزی که این بیلبورد نصب شد، خیلی‌ها به لوگوی بانک‌ها اعتراض کردند که چرا لوگو گذاشته شده است؟ در حالی‌که همان‌طور که باپردی گفته بود؛ انتخاب لوگوی بانک‌ها به‌طور مستقیم امکان‌پذیر نبود. چون بانک‌ها ثبت شده هستند و از نظر حقوقی طرح با مشکل مواجه می‌شد. لذا به صورت کنایه لوگوها را تغییر داده اما تغییرات به صورتی است که مخاطب متوجه خواهد شد منظور چه بانک‌هایی هستند. بانک‌های زیادی بودند؛ اما از یک طرف بیشتر تلاش بر آن بوده تا هم از لوگوهای نزدیک به بانک‌های دولتی و خصوصی استفاده شود و هم از طرف دیگر لوگوهایی بیشتر مدنظر بود که باعث آسیب به طرح گرافیکی نشود.

کرده است، بنابراین تصمیم گرفتیم تا در این حوزه طرحی آماده شود.» وی ادامه داد: «برای تولید طرح مورد نظر جلسه‌ای تشکیل داده شد. در این جلسه از تیم‌های مختلف رسانه‌ای و محتوایی دعوت به عمل آمد تا با یک فکر جمعی، نتیجه‌گیری نهایی اتفاق بیفتند. نتیجه‌گیری این جلسه این بود که یکی از رویکردهای پر بحث مسکن، موضوع بنگاهداری بانک‌هاست؛ موضوعی که مقام‌معظم‌رهبری نیز سال ۱۳۹۷ به آن اشاره کردند و تاکید داشتند بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند و این کار اشتباه است.»

باپردی گفت: «درست است که تمام معضلات بخش مسکن تماما به بانک‌ها برنمی‌گردد اما مقصر بخش عظیمی از گرانی مسکن بانک‌ها هستند. از این رو بحث بنگاه‌داری که مقام‌معظم‌رهبری هم به آن اشاره کردند، باعث شد اعداد و ارقام زیادی در این زمینه بازشرد داده شوند، به‌عنوان مثال صحبتی یوسفی، عضو کمیسیون عمران مجلس چندین پیش اعلام کرده بود سه بانک مسکن، ملت و ملی درحال حاضر بیش از ۳۰ هزار خانه خالی دارند؛ اتفاقی که خود به‌تنهایی هم باعث رکورد بازار مسکن شده و هم به گرانی آن دامن می‌زند.» مسئول آتلیه گرافیک خانه طراحان انقلاب اسلامی ادامه داد: «بنگاهداری بانک‌ها موضوعی بود که درنهایت تصمیم گرفته شد روی آن مانور داده شود، البته موضوعات دیگر به‌جز ورود بانک‌ها به بازار مسکن وجود دارد که احتمال دارد در آینده روی آنها کار شود. اما نخستین رویکرد بانک‌ها انتخاب شدند و در گام نخست صحبت مقام‌معظم‌رهبری درباره بنگاه‌داری بانک‌ها که گفتند: «بانک‌ها غلط می‌کنند یا پول مردم بنگاهداری کنند.» به‌عنوان شعار دیوارنگاره انتخاب شد و سپس ایده پردازی درباره طرح مورد نظر صورت گرفت.»

او درباره ایده‌هایی که به صورت طرح‌های گرافیکی ارائه شده‌اند تا به طرح نهایی و اصلی رسید گفت: «تقریبا پنج طرح در همین زمینه کار شد که محتوای یکسان با ایده‌های گرافیکی مختلف داشت. به‌عنوان مثال طرحی کار شد که یک شهر را نشان می‌داد پر از ساختمان‌های بزرگ و روی همه ساختمان‌ها، لوگوی بانک‌ها قرار گرفته شده بود. در طرح دیگر، شهری طراحی شده که خانه‌های آن به گاو‌صندل‌های بزرگ تبدیل و لوگوی بانک‌ها روی آنها طراحی شده. دو طرح دیگر نیز به شکلی طراحی شده بود که باجه بانک بود و پول‌های مردم به‌خانه تبدیل شده و در جیب بانک‌ها رفته بود. اما درنهایت بهترین طرحی که مفهوم مورد نظر را در ساده‌ترین شکل ممکن به مخاطب می‌رساند همین طرحی بود که در حال حاضر روی دیوار میدان ولیعصر (عج) شاهد آن هستیم.»

باپردی در توضیح طرح نهایی گفت: «طرح نهایی پیاده شده روی دیوار میدان ولیعصر (عج) یک بانک است که روی آن مانند مغازه‌های مشاور املاک، چراغ‌های نئون کار شده که خرید، فروش، رهن و اجاره انجام می‌دهد. در نگاه نخست با توجه به موضوع تبلیغات شهری، مردم در هنگام گذر از این میدان ولیعصر (عج) فرصت آنچنانی ندارند و شاید نهایت ۱۰ ثانیه وقت داشته باشند تا این دیوارنگاره را ببینند. در نتیجه لازم بود در نگاه نخست و در سریع‌ترین زمان ممکن پیام را به مخاطب برساند که فکر می‌کنم این طرح توانسته باشد این سرعت

عمل در درک پیام را به‌وجود آورد.» مسئول آتلیه گرافیک خانه طراحان انقلاب اسلامی درباره طرحی لوگوهای گرفته‌شده روی طرح به‌اجرا درآمد دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) گفت: «انتخاب لوگوی بانک‌ها به‌طور مستقیم امکان‌پذیر نبود. چون بانک‌ها ثبت شده هستند و از نظر حقوقی طرح با مشکل مواجه می‌شد. لذا به صورت کنایه لوگوها تغییر کرده، اما تغییرات به صورتی است که مخاطب متوجه خواهد شد منظور چه بانک‌هایی هستند. بانک‌های زیادی بودند؛ اما از یک طرف، بیشتر تلاش بر آن بوده تا هم از لوگوهای نزدیک به بانک‌های دولتی و خصوصی استفاده شود و هم از طرف دیگر لوگوهایی بیشتر مدنظر بود که باعث آسیب به طرح گرافیکی نشود.»

باپردی در پاسخ به اینکه واکنش‌ها بعد از رونمایی از طرح «بانک ملاک» چگونه بوده است، گفت: «واکنش‌ها در فضای مجازی مثبت بود. جالب بود که برخی تاکید داشتند اولین بار است دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) به‌موضوعات غیرمناسبتی پرداخته‌الته. این‌طور نیست و اولین بار نیست که به دغدغه مردم توجه شده باشد اما به این صورت که کنایه‌ای، صریح و دقیق باشد معدود بوده. با این حال واکنش‌ها از این‌رو مثبت بود که می‌گفتند یک دغدغه مهم مردم روی دیوارنگاره به نمایش درآمده و رویکرد خوبی هم انتخاب شده. چون به نظر می‌رسد همه دل‌شان از بانک‌ها خون‌باشد. ضمن اینکه چه‌اصحاب رسانه‌ها چه اصحاب هنر اظهار خرسندی می‌کردند که بعد از مدت‌ها دیوارنگاره‌ای با رویکرد درست را شاهد بوده‌اند.» به‌گفته باپردی دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) بزندی است که در میان مردم جا افتاده تبدیل به یک رسانه شده. او در این زمینه افزود: «رسالت این دیوارنگاره بر آن است تا کارهایی روی آن به اجرا درآید که مناسبتی باشد. به‌عنوان مثال در ایام نوروز یا ایام محرم دیوارنگاره باید به این موضوعات مهم ملی و مذهبی پردازد. رویکرد دیوارنگاره بر این است که به این مناسبت‌ها ضربه رسانه‌ای بدهد. لذا به دلیل وجود مناسبت‌های ملی و مذهبی در شش ماه نخست سال، فرصت نشد به موضوعات غیرمناسبتی پرداخته شود و در اولین فرصت پیش‌آمده این اتفاق افتاد و به‌موضوع مهم اقتصادی که دغدغه این روزهای اکثر مردم کشور است، پرداخته شد. موضوعات اینچنینی در دستور کار وجود دارد که در ادامه و تا پایان سال در فرصت‌های مختلف به این موضوعات و موضوعات مرتبط با شعار سال پرداخته خواهد شد.»

آتلیه گرافیک خانه طراحان انقلاب اسلامی با بیان اینکه تغییر رویکرد دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) درست و موفق است، گفت: «در برهه‌های مختلف طرح‌های غیرمناسبتی مورد استفاده دیوارنگاه میدان ولیعصر (عج) قرار گرفته. این تغییر رویکرد نیز امسال به شکل جدی‌تری پیگیری می‌شود و همچنین جشن گرافیکی کارها به سمت فضایی جدید خواهد رفت. امیدواریم این روند ادامه داده‌شده باشد و اتفاقات بهتری رقم بخورد.

سال گذشته در مورد بیلبورد‌ها و تاثیرگذاری‌شان صحبت کردیم. از این گفتیم که این اثر هنری زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که انتقاد داشته باشد، آن هم انتقادی درست و بجا. کاری که در طرح اخیر اوج انجام گرفت، اما تاب تحملش وجود نداشت.»

برداشته شد. مهرداد معظمی، مدیر روابط عمومی سازمان اوج در توییت خود با انتشار عکسی از دیوارنگاره میدان ولیعصر که پایین کشیده شده است، نوشت: «این نیز بگذرد.» اما اعتراض به برداشتن این بیلبورد در فضای مجازی بسیار بود و یکی از کاربران با انتشار عکسی از این دیوارنگاره نوشت: «بانک‌ها غلط می‌کنند، با نانک از روی دیوارنگاره زد شوند!» کاربر دیگری نوشت: «وقتی مار توی آستین پروش میدی، زور شهرداری تهران به بانک‌ها نرسید و دیوارنگاره میدان ولیعصر که درباره بنگاهداری بانک‌ها بود، جمع‌آوری شد.» کاربر دیگری در فضای توییت نوشت: «وقتی لابی پرفساد بانک‌ها، دیوارنگاره میدان ولیعصر با صحبت‌های رهبری را پایین می‌آورد.»

سعودی می تواند پروژه تبلیغاتی فوتبال را تکرار کند؟

رونالدوزاسیون در سینما جواب نمی دهد



مهرداد جلیلی زاده خبرنگار گروه فرهنگ

بعضی از کشورهای دنیا را به دلیل قوانین بسیار ویژه‌ای که دارند، به عنوان سرزمین عجایب می‌شناسیم. معروفترین نمونه در این زمینه شاید کره شمالی باشد که خصوصاً پس از تک‌قطبی شدن دنیا دچار یک انزوا ناخواسته بین‌المللی شد. انزوایی که عموماً از طرف رسانه‌های جریان اصلی، خودخواسته معرفی می‌شود. اما اگر دقت کنیم کشورهای پرشمار دیگری هم هستند که به لحاظ اجتماعی و حقوقی شاید حتی از کره شمالی عجیب‌تر باشند و هیچ‌گاه چنین در کانون توجهات قرار نمی‌گیرند؛ به این دلیل که جایگاه سیاسی آنها در نظم بین‌الملل، با کشورهای دیگر که صاحب رسانه‌های جریان اصلی هستند، تضاد و تناهی ندارد. یکی از این کشورها عربستان سعودی است؛ کشوری که سالانه بالغ بر چند میلیون توریست مذهبی دارد و هرکدام از آنها لاف‌لانندی از وضع عجیب این کشور باخبر

می‌شوند. اما حتی چند میلیون مشاهده‌گر مستقیم و بی‌واسطه هم نمی‌توانند تأثیری هم‌پای رسانه‌های جریان اصلی داشته باشند. قوانین عربستان بسیار عجیب هستند. از قطع دست درزان که گاهی همان بار اول دزدی اتفاق می‌افتد و از زیر بازو انجام می‌شود تا گردن زدن‌های قساوت‌مندانه‌ای که به دلایل کاملاً واهی انجام می‌پذیرند. مثلاً سال ۱۳۳۲ وقتی یک تازه‌آمد ایرانی به نام ابوطالب یزدی حین طواف در مسجدالحرام دچار توهین شد، سعودی‌ها او را گردن زدند و همین باعث حرام شدن سفر به عربستان و حج واجب تا زمان زنده بودن مرجع تقلید آن زمان شیعه، آیت‌الله اصفهانی شده بود. هم اکنون هم گردن زدن‌هایی به این سبک و با دلایل و دستمایه‌هایی به همین سادگی رایج می‌شود در عربستان دید اما بعضی از قوانین عجیب‌وغریب دیگر کم‌کم در حال محو شدن هستند. محو شدن این قوانین و حتی جایگزین‌شان با مواردی کاملاً متناقض را می‌توان در راستای پدیده آمدن چهره جدید عربستان سعودی ارزیابی کرد. چهره‌ای که مدرن‌تر به نظر می‌رسد و با روی کار آمدن سلطان جدید و ولیعهد جدید، پدیدار

شدنش آغاز شد. تحلیل جامع این تحولات که به «اصلاحات بن‌سلمانی» معروف هستند و معمولاً به محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی منتسب می‌شوند، بحث جداگانه و مفصلی می‌طلبد اما این نکته را می‌شود در مجموع برداشت کرد که اولاً این تغییرات عمدتاً برای جلب توجه خارجی‌ها صورت گرفته‌اند، نه کسب رضایت خود مردم عربستان و ثانیاً سویه بیشتر این تغییرات فرهنگی هستند. یعنی حتی وقتی به ورزش توجه می‌شود یا ساخت‌وسازهای بزرگ و پرزرق‌وبرق صورت می‌گیرد، هدف غایی و نهایی پروژه‌های یک نوع تصویرسازی فرهنگی است یا تلطیف فرهنگی چهره‌ای که از کشور عربستان وجود دارد. از مهم‌ترین مواردی که عموماً در این زمینه مورد اشاره و توجه قرار می‌گیرد نسبت عربستان سعودی با هنر سینماست. در قلب جهان عرب که سینمای پررونق و حتی پرافتخاری دارد، عربستان کشوری بود که حکومت آن تا اواخر فروردین سال ۱۳۹۷، سینما را ممنوع می‌دانست. پس از آنکه اولین فیلم سینمایی با وقفه‌ای ۳۵ ساله در عربستان روی پرده رفت، سایر فعالیت‌های حکومت سعودی هم در راستای

حضور جدی و علنی در وادی بین‌المللی سینما رخ داد. اما کشوری که سال‌ها در آن هر نوع ارتباط شهروندان با فضای هنری قطع شده باشد، به یکباره نخواهد توانست با صرف هزینه‌های سرسام‌آور، همپای سایر کشورهای عربی مثل مصر و سوریه و تونس و الجزایر، صاحب جریان فیلمسازی شود. نکته بعدی اینجاست که طبق آنچه پیش از این اشاره شد، سعودی‌ها این تحولات فرهنگی را نه برای تأثیرگذاری روی مردم خود عربستان، بلکه بیشتر برای تصویرسازی تازه از خودشان در جهان انجام می‌دهند و همین باعث می‌شود که فعالیت‌های سینمایی آنها شبیه زوروقی باشد که روی سفالی شکسته کشیده می‌شود و جلوی چکه کردن آب از دیواره‌های ظرف را نخواهد گرفت. در ادامه تاریخچه مختصر و نسبتاً جدید مناسبات عربستان سعودی با هنر سینما را مرور کرده‌ایم که می‌توان با نگاهی کلی به آن، به تحلیلی درباره جایگاه استراتژیک سینما برای دولت‌های جهان از یک سو و نوع کوشش‌های حاکمیت سعودی برای بهره‌مندی از این مزیت استراتژیک از سوی دیگر رسید.

ورود پلنگ سیاه به مملکت سعودی

آخرین روزهای فروردین سال ۱۳۹۷ بود که شهروندان سعودی برای اولین بار بعد از ۳۵ سال میهمان سالن‌های سینما شدند و فیلمی که برایشان به قیمت ۷۵ ریال سعودی (یک میلیون تومان ایران) نمایش داده شد، «پلنگ سیاه» بود. در چهارشنبه ششی که این فیلم برای عربستانی‌ها اکران شد، «عواد بن صالح العواد» وزیر فرهنگ و رسانه سعودی، در مرکز «ملک عبدالله» ریاض، پخش آزمایشی این فیلم را با حضور مسئولان و دیپلمات‌های سعودی و کارشناسان بین‌المللی و منتقدان سینما افتتاح کرد و تمام بلیت‌های این فیلم هم در ۱۰ دقیقه اول زروو شد و به فروش رسید. برخلاف قانونی که تا پیش از آن در عربستان وجود داشت، تماشاگران این فیلم فقط به همراه خانواده‌ها امکان پذیر بود و به عبارتی زن‌ها هم اجازه پیدا کردند وارد سالن نمایش فیلم شوند. داستان فیلم به شکلی نمادین درباره زورم‌های دیکتاتوری همسویا ایالات متحده بود که دیپلمات‌های آمریکا آنها را «نظام‌های پدرسالار» خطاب می‌کنند. نمایش یک چهره پرزرق‌وبرق و مترقی از داخل مرزهای یک رژیم دیکتاتوری، با آنچه اصلاحات بن‌سلمانی خوانده می‌شود، همخوانی داشت و بدون یافتن قرینه‌ای عینی و مشخص، می‌شود حدس زد که این موارد در انتخاب پلنگ سیاه برای اولین اکران در عربستان سعودی پس از ۳۵ سال مؤثر بوده‌اند.

فیلمسازی جشنواره‌ای خیلی زود، خیلی دیر

در تابستان سال ۱۳۹۸، نوبت به حضور یک فیلمساز عربستانی در جشنواره فیلم ونیز هم رسید. کسی که او را اولین فیلمساز زن این کشور می‌دانستند. نام این فیلمساز حیف‌المنصور بود و پیش از شروع دوره اصلاحات بن‌سلمانی، در دوره یکی دیگر شاهزادگان سعودی که برای رسیدن به جایگاه‌های بالاتر ناگام ماند، یک بار دیگر هم کاندیدای نمایش چهره‌ای مترقی و جدید از عربستان شده بود. اولین فیلم بلند حیف‌المنصور «وجه»، در جشنواره فیلم ونیز ۲۰۱۲ دیده شد. این نخستین اثر بلند سینمایی به حساب می‌آمد که به‌طور کامل در عربستان سعودی فیلمبرداری شده بود و تولید آن توسط توانا، کمپانی تولید فیلم شاهزاده ولید بن طلال حمایت شد. «وجه» داستان دختری ۱۰ ساله را روایت می‌کرد که در حومه ریاض در حال رشد بود و آرزو داشت صاحب دوچرخه شود. «وجه» به عنوان نماینده عربستان سعودی در بخش فیلم‌های خارجی‌زبان سی‌وهشتمین دوره جوایز اسکار انتخاب شد و این نخستین باری بود که عربستان سعودی فیلمی را به اسکار می‌فرستاد. حالا در دوره بن‌سلمان، مجدداً این رویه آغاز شد و حیف‌المنصور با فیلمی به نام «کاندیدای ایده‌آل» راهی رویدادهای هنری و سینمایی دنیا شد. این فیلم که البته نتوانست افتخار خاصی در مجامع جهانی کسب کند، درباره‌زن‌ی بود که در یک منطقه کوچک نامزد انتخابات می‌شود و جامعه‌ا را ناچار به پذیرفتن حضور خودش می‌کند.

عربستان وانیمیشن؟!

در اسفند ماه سال ۱۳۹۸ بود که اعلام شد عربستان سعودی قصد ورود به دنیای انیمیشن‌سازی را دارد. شنیدن این خبر واقعاً حیرت‌انگیز بود. در تابستان همان سال فیلمی از عربستان در جشنواره ونیز شرکت کرد اما نیک می‌دانیم کشورهایی که سابقه‌ای طولانی در فیلمسازی دارند و حتی افتخاراتی به دست آورده‌اند هم ممکن است برای ورود به دنیای انیمیشن با چالش‌هایی مواجه باشند؛ اما عربستان چنین ادعایی می‌کرد. اعلام شد انیمیشن بلند «سفر» که به‌عنوان محصول مشترک عربستان سعودی و ژاپن تولید می‌شود، نهایتاً در سینماهای خاورمیانه و شمال آفریقا اکران خواهد شد و «منگا پروداکشنز» شرکت استودیوهای انیمیشن سعودی و شرکت انیمیشن «تونی» ژاپن سازنده این پروژه‌اند. ساخت این فیلم از سال ۲۰۱۷ با همکاری این دو شرکت ژاپنی و سعودی، یک‌ماه پیش از خروج عربستان سعودی از ممنوعیت ۳۵ ساله سینمایی آغاز شد. شرکت سعودی منگایا ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار برای این پروژه سرمایه‌گذاری کرد و گفته شد کارهای انیمیشن این پروژه در شهر توکیو ژاپن و ریاض عربستان صورت گرفته است. با وجودی که «بخاری عصام» مدیرعامل شرکت سعودی منگایا، فیلم «مسافر» را پروژه مشترک بین انیمیشن کاران حرفه‌ای ژاپنی و جوانان بااستعداد سعودی در همکاری‌شان به‌شانه عنوان کرده است، اما در بین تمام عوامل فیلم اثری از سعودی‌ها به‌جز در بخش سرمایه‌گذاری و فروش دیده نمی‌شود.

هالیوود سعودی؟

در آخرین روزهای سال ۱۴۰۰ بود که اعلام شد عربستان سعودی قصد ساختن یک پروژه سینمایی با بودجه‌ای کلان را دارد. طبیعتاً تولید چنین پروژه‌ای از عهده تخصص فیلمسازان عربستانی بر نمی‌آید و انجام آن فقط با پول پاشی‌های کلان بین سینماگران هالیوودی امکان‌پذیر می‌شود. این فیلم در اوج تنش‌های سیاسی بین ایران و عربستان، با نگاهی به رویارویی‌های تاریخی این دو کشور ساخت شد. این فیلم با نام «جنگجوی صحرا» درباره نبرد ذی قار بود؛ جنگی که قبل از سقوط ساسانیان در قلمروی ایران بین خسرو پرویز و قبایل عرب ساکن در مرزهای ایران رخ داد. این البته اتفاقی بود که پیش از این هم در نقاط دیگر دنیا می‌توان نمونه‌اش را دید و رقبا یا دشمنان پیرومنی ایران، هرگاه می‌خواهند با ایران امروضا مواجه شوند، سراغ تاریخ می‌روند و تلاش دارند ثابت کنند که لاف‌لر یک برهه خاص، بین قبایل و دولت‌شهرهای مختلف، تنها موردی بوده‌اند که بر تمدن ایران پیروز شده‌اند. مدتی پیش در فرانستان فیلمی تولید شده بود که به قتل کوروش توسط قبایل صحرائشین این کشور می‌پرداخت. حالاً عربستان هم سفارش ساخت چنین فیلمی را داده‌است. پیش از آن هم یک شهروند رژیم صهیونیستی در هالیوود فیلمی ساخته بود به نام «۳۰۰» که رویارویی امپراتوری ایران با یونانیان، به‌عنوان نمایندگان نمادین تفکر غرب را به شکل دلخواهی تصویر می‌کرد. حتی اگر به سال‌ها پیش برگردیم، در سال ۱۹۸۱ صدام حسین هم سفارش ساخت فیلمی را داده بود به نام «نبرد قادسیه» که در آن به یک رویارویی تاریخی با ایران پرداخته شده بود.

جشنواره فیلم یا فرش قرمز خالی؟

در آذرماه سال ۱۴۰۰ بود که عربستان سعودی اولین جشنواره سینمایی اش راه‌اندازی کرد و بی‌بی‌سی فارسی در گزارشی کاملاً جانبدارانه برایش تیتراژ: «جشنواره دریای سرخ» امواج تغییر در عربستان سعودی، اما گزارشرگر هالیوود رپورتر که با پایان یافتن جشنواره «دریای سرخ» در عربستان سعودی به خانه بازگشته و نگاهی به آن انداخته بود، توصیفات دیگری از این رویداد را قلمی کرد. او از این رویداد با عناوینی مثل «گسترده و پرهیاهو»، «مرکزبر فیلمسازان محلی» و «با سطح تقریباً دیوانه‌کننده» از حضور چهره‌های روی فرش قرمز، یاد کرد و نوشت: «حضور شارون استون، جکی چان، شاهرخ خان، اولیور استون، آنتونیو باندراس و حتی

مایک تایسون، رویداد جده را به یک بیابانه چشمگیر و گران‌قیمت بدل کرده بود.» آکس ریتمن می‌نویسد: «ارزش و اعتماد به نفسی که در این رویداد به نمایش گذاشته شد به کیف‌های پرپولی برمی‌گردد که اغلب عامل حیاتی برای جشنواره‌های سینمایی هستند و به‌نظر می‌رسد در این زمینه نگرانی کمی برای مسئولان این جشنواره وجود داشت. جیب بزرگ و پرپول عربستان سعودی نه تنها یک کمپین بزرگ بازاریابی با پوسترها و تبلیغات تمام‌عیار به راه انداخت بلکه چهره‌ها را هم به آنجا کشاند.» این گزارشرگر افزوده است: «من واقعا به تعداد زیاد و ماهیت تاحدودی درهم و برهم اسامی در شب افتتاحیه خندیدم. از شارون استون گرفته

تا گای ریچی و از شاهرخ خان گرفته تا نادین لبکی. اسکات ایستوود، لوکا گوادانینو، پریانا چوپرا و هنری گلدینگ تنها شماری از ستارگانی بودند که روی فرش قرمز آن شب رفتند. آری برای حضور در آنجا آنها پول گرفته بودند؟ احتمالاً. چندین منبع به من گفتند که برخی از نام‌ها صرفاً برای مبلغ هفت رقمی چک‌های دریافتی حاضر به حضور در آنجا شدند، تعداد بسیار زیادی! هنوز برای شب‌های بعد در راه بودند. کمی بعد در میهمانی از اینکه کسی که داشت ترازه‌های پرزوه ماس را می‌خواند، واقعا خود پرزوه ماس در شگفت ماند! م» ریتمن می‌نویسد: «درحالی‌که ممکن است جشنواره با عنوانی غربی شروع به‌کار کرده باشد،

در عوض با اولین نمایش جهانی «جاده دره»، یکی از چندین فیلم بلند و کوتاه عربستانی که در این رویداد حاضر بود، به پایان رسید. این دوره از جشنواره دریای سرخ تنها با حضور یک فیلم ایرانی برگزار شد؛ «جاده خاکی» فیلمی از پناه پناهی، فرزند جعفر پناهی. دوره دوم این جشنواره در حالی برگزار شد که حتی ممنوعیت پخش فیلم‌هایی با مضامین همجنسگرایانه در کشور عربستان سعودی برداشته شد. اما حتی این هم مانع گسیل شدن انتقاد‌های گسترده از این جشنواره نشد. انتقاد‌هایی که بابت تلاش حکومت سعودی برای سرپوش گذاشتن بر نقض حقوق بشر با برگزاری یک رویداد هنری صورت گرفت.

فروش ۵۳ میلیاردی سینماها در شهر یروش



بررسی تعداد مخاطبان سینما در نیمه نخست سال جاری با دوره مشابه سال قبل نشان می‌دهد امسال مخاطبان سینماهای کشور شاهد رشد ۲۴،۵۷ درصدی نسبت به سال گذشته است و مجموعاً از ابتدای سال ۱۰ میلیون و ۷۴۱ هزار و ۳۹۷ نفر برای دیدن فیلم بلیت تهیه کرده‌اند. سینماهای کشور طی شهریورماه با رشد ۱۰ درصدی به نسبت مردادماه، موفق شدند با جذب بیش از ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب، به فروش ۵۲ میلیارد تومانی دست یابند. در این ماه، حدود ۵۲ هزار سانس برای نمایش فیلم‌ها ترتیب داده شد که سهم بیشتر این سانس‌ها با تعداد حدود ۱۳ هزار و ۵۰۰ سانس به کمدی فسیل رسید. پر فروش‌ترین و پرمخاطب‌ترین فیلم شهریورماه، فسیل بود که حدود ۴۴۰ هزار مخاطب داشت و توانست ۱۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بفروشد. کمدی شهر هرت نیز با ۳۴۶ هزار مخاطب، ۱۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون فروش داشت تا دومین فیلم پر فروش آخرین ماه تابستان عنوان بگیرد. نارگیل ۲م ۱۷۲ هزار مخاطب داشت و توانست ۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بفروشد. چهارمین فیلم پرمخاطب شهریور، بی‌مادر است که ۶۷ هزار مخاطب داشت و حدود ۳ میلیارد تومان هم گیشته داشت. ستاره بازی با ۴۹ هزار مخاطب، گیشه ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومانی را تاجر به کرد. آخرین تولد، عروسی مردم، آهنگ دنفره، کت چرمی و بعد از رفتن، به ترتیب، دیگر فیلم‌های پرمخاطب شهریورماه بودند.

شکست «بی‌مصرف‌ها ۴» در گیشه



بی‌مصرف‌ها ۴ که از پنجشنبه شب راهی سینما شده با فروش ۷۵۰ هزار دلاری در شب نخست اکرانش، بدون شک کم‌فروش‌ترین فیلم این مجموعه خواهد شد. این فیلم که به کارگردانی اسکات وا با فیلمنامه اسپنسر کوهرن، مکس آدامز و جان جوزف کانولی و با بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری ساخته شده است، با این امر روی پرده رفت که بین ۱۵ تا ۱۷ میلیون دلار در افتتاحیه خود بفروشد، اما فروش پیش‌نمایش آن نشان می‌دهد در نهایت افتتاحیه آن از ۸ تا ۱۰ میلیون دلار بیشتر نخواهد بود. سیلوستر استالونه و جیسون استاتهام بار دیگر در این فیلم حضور دارند. مکان فاکس، فیفتی سنت، تونی جا، ایکرو اویس، جیکوب اسکپیو و لوی تران از تازه واردان این مجموعه در کنار اندی گارسینا هستند. در خلاصه رسمی فیلم آمده است: «آخرین خط دفاعی جهان و تیمی که وقتی همه گزینه‌های دیگر از روی میز برداشته می‌شود، فراخوانده می‌شوند. اما اعضای جدید تیم با سبک‌ها و تاکتیک‌های جدید به «خون جدید» معنای کاملاً جدیدی می‌دهند. استقبال منتقدان از فیلم هم مناسب نبود و منتقد هالیوود رپورتر نوشت با حضور کوتاه استالونه و چند بازیگر جدید که نتوانسته‌اند تأثیر زیادی بگذارند، نشان می‌دهد وقت آن رسیده که با این مجموعه خدا حافظی کنیم. نزدیک به یک دهه از اکران آخرین فیلم بی‌مصرف‌ها در سینماها می‌گذرد. سه فیلم اول این مجموعه که سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ اکران شدند، در مجموع ۸۰۰ میلیون دلار در گیشه سینماهای جهان فروش کردند.

«شماره ۱۰» پر فروش‌ترین فیلم دفاع مقدسی امسال است



ابراهیم اصغری، تهیه‌کننده شماره ۱۰ در گفت‌وگو با مجری استودیو هشت درباره این فیلم بیان کرد: «این فیلم ابتدا برای پرده سینما ساخته شده بود و با توجه به جوایزی که در جشنواره فجر دریافت کرد و ارتباط خوبی که می‌توانست با مخاطب برقرار کند بهتر بود ابتدا در سینما اکران شود.» وی ادامه داد: «شرایط کلان‌کشور به‌گونه‌ای است که برخی از فیلم‌ها می‌توانند آنتن تلویزیون را در شرایط ویژه پوشش دهند. این فیلم هم با اصرار دوستان در ایام نوروز در تلویزیون پخش شد. ما آن زمان هم بنا داشتیم همزمان با هفته دفاع مقدس این فیلم‌ها را در سینما ببینند و فیلم‌ها را در این ایام در سینما اکران کنیم.» اصغری افزود: «فیلم‌هایی که در سینما اکران می‌شود دو وجه دارد؛ یکی بحث فرهنگی است و بخش مهم‌تر بازرگشت مالی و فروش فیلم‌هاست. خوشبختانه فیلم شماره ۱۰ با توجه به مبلغی که تلویزیون پرداخت کرده است تا الان پر فروش‌ترین فیلم دفاع مقدسی امسال است. اگر این مبلغ قرار بود در سینما اتفاق بیفتد بیست و چند میلیارد فروش محسوب می‌شد.» وی در پاسخ به اینکه میزان مبلغ دریافتی از تلویزیون حدود ۱۵ میلیارد بوده است یا خیر، عنوان کرد: «مبلغ دریافتی از صداوسیما کمتر از این میزان بود اما اگر آن مبلغ ضرب در سه شود محاسبه سینماست یعنی حدود ۲۴ یا ۲۵ میلیارد در سال‌های سینمایی فروش داشته است.»

افتتاح ۴ پردیس سینمایی در تهران



قادر آشنا، معاون توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی از افتتاح چهار پردیس سینمایی خبر داد و گفت: «همزمان با ماه ربیع‌الاول و طی مهوماه، علاوه بر برگزاری رویداد ملی جشن مهر سینمای ایران چهار پردیس سینمایی با ظرفیت ۱۹ سالن سینما در مناطق مختلف شهر تهران افتتاح خواهد شد.» به گفته وی، پردیس مرداس ۵ سالن سینما در ۳ مهر ماه، پردیس کوثر با ۳ سالن سینما در ۱۰ مهرماه، پردیس زرمال با ۷ سالن سینما در ۱۷ مهرماه و پردیس زیما مال با ۴ سالن سینما در ۲۴ مهرماه با حضور مدیران ارشد سینمایی افتتاح می‌شوند و به چرخه سینماهای فعال کشور اضافه خواهند شد. آشنایکی از اولویت‌های سازمان سینمایی را اجرای طرح‌های زیرساختی در حوزه توسعه سینما در سراسر کشور عنوان کرد و گفت: «همه تلاش‌ها سازمان سینمایی توسعه ضرب نفوذ سینما در مناطق مختلف کشور است. نهضت سالن‌سازی سینما از ابتدای روی کار آمدن دولت سیزدهم در بخش‌های مختلف با جدیت پیگیری شده و خوشبختانه نتایج بسیار چشمگیری نیز در زمینه ساخت و بهره‌برداری سالن سینما در دو سال گذشته در پی داشته است.» وی اظهار داشت: «در زمان حاضر، ۳۶۶ سینما و مجموعه سینمایی در کشور فعالیت دارند که نسبت به دولت گذشته بیش از ۳۰ درصد رشد داشته است. همچنین، ۷۵۰ سالن نمایش در کشور در حال حاضر وجود دارد که امید است بتوانیم تا پایان سال ۱۴۰۱ حداقل یکصد سالن دیگر به این تعداد اضافه کنیم.»

فهرست افراد

<div><div>📅</div><div><div>دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۲</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>شماره ۳۹۶۵</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🔄</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div>

<div><div>🏠</div><div><div>تهران</div></div></div>
<div><div>📞</div><div><div>۰۲۱ ۸۸۸۰۰۰۰۰</div></div></div>
<div><div>📧</div><div><div>fdn@fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🔄</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div>

<div><div>🏠</div><div><div>تهران</div></div></div>
<div><div>📞</div><div><div>۰۲۱ ۸۸۸۰۰۰۰۰</div></div></div>
<div><div>📧</div><div><div>fdn@fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🔄</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div>

<div><div>🏠</div><div><div>تهران</div></div></div>
<div><div>📞</div><div><div>۰۲۱ ۸۸۸۰۰۰۰۰</div></div></div>
<div><div>📧</div><div><div>fdn@fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div>
<div><div>🔄</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div>

- مدیرمسئول:**
- محمد امین ایمانجانی
- سردبیر:**
- مسعود فروغی
- تلفن وفکس:**
- ۰۲۱ ۶۲۹۹۹۴۹۵
- کدپستی:**
- ۱۱۳۵۳۳۸۱۶
- چاپ:**
- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی:**
- خیابان حافظ،پایین‌تر از جمهوری
- روبه‌روی ساختمان بوس
- ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

۱۶

از سیستم پانزی به نام درآمد دلاری چه می دانیم؟ آیا با یک مجموعه فراهرمی طرف هستیم؟

دام بزرگ کلاهبرداران پیچیده در غرب کشور

نادیا آهنجان خبرنگار

نرخ‌های بالای تورم، شیوع کرونا و تحریم‌های ظالمانه آمریکا موقعیتی را در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران ایجاد کرده که تورم بلندمدت ۲۰ درصدی جای خود را به نرخ‌های بالاتر از میانگین چهار دهه اخیر بدهد. مجموع این اتفاقات باعث شده این تلقی بین عموم مردم ایجاد شود که نگهداری ریال به‌عنوان پس‌انداز معنی‌ای جز از دست دادن قدرت خرید در کوتاه‌مدت ندارد. گرچه در ۶ماه اخیر به واسطه ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد کلان و کاهش نوسانات نرخ ارز، تورم انتظاری در کشور کمی فروکش کرده، اما هیچ (Hedging) کردن دارایی‌ها یا همان مصون ماندن از تورم موضوعی است که طی سال‌های اخیر و به ویژه پس از سقوط آزاد بورس در مردادماه ۱۳۹۹ باعث شده برخی از مردم به شیوه‌های بسیار پرریسک و خطرناکی از سرمایه‌گذاری‌ها همچون سرمایه‌گذاری‌های پانزی روی بیاورند. بررسی‌های «فرهیختگان» نشان می‌دهد در سال‌های اخیر حداقل ۷ پروژه پانزی در کشور فعال بوده‌اند که پس از شکایات مردمی از کلاهبرداری‌های گسترده آنها، برخی از این پروژه‌ها و کلاهبرداران گرچه به‌وسلیه دستگاه‌های انتظامی – امنیتی متلاشی شده‌اند. اما در حاضر نیز برخی از این پروژه‌های کلاهبرداری در کشور فعال هستند. نمونه قابل‌تامل آنها، پروژه «لاکسون» است که عمدتاً در استان ایلام فعال بوده و همچون پروژه‌های پانزی دیگر، به نظر می‌رسد این پروژه نیز دیر یا زود ضربه‌ی مادی و معنوی غیرقابل‌جبرانی را به مردم خواهد زد. شورویخانه گرچه همه این پروژه‌های کلاهبرداری به یک سبک‌وسایق افراد را به دام می‌اندازند و در نهایت اموال سرمایه‌گذاران را به غارت می‌برند، اما همچنان پس از دو دهه فعالیت «شرکت‌های هرمی»، بازم عده‌ای از مردم به این شرکت‌ها اعتماد می‌کنند.

کلدکونست‌ها در لباس گرگ

احتمالاً برای شما هم پیش آمده که یکی از دوستان قدیمی یا اقوام دورتان که مدت‌ها است از او بی‌خبر بوده‌اید با شما تماس گرفته و پس از احوال‌پرسی گرم و صمیمی، به شما پیشنهاد شغلی بپردازد! اما سوال سال ۷۹ بود که زمزمه پیدایش راهی برای کسب درآمد‌های بالا در شهرهای مختلف ایران شنیده می‌شد. فعالیتی به‌نام «بازاریابی شبکه‌ای» یا «نتورک‌مارکتینگ» که شما را وادار به پرداخت مبلغی بابت خرید کالایی بی‌ارزش به یک شرکت معرفی آن شرکت به دوستان و آشنایان‌تان می‌کرد؛ شما دو نفر را معرفی می‌کردید، ودفتری که شما معرفی کردید هرکدام دونفر را و به همین صورت، تصاعدی تعداد خریداران محصول زیاد می‌شد. هرکدام از افرادی که به‌واسطه شما محصول را خریداری می‌کنند، زیرمجموعه شما می‌شوند و هرچه تعداد

این افراد بیشتر باشد، شما سود (پورسانت) بیشتری خواهید گرفت. پس از گذشت چهارسال در سال ۸۳ دربی شکایت‌های زیادی که توسط مالیباختگان از شرکت هرمی «گلدکونست» شد، دولت فعالیت این‌گونه شرکت‌ها را ممنوع و افراد زیادی را دستگیر کرد، اما همچنان فعالیت غیرقانونی این افراد ادامه پیدا کرد تا در نهایت در دهه ۹۰ با وضع قوانین جدید چندین شرکت ایرانی با نام‌های جدید فعالیت خود را ازسر گرفتند. این شرکت‌ها با خرید یا راه‌اندازی خط تولید و گاهی با شرکت با برخی کارخانه‌ها، سعی در رساندن مستقیم محصول از کارخانه به مصرف‌کننده یا بازاریابان خود داشتند. ایده خام این نوع بازاریابی در ابتدا جذاب به نظر می‌رسید؛ برنامه این بود که با حذف واسطه‌ها بخشی از هزینه توزیع کاهش یابد. مبلغ ذخیره‌شده از حذف واسطه‌ها بایستی به‌عنوان سود «پورسانت»، به بازاریابان این شرکت‌ها پرداخت می‌شد. اما درعمل، شاهد مشکلات بسیار زیادی در اجرای این طرح بودیم، به‌طوری‌که بسیاری از جوانان تمام سرمایه و وقت خود را وقف این فعالیت کردند و در نهایت با از دست دادن زیرمجموعه‌های خود به دلایل مختلف، چندسال از عمر خود و چندده میلیون تومانی از سرمایه خود را از دست دادند. بر این اساس حالا ما با دو گروه از شرکت‌های هرمی روبه‌رو هستیم. اولی شرکت‌های «بازاریابی شبکه‌ای» یا همان «نتورک‌مارکتینگ‌ها» هستند که بسیاری از آنها مجوز فعالیت در حوزه توزیع کالا و ارائه برخی خدمات را از طریق تشکیل زیرمجموعه فعالیت شبکه‌ای دنبال می‌کنند و گروه دوم از شرکت‌ها هم هستند که شرکت مادر آنها در خارج از کشور بوده و یا وعده‌های اغواکننده درآمد‌های دلاری، سرمایه‌های مردم را جذب کرده و پس از ایجاد اعتماد نسبی، با په فرار می‌گذارند.

۷ شرکت پانزی مشهور در ایران

نحوه فعالیت اغلب این شرکت‌ها به این صورت است که شما ازطریق یک دوست یا آشنا به جلسه‌ای کاری و مهم دعوت می‌شوید. زمانی که به محل قرار که عمدتاًتالی هتل‌ها کافی شاپ‌هاست می‌رسید، پس از کمی انتظار، یک خودروی لوکس از راه می‌رسد و شخصی با ظاهر آراسته از آن پیاده می‌شود و به‌سمت شما می‌آید. ظاهراً جلسه کاملاً رسمی و جدی است؛ معرف شما، شخص پرنزترو یا ارائه‌کننده کار را به شما باکلی احترام، تحت عنوان استاد، دکتر و چنین عناوین دیگری معرفی می‌کند و استاد مذکور، آماده پرزنت و ارائه نحوه این فعالیت به شما می‌شود. ارائه‌دهنده (پرنتر) نحوه فعالیت در این شرکت را به این صورت به شما شرح می‌دهد که این شرکت یک شرکت سرمایه‌گذاری معتبر در کشور مئلاسوتیس یا آمریکااست و با بازارهای مالی بزرگ دنیا ازجمله نزدک، فارکس، وال‌استریت یا در کریپتوکارنسی‌ها (ارزهای دیجیتال) سرمایه‌گذاری می‌کند. این شرکت‌ها مدعی هستند رباتی را طراح کرده‌اند که با خریدوفروش سهام یا سرمایه‌گذاری در بازار سهام بین‌المللی یا کریپتوکارنسی‌ها، سود قطعی ماهیانه چهار تا شش درصد به شما می‌دهد و به هیچ‌عنوان ضرر نمی‌کنند! شما باید در ابتدا حداقل مبلغ ۱۰۰۰ دلار ناقابل‌برگشت بپردازید تا مجوز ثبت‌نام برای شما صادر شود.

بررسی‌های «فرهیختگان» از فعالیت شرکت‌های مختلف نشان می‌دهد طی سال‌های گذ‌شته حداقل هفت پروژه پانزی مشهور در کشور اقدام به کلاهبرداری‌های چشم‌گیری کرده‌اند که فقط در پروژه پانزی شرکت هرمی یونیک‌فایننس (uniquifinance) دو سال پیش باتلاش‌های نهاد‌های امنیتی متلاشی شد، ایرانی‌ها حدود هشت هزار میلیارد تومان از دست داده‌اند. اما یونیک‌فایننس پایان ماجرانبست‌ واز شرکت‌های دیگری که در این حوزه فعال بوده و هستند می‌توان به نام‌های مشهوری همچون ۲- لاکسون، ۳- گوجین، ۴- تیمون، ۵- آمازون سل، ۶- یونیک فایننس و ۷- تریدلن نیز اشاره کرد.

گرگ‌ها استان‌های محروم را نشانه گرفته‌اند

واضح است که تأمین مالی این شرکت‌ها، صرفاً از طریق سیستم پانزی صورت می‌گیرد؛ سیستمی که سود شما را از ورود پول افراد جدید به شرکت تأمین می‌کند و این روند تا جایی ادامه می‌یابد که موستان سیستم پانزی، از جذب سرمایه‌یاسیر شوند. در این سیستم گیرنده سرمایه، هیچ نیازی به

فعالیت اقتصادی ندارد و صرفاً از پول افراد جدید، سهم قدیمی ترها برداخت می‌کند و به‌محض کند شدن روند جذب سرمایه، شرکت به‌سمت فروپاشی می‌رود؛ چراکه برای پرداخت سود افراد قدیمی مجبور می‌شود به منابع مالی خود دست‌ببرد. این سیستم‌ها معمولاًدر سال‌های ابتدایی فعالیت خود، برای جلب اعتماد مردم بسیار خوش حساب عمل می‌کنند و با توجه به اینکه شما نمی‌توانید تا مدت زمانی مشخص سرمایه اولیه خود را برداشت کنید، تمامی سود‌ها به‌موقع واریز می‌شوند. اما پس از چند سال که تعداد سرمایه‌گذاران جدید کاهش و تعداد کسانی که می‌خواهند سرمایه خود را خارج کنند افزایش می‌یابد، صاحبان این سیستم، بار و بندیل خود را جمع می‌کنند و بدون هیچ مشکلی تمام سرمایه‌ای را که نزد خود نگه داشته‌اند با خود می‌برند.

به‌رغم تمام هشدارهای دستگاه‌های امنیتی و پلیس فتا درخصوص پروژه‌های پانزی، اما این پروژه‌ها همچنان در ایران قربانی می‌گیرند. بررسی‌های نشان می‌دهد درحال حاضر مردم استان‌های مختلف درگیر چند پروژه کلاهبرداری هستند که براساس اسناد چت‌ها و گفت‌وگوهایی که خبزنگار «فرهیختگان» آنها را مرور کرده، در این پروژه‌ها، شرکت‌های پانزی به اندازه بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از آورده و سرمایه اولیه فرد را به او به‌عنوان سود در ماه‌های اولیه سرمایه‌گذاری پرداخت می‌کنند اما پس از آن، با ادامه پرداخت سود یا شرطی کرده و درخواست سرمایه‌گذاری و جذب زیرمجموعه قابل توجه می‌کنند یا اینکه آی‌دی‌های دسترس‌ی را بلاک کرده و در لیست سیاه قرار می‌دهند و فرد به همین راحتی ۷۰ تا ۸۰ درصد از سرمایه اولیه خود را نیز از دست می‌دهد.

اما نکته تاسف‌آور اینکه فعالیت و اقبال جوانان به این‌گونه شرکت‌ها در استان‌ها و شهرهایی است که نرخ بیکاری بالاتری دارند و احتمالاً راحت‌تر برای فعالیت جذب و اقبال می‌شوند. به‌عنوان مثال استان‌های ایلام،

آذربایجان غربی، کرمانشاه، سنندج، همدان، مرکزی، چهارمحال‌وختیاری، سمنان، وبوشهر پایگاه‌های بسیار فعالی از این شرکت‌ها در خود دارند که با نگاهی به آخرین داده‌های مرکز آمار متوجه می‌شویم همگی این استان‌ها یا نرخ‌های بیکاری بالایی دارند یا نرخ مشارکت اقتصادی آنها حد ا قلی است.

به‌عنوان مثال، پروژه کلاهبرداری تیمون و گوجین از استان آذربایجان غربی و به‌خصوص در شهرستان خوی بسیار فراگیر شد. تبلیغات فریبکارانه این دو شبکه کلاهبرداری در مناطق شمال غربی ایران به‌اندازه‌ای بالا رفت که فرماندار خوی مجبور شد نبرهایی در سطح شهر نصب کرده و مردم از این کلاهبرداری آگاه کند. در پروژه تریدلن نیز گرچه تمرکز روی استان خاصی نبوده اما ظاهراً استان‌های مرز نشین بازنده بزرگ این پروژه بوده‌اند. داستان کلاهبرداری این شبکه پانزی اینقدر وحشتناک بوده که جمعی از مالیباختگان پلتفرم کارزار پلتفرم مستقل جمع‌آوری امضا) خواستار پیگیری کلاهبرداری سنگین این شرکت پانزی شده‌اند. دیگر پروژه کلاهبرداری و پانزی که در استان‌ها کمتر برخوردار فعالیت عجیب‌وغریبی داشته و سرمایه‌های سنگینی را جذب کرده، پروژه پانزی لاکسون است. این پروژه گرچه در استان‌ها دیگر هم فعالیت دارد، اما تمرکز ویژه این پروژه پانزی در شهرستان‌های مختلفه استان ایلام است. با توجه به اهمیت اقدام این شرکت کلاهبرداری، در ادامه بیشتر به این شرکت پانزی خواهیم پرداخت.

خطر لاکسون برای ایلامی‌ها

گفته شد که تمرکز پروژه‌های پانزی عمدتاً نقاط خاصی از کشور است. این تمرکز به‌طور خاص در استان‌هایی است که درصد بیکاری جوانان و حتی افراد میانسال در آنها بیشتر است. یکی از نمونه‌های عجیب این پروژه‌ها که به‌طور علنی پروژه پانزی خود را پشتیبانی می‌کند، پروژه لاکسون است. تمرکز این پروژه پانزی عمدتاً در استان ایلام است.

بنا بر معرفی سایت منصوب به لاکسون (Laxsson)، این پروژه یک پلتفرم در زمینه سرمایه‌گذاری کریپتوکارنسی است که به‌تاگی در بین کاربران فارسی‌زبان محبوب شده است. علی‌رغم اینکه لاکسون خود را فعال در بیش از ۷۰ کشور منطقه و جهان معرفی می‌کند اما با بررسی اطلاعات کانال تلگرامی آن به نظر می‌رسد لاکسون بیشتر در جذب کاربران ایرانی متمرکز است. علاوه‌بر وب‌سایت، یک برنامه به نام Laxsson نیز در گوگل پلی قابل‌دانلود است که به‌عنوان یک ربات تجاری معرفی شده است. این سایت ادعا می‌کند که از تکنولوژی‌های پیشرفته مانند پردازش آیربی، هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی برای ایجاد سود برای کاربران خود استفاده می‌کند و همچنین ادعا می‌کند در سال‌های اخیر روند رشد سریع ۷۵ درصد از کل حجم تراکنش‌های سالانه را حفظ کرده و به یک بازیگر شناخته‌شده در زمینه اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است با این‌وجود دومورد این پروژه اطلاعات کافی و شفافی وجود ندارد. برای عضو شدن در این سایت باید متقاضی کد دعوت داشته باشید. پس از ثبت‌نام، یک ویدئوی معرفی وجود دارد که به نظر می‌آید قصد دارد کاربران را از مطالعه متن منصرف کند. ویدئو به‌شدت کند است و بیش از پنج دقیقه طول می‌کشد تا متن به‌وضوح قابل مشاهده شود. سایت ادعا می‌کند که با استفاده از آریبتراز و سرمایه‌گذاری کمی، به کاربران سود می‌رساند اما تنها استراتژی‌ای که معرفی کرده است «خرید با قیمت پایین و فروش با قیمت بالا» است. این سایت همچنین ادعا می‌کند که ربات تجاری‌اش هیچ‌گاه ضرر نمی‌کند، ادعایی که بسیار نامعقول و پایه‌ی بی‌بهره به نظر می‌رسد.

به محض ورود ۱۵ دلار پاداش بگیرید!

بررسی میدانی «فرهیختگان» از کانال تلگرامی لاکسون حاکی از آن است که این سایت سه راه برای سود کردن به شما معرفی خواهد کرد. ۱- سرمایه‌گذاری ۲- جذب زیرمجموعه ۳- انجام تعهد استخر مشارکت. حداقل سرمایه برای کسب سود در هر کدام از سه راه مذکور ۱۰۰۰ دلار است و به‌محض ورود در رویداد تستوی کنونی ۱۵ دلار برای سرمایه‌گذار به حسابی که در لاکسون دارد واریز می‌شود. در روش اول گفته می‌شود به‌صورت محدودی روزی دو دلار سود سرمایه‌گذار خواهد بود، در روش دوم متقاضی روزانه ۱۵ درصد سود زیرمجموعه اول، پنج درصد سود زیرمجموعه دوم و سه درصد سود زیرمجموعه سوم را دریافت می‌کند (در واقع پانزی بودن سیستم در اینجا نمایان می‌شود). سرمایه‌گذار با طی این مراحل به



مرحله سوم که بیشترین سود در آن نهفته است می‌رسد. در این مرحله پولی که در حساب واریز شده و سود حاصل از آن بلوکه می‌شود و دیگر قابل برداشت نیست در عوض لاکسون وعده می‌دهد از پول بلوکه‌شده سود بیشتری را به سرمایه‌گذار بپردازد. متقاضی برای رسیدن به مرحله سوم لاکسون نیاز به تغییر وضعیت دارد. به محض ورود شخص در وضعیت vip 0 قرار می‌گیرد و با شارژ ۱۰۰ دلاره به vip 1 تغییر وضعیت می‌دهد. (در صورت نرخ کمسیون سطح فعلی پنج درصد هزینه برداشت سطح فعلی) در گام بعدی با شارژ ۳۰۰ دلار و عضو کردن دروزیرمجموعه‌مستقیم و سه زیرمجموعه غیرمستقیم وضعیت vip2 برای افراد اولیه می‌شود. (تنها ۲۰۵ درصد نرخ کمسیون سطح فعلی) بنابراین برای عموماً با گذر از سطح سوم و جذب سرمایه بیشتر و عضو کردن افراد معدود سوم یعنی انجام تعهد استخر مشارکت را به متقاضی پیشنهاد می‌کنند تا با خیال راحت طمع ناشی از جذب آورده را در خود سیراب کنند.

از اسپانسر و الببال تا توزیع گوشت قربانی!

آیا می‌توان به لاکسون اعتماد کرد؟ یا سوانی است که خبزنگار «فرهیختگان» از چند سرمایه‌گذار حاضر در گروه تلگرامی می‌پرسد و پاسخ آنها این است: «تا ریسک نکنم سود خوبی هم به دست نمی‌آید، یک بار ریسک می‌کنید اما سود یک‌ساله بانکی را اینجا یک‌ماه به دست می‌آورید.» همچنین سرمایه‌گذاران معتقدند با دعوت از افراد جدید درحال خلق ثروت برای خود هستند! این درحالی است که میزان ریسک باید تابع الگوریتمی منطقی باشد تا تبدیل به قمار نشود. درست است که سود وعده‌ داده‌شده از سایر صندوق‌ها بیشتر است اما سازوکار حاکم بر این جریان به‌گونه‌ای است که فرد سودکسب‌کرده

در مرحله اول را هم مضایف بر مبلغ خود برای ارتقای سطح در حساب بلوکه می‌کند و در نهایت لاکسون برنده تمامی این اموال خواهد بود. بنابر وعده‌های لاکسون، سودهای روایی قابل دست‌یابی است به‌گونه‌ای که هر ۱۰ هزار دلار در روز هر چهار هزار ۵۰۰ دلار سود می‌دهد اما تنها لاکسون مدعی این سود نیست و سال‌هاست که وعده‌های یک‌شبه پولدار شدن از جانب سایت‌های مختلف هربار با طرح جدیدی به گوش می‌رسد. همان سایت‌های مختلف و پیشنهادهای عجیب‌وغریبی که تمام سود و منفعت را از آن‌ما می‌دانند، در گذشته عموماً جامعه هدف این دست شرکت‌ها افراد دارای سرمایه و قشر بالاتر از سطح متوسط بودند اما درحال حاضر لاکسون با دست گذاشتن بر جامعه

از سیستم پانزی به نام درآمد دلاری چه می دانیم؟ آیا با یک مجموعه فراهرمی طرف هستیم؟

دام بزرگ کلاهبرداران پیچیده در غرب کشور

محروم و فقیر و نظاهر به حمایت از آنها توانسته سود بیشتری را از آن خود کند. حضور در جلسات خیریه و پرداخت کمک‌معیشتی (گوشت و اقلام دیگر) به ایتم و نیازمندان کاری است که یکی از اعضای لاکسون در میان مردم ایلام انجام می‌دهد. این فرد با حضور در بین مردم اعتمادسازی جعلی می‌کند و سبب می‌شود هرآنچه که دارند را تبدیل به نقدینگی کرده و در حساب‌های لاکسون بلوکه‌کنند. گفتنی است هر مبلغی که از راه غیرقانونی عاید شخص شود و شخص با آن مبلغ اقلام یا وسیله‌ای را خریداری کند مصداق پولشویی است و لاکسون نه تنها از افراد کلاهبرداری می‌کند بلکه با پولشویی نیز اقدام به دست نیازمندان می‌رساند. دست‌اندرکاران این پروژه پانزی حتی در زمینه مسئولیت اجتماعی نیز فعالیت داشته‌و مدعی اسپانسر ی مسابقات والیبال زنان هستند.

به ۱۰ دلیل لاکسون دروغ می‌گوید

قبل از نام بردن از ۱۰ دلیل، در ابتدا لاکسون محل درآمد خود را معرفی می‌کند که به‌خودی خود محل ایراد است «پلتفرم لاکسون ۵۰ درصد از درآمد شما را به‌عنوان کمسیون می‌گیرد به این معنی که منافع پلتفرم به شما گره خورده است. شما پول درآورید = پلتفرم پول درمی‌آورد و اگر شما پولی کسب نکنید پلتفرم نیز پولی ندارد بنابراین مجموعاً هرچه پول بیشتری به دست آوریم شهرت پلتفرم بیشتر می‌شود و سود بهتری خواهد داشت. در درآمدت، پلتفرم فقط درآمد بیشتری خواهد داشت نه اینکه پول کمتری به دست آورد.»

۱- ناشناس بودن تیم اصلی پروژه؛ عدم شفافیت در معرفی تیم اجرایی و عدم وجود مجوزهای لازم از نهاد‌های مربوطه نشان دهنده عدم شفافیت و معتبر نبودن پروژه است. همچنین این پروژه در سایت لینک‌دین پروفایل شفافى ندارد.
۲- اطلاعات تماس متناقض و نام تجاری مشابه؛ این موارد نیز می‌توانند نشانه‌هایی از عدم شفافیت و معتبر نبودن پروژه باشند.

۳- وعده‌های سود قطعی؛ هیچ پروژه یا پلتفرم سرمایه‌گذاری معتبری نمی‌تواند سود قطعی را تضمین کند؛ چراکه بازارهای مالی به تبع خود نوسانات و عدم قطعیت دارند.

۴- تراکنش؛ سایت ادعا می‌کند که با انجام تراکنش ۵۰۰ درصد از سود را به شما می‌دهد. این تراکنش‌ها روزانه سه بار قابل انجام هستند و بسته به سطح VIP شما، سود تضمینی بین ۱،۵ تا ۴،۵ درصد دریافت می‌کنید. پس اینجا باید به محدودیت تراکنش‌ها مشکوک شد! زیرا اگر ربات لاکسون همان‌طور که ادعا می‌کند هیچ‌گاه ضرر نمی‌کند، چرانتها سه بار در روز می‌توان تراکنش انجام داد؟
۵- تمرکز بر پاداش ثبت‌نام و رفارال؛ پس از ثبت‌نام، ۱۰ تا ۱۵ دلار (وابسته به رویدادی پاداشی‌ای که سایت تعریف می‌کند) جایزه دریافت می‌کنید که قابل برداشت نیست. همچنین، سیستم پاداش دهی برای دعوت از دیگران وجود دارد که شباهت‌هایی به شرکت‌های هرمی دارد.

۶- تمرکز بر جامعه و کامیونیتی فارسی‌زبان؛ براساس اطلاعات منتشرشده در کانال تلگرام و پشتیبانی از زبان فارسی، مشخص است که سایت تمرکز زیادی بر جذب کاربران فارسی‌زبان دارد و آن‌طور که می‌گوید دایره بین‌المللی ندارد.
۷- نبود اطلاعات در مورد محدودیت زمانی برداشت؛ اطلاعاتی درمورد مدت زمان یا شرایط برداشت وجود ندارد، که این نیز موجب تردید است.

۸- کیفیت پایین ترجمه، استفاده از زبان مبهم و اطلاعات متناقض؛ این موارد می‌توانند به‌عنوان تکنیک‌هایی برای گمراه کردن و فریب دادن کاربران مورد استفاده قرار بگیرند.

۹- وجود توکن‌های ناموجود یا جعلی؛ این‌نیز یکی از روش‌های متداول کلاهبرداری در دنیای کریپتوکارنسی است.

۱۰- ادعاهای نادرست درمورد شرکات‌ها؛ ادعای همکاری با برنده‌های معتبر بدون ارائه مدرک یا شواهد نیز می‌تواند نشانه‌ای از کلاهبرداری باشد.

تاریخ برای طمعکاران همیشه تکرار می‌شود

واقعیت این است که شبکه‌های پانزی و هرمی هربار در اسمی متفاوت ظاهر می‌شود. علاوه‌بر هفت مورد که شرح داده شد، کوین پارک پروژه پانزی دیگری است که به‌تاگی برای جامعه کاربران ایرانی تبلیغات گسترده خود را آغاز کرده است. متأسفانه این پروژه پانزی هم داستان تکراری دارد: ۱۰۰۰ دلار بگذار تا ۲۰۰ دلار دریافت کنی! «لوتوچی یا همان Lotto Chi نام مجموعه‌ای است که به‌تاگی فعالیت خود را شروع کرده و توانسته با تبلیغات تلویزیونی گسترده، خصوصاً توسط شبکه‌های ترکیه‌ای، نام برزند خود را به گوش مخاطبان برساند.

لوتوچی در ابتدا به شما یک بلیت رایگان می‌دهد، اما احتمال برنده شدن با این بلیت بسیار کم است. این روش یک استراتژی بازاریابی است تا شما را به خرید بلیت‌های بیشتر ترغیب کند. یونایتد سولر دیگر پروژه کلاهبرداری است که جزء جدیدترین کلاهبرداری‌های به نام ارز دیجیتال در ایران است، ادعا می‌کند با اجاره پنل‌های خورشیدی به کاربران و تقسیم سود، کاربران را به سودهای نامتعارفی می‌رساند. همچنین در ادامه نقشه راه این پروژه مانند اکثر پروژه‌های سرمایه‌گذاری حساب‌تعدادی از کاربران را بعد از مدتی مسدود می‌کند و شرط آزادسازی آن را زیرمجموعه‌گیری بیان می‌کند. صرفی بلم این سایت به علت دعوت همگانی و زیرمجموعه‌گیری اکثر کانال‌های تلگرامی و همچنین دریافت مدارک ایرانی مثل تصویر کارت ملی در شرایط تحریم بین‌المللی که هیچ صرفی خارجی حق معامله با کاربر ایرانی ندارد؛ بسیار مشکوک است. ادعا شده این صرفی یکی صرفی آمریکایی است که اگر واقعیت داشته باشد هیچ صرفی آمریکایی حق معامله با ایرانی‌ها را ندارد. همچنین در قسمت نظرات سایت تاکنون با افراد ازارهای مختلفی مساله بلاک شدن حساب بعد از شارژ را مطرح کرده‌اند که قابل توجه است. عمده محتوایی که درخصوص صرفی بلم وجود دارد توسط یک کانال تلگرامی درج شده و بارها اشتراک‌گذاری شده است. همچنین در سایت‌هایی که مخالف این صرفی صحبت کنند چند نفر (احتمالاً لیدرهای تیم) با یک‌آی پی اقدام به درج کامنت‌های متعدد با اسم‌های مختلف و ایمیل‌های فیک‌کرده می‌کنند. گفتنی است بلم در سایت کوین مارکت‌کس که معتبرترین مرجع ارزهای دیجیتال است ثبت نشده و هیچ اطلاعات تماسی هم در سایت بلم موجود نیست. تری اینوست (Treenvest) یک پروژه پانزی بسیار آاتور است که اخیراً سرمایه‌ی زیادی از کاربران ایرانی جذب کرده است. بقا و فعالیت این گروه منوط به زیرمجموعه‌گیری و جذب سرمایه افراد جدید است. سایت بسیار گنگ و نامفهوم است و توسط کانال‌های زد تلگرامی تبلیغ و زیرمجموعه‌گیری می‌کند. بسیاری از مالیباختگان این پروژه تا چند وقت پیش حرف از سودهای دقیق و بالایی زدند اما امروز کامنت‌های زیادی درخصوص قطع سود‌ها و عدم امکان برداشت سرمایه قرار داده‌اند. پی کوین یا یوما کوین با آدرس سایت Pccrypto.com یا PCCoin Global یک پلتفرم برای آینده‌تأمین مالی است که به بلاک چین جدید سهام قدرت می‌دهد اما نه مشخصات صاحبانش مشخص است و نه ولایت پیپری از آن موجود است. در Seamadviser کلاهبردار شناخته می‌شود و حتی اطلاعات whois این سایت هم مخفی شده است. کاربران پی کوین با‌شدت زیادی نسبت به هر محتوایی در وب فارسی واکنش نشان می‌دهند و به‌صورت گروهی اقدام به تهدید و ناسزا می‌کنند.